

رسالة مناسك حج

مطابق با فتواى
حضرت آية الله العظمى
حاج سيد صادق حسيني شيرازى دام ظلّه العالى

فهرست مندرجات

۱۰	وجوب حج
۱۳	شرایط وجوب حَجَّة الاسلام
۱۵	عقل
۱۵	آزادی
۱۶	استطاعت
۱۶	۱- قدرت بدنی
۱۶	۲- نبودن مانع در راه
۱۷	۳- سعه وقت
۱۷	۴- زاد و راحله
۱۹	۵- رجوع به کفایت
۲۳	احکام استطاعت
۲۸	حج بذلی
۳۳	اذن شوهر
۳۴	حج نذری
۳۵	نایب گرفتن
۵۲	چند مسأله
۵۴	اقسام حج
۵۶	حج تمتع

مشخصات کتاب

نام کتاب: رساله مناسک حج
مطابق با فتوای: حضرت آیه الله العظمی
حاج سید صادق حسینی شیرازی «دام ظلّه»

شمارگان:
نوبت چاپ:
تاریخ چاپ: ۱۴۲۵ هـ ق
ناشر:
قیمت:

شابک

ISBN

مؤسسه فرهنگی دارالمهدی و القرآن الحکیم
حسینیه کربلائیهای اصفهان

۹۰	۴- لمس
۹۱	۵- نگاه
۹۱	۶- عقد نکاح
۹۲	۷- استمناء
۹۳	۸- بوی خوش
۹۴	۹- لباس دوخته برای مردان
۹۵	۱۰- چکمه و جوراب
۹۶	۱۱- سُرمه کشیدن
۹۶	۱۲- نگاه در آئینه
۹۷	۱۳- دروغ و دشنام
۹۷	۱۴- جدال
۹۸	۱۵- کشتن جانوران بدن
۹۸	۱۶- زینت نمودن و حنا گذاردن
۹۹	۱۷- مالیدن روغن
۹۹	۱۸- جدا نمودن مو
۱۰۰	۱۹- پوشانیدن سر برای مردان
۱۰۱	۲۰- پوشانیدن صورت برای زنان
۱۰۲	۲۱- زیر سایه رفتن برای مردان
۱۰۳	۲۲- خون
۱۰۴	۲۳- ناخن گرفتن

۵۶	اعمال عمره تمتع
۵۶	اعمال حج تمتع
۵۷	شرایط حج تمتع
۵۹	چند مسأله
۶۲	کیفیت حج «افراد»
۶۴	کیفیت حج قران
۶۵	تفصیل اعمال عمره تمتع
۶۵	اعمال عمره تمتع
۶۵	۱- احرام
۶۵	میقات
۷۲	احرام حج تمتع
۷۲	واجبات احرام
۷۳	۱- پوشیدن لباس احرام
۷۵	۲- تیت
۷۶	۳- تلبیه
۸۱	تروک احرام
۸۲	۱- شکار حیوان صحرائی
۸۴	کفاره شکار
۸۷	۲- جماع
۹۰	۳- بوسیدن

۱۵۶	۹- سعی بین صفا و مروه
۱۵۸	۱۰- طواف نساء
۱۵۸	۱۱- نماز طواف نساء
۱۵۸	۱۲- بیتوته در منی
۱۶۱	۱۳- رمی جمرات
۱۶۳	احکام عمره مفرده
۱۶۵	اعمال عمره مفرده
۱۶۸	احکام مصدود
۱۷۰	احکام محصور
۱۷۲	آداب حج
۱۷۲	اعمال و دعاهاى مستحب
۱۷۲	آداب سفر
۱۷۴	آداب احرام
۱۷۷	آداب دخول حرم
۱۷۷	آداب دخول شهر مکه و مسجدالحرام
۱۸۳	آداب طواف
۱۸۷	آداب نماز طواف
۱۸۸	آداب سعی
۱۹۴	آداب عرفات
۲۰۱	آداب مشعرالحرام

۱۰۵	۲۴- غسل به کافور
۱۰۵	۲۵- برداشتن سلاح
۱۰۶	درخت و گیاه و گندم
۱۰۷	چند مسأله
۱۰۸	۲- طواف
۱۰۸	شرایط طواف
۱۱۳	واجبات طواف
۱۲۰	چند مسأله
۱۲۵	۳- نماز طواف
۱۲۸	۴- سعی
۱۳۴	۵- تقصیر
۱۳۷	تفصیل اعمال حج تمتع
۱۳۷	۱- احرام
۱۳۹	۲- وقوف در عرفات
۱۴۱	۳- وقوف در مشعرالحرام
۱۴۵	۴- رمی جمره عقبه
۱۴۷	۵- قربانی
۱۵۳	۶- حلق یا تقصیر
۱۵۶	۷- طواف زیارت
۱۵۶	۸- دو رکعت نماز طواف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ
وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ

آداب منی	۲۰۴
آداب برگشت به مکه مکرمه	۲۰۶
آداب برگشت به منی	۲۰۷
آداب وداع	۲۰۸
اعمال مدینه منوره	۲۱۴
زیارت پیامبر اکرم <small>صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ</small>	۲۱۷
زیارت حضرت زهرا <small>عَلَيْهَا السَّلَام</small>	۲۲۰
زیارت ائمه بقیع <small>عَلَيْهِمُ السَّلَام</small>	۲۲۳
زیارت ابراهیم فرزند پیامبر <small>صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ</small>	۲۲۷
زیارت فاطمه بنت اسد <small>عَلَيْهَا السَّلَام</small>	۲۳۰
زیارت حضرت حمزه <small>عَلَيْهِ السَّلَام</small>	۲۳۲
زیارت شهدای احد	۲۳۵
اعمال شب عرفه	۲۳۷
اعمال روز عرفه	۲۴۶

بدون اینکه شبهه‌ای برایش پیش آمده باشد کافر است و ترک حج یا سبک شمردن آن به منزله کفر است.

مسئله ۲: ترک حج بدون انکار و تأخیرش برای کسی که مستطیع باشد بدون عذر شرعی از گناهان کبیره است بطوری که در بعضی از روایات آمده: چنین کسی به دین یهود یا نصاری خواهد مرد گرچه در ظاهر واجب است با مرده او برخورد اسلامی شود.

مسئله ۳: حج در تمام عمر یک بار «بالإصالة» بر فرد مستطیع واجب می‌شود که «حجّة الإسلام» نام دارد گرچه ممکن است به جهت عوارضی (مانند نذر، عهد و قسم و بطلان حج انجام شده و مانند اینها) چندین بار واجب گردد و غیر از حج واجب، حج مستحب می‌باشد.

مسئله ۴: وجوب حج با پیدایش شرایطش فوری است، یعنی: باید در سال اول استطاعت انجام شود و اگر در سال اول عمداً و یا به جهت عذری ترک شد، باید در سال دوم و در صورت ترک در سالهای بعد انجام گردد.

مسئله ۵: بر شخص مستطیع لازم است در اولین فرصت: مقدمات سفر حج را - هر چند طولانی باشد - آماده نماید و اگر برای سفر کاروان‌های متعددی باشد، باید کاروانی را که مورد اطمینان برای رسیدن به حج است انتخاب نماید و در صورت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
عمل به رساله شریفه مناسک حج مجزی
و مبریء ذمه است إن شاء الله تعالى

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله
الطيبين الطاهرين و لعنة الله على أعدائهم أجمعين

وجوب حج

حج یکی از مهم‌ترین ارکان دین است، زراعه به روایت صحیح از امام باقر علیه السلام نقل کرده که حضرت فرمودند:
«بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ: عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالْحَجِّ وَالصَّوْمِ وَالْوَلَايَةِ» یعنی اسلام پنج رکن اساسی دارد: نماز، زکات، حج، روزه و ولایت ائمه معصومین علیهم السلام.

مسئله ۱: وجوب حج از ضروریات دین اسلام می‌باشد و کسی که وجوب حج را انکار کند با التفات به ضروری بودن آن و

اطمینان به همه آنها، رفتن با اولین کاروان لزومی ندارد و جایز است با کاروان‌های بعدی سفر کند و در این صورت اگر با کاروان‌های بعدی رفت و اتفاقاً به حج نرسید و دوباره هم استطاعت پیدا نکرد گناه نکرده و حج هم مستقر نمی‌شود یعنی بر ذمه او باقی نیست.

مسألة ۶: اگر با کاروان‌های بعدی اطمینان به درک حج نداشت و در عین حال با همان‌ها سفر کرد، چنانچه به حج رسید معصیت نکرده و حجش نیز صحیح است و اگر به حج نرسید گناه کرده و حج بر ذمه‌اش باقی مانده و باید بعداً انجام دهد.

شرایط وجوب حَجَّةِ الْإِسْلَام

وجوب حج دارای شرایطی است: ۱- بلوغ ۲- عقل ۳- آزادی ۴- استطاعت.

مسألة ۷: شرط اول: بلوغ است پس بر بیجه نابلغ هر چند -نزدیک به بلوغ باشد- حج واجب نیست.

مسألة ۸: مستحب است طفل ممیز حج نماید و در صحت آن اذن ولی (مانند پدر) معتبر است و اگر بقیه شرایط وجوب حج را دارا باشد جز بلوغ، حجش صحیح ولی مجزی از «حَجَّةِ الْإِسْلَام» نخواهد بود.

مسألة ۹: هرگاه نابلغ به حج رفت و قبل از احرام بالغ شد و مستطیع هم بود حجش صحیح بوده و «حَجَّةِ الْإِسْلَام» می‌باشد.

مسألة ۱۰: هرگاه به عقیده اینکه بالغ نشده حج استحبابی انجام داد و بعد معلوم شد که بالغ بوده، حجش صحیح می‌باشد و از «حَجَّةِ الْإِسْلَام» کفایت می‌کند مگر اینکه حج را با قید استحبابی انجام داده باشد به طوری که اگر متوجه می‌شد واجب است انجام نمی‌داد و این فرض بسیار نادر است.

مسألة ۱۱: ولی طفل غیر ممیز (خواه پسر باشد یا دختر) مستحب است او را مُحْرِم نماید، به این معنی: که لباسهای احرام را

(پس از بیرون آوردن لباسهای عادی) به او پوشانده و او را به «تلبیه گفتن» وا دارد، ولو با تلقین، اگر قابل تلقین باشد (به این معنی: که طفل بتواند هر چه را به او بگویند بگوید) و اگر قابل نباشد، ولی بجای طفل تلبیه گوید، و باز دارد او را از آنچه بر مُحرم حرام است و او را به انجام آنچه از اعمال حج قدرت دارد وادارد و آنچه را که نمی تواند خود به نیابت او انجام دهد و او را دور خانه خدا طواف داده و بین صفا و مروه سعی دهد و در عرفات و مشعر، و قوفش دهد، و وادار کند رمی جمرات را شخصاً انجام دهد، همچنین است نماز طواف و تراشیدن سر و بقیه اعمال حج.

مسأله ۱۲: نفقه عادلانه حج بچه - حتی آنچه که مازاد بر نفقه عادی او در وطن است - از مال خود بچه می باشد، مگر اینکه موجب فقرش شود که جایز نیست.

مسأله ۱۳: پول قربانی بچه از مال خود اوست و اگر مالی نداشت، ولی باید از مال خودش از طرف او قربانی کند.

مسأله ۱۴: کفاره شکار بچه، از مال ولی است اگر پدر باشد، و اگر ولی غیر از پدر باشد از مال خود بچه است، همچنان که کفارات دیگر - غیر

از کفاره شکار - از مال خود بچه است چه ولی پدر باشد و چه غیرش. مسأله ۱۵: در صورتی که کفاره از مال بچه باشد، اگر ولی کفاره را از مال او پرداخت، وظیفه انجام شده، و اگر ولی نپرداخت، بر ذمه بچه باقی است و باید بعد از بلوغ بپردازد.

عقل

مسأله ۱۶: شرط دوم وجوب حج: عقل است، پس بر دیوانه هر چند ادواری باشد (گاه بی گاه) حج واجب نیست، بلی اگر مستطیع بود و قدرت انجام بیشتر اعمال حج از جمله ارکان حج را در حال عقل داشت، حج بر او واجب می شود، و شخص بی هوش در حکم دیوانه است.

آزادی

مسأله ۱۷: شرط سوم: آزادی است، پس بر مملوک (غلام و کنیز زر خرید) حج واجب نیست هر چند مستطیع و مأذون از طرف مولایش باشد، البته با اذن مولی می تواند حج مستحبی انجام دهد و صحیح خواهد بود، اما از «حجة الاسلام» کفایت نمی کند، و اگر بعد از آزادی مستطیع شود واجب است «حجة الاسلام» را انجام دهد.

استطاعت

شرط چهارم: استطاعت است و در آن پنج امر لازم می باشد:
 ۱- قدرت بدنی ۲- نبودن مانع در راه ۳- سعه وقت ۴- زاد و راحله
 ۵- رجوع به کفایت.

۱- قدرت بدنی

مسأله ۱۸: امر اول: قدرت بدنی برای انجام اعمال حج داشته باشد، پس کسی که به علت بیماری یا پیری یا نقص عضو و مانند اینها نتواند اعمال حج را بجا آورد، حج شخصاً بر او واجب نیست. اما اگر بقیه شرایط استطاعت را داشته باشد جز استطاعت بدنی، واجب است از طرف خود نایب بگیرد که حج را انجام دهد.

۲- نبودن مانع در راه

مسأله ۱۹: امر دوم: مانعی در راه نباشد، به این معنی که: منع دولتی و خطر جانی، مالی و ناموسی در رفت و برگشت و اقامت در آنجا نباشد. و نیز موانع شرعی دیگری (مثل ترک واجب اهم از حج نظیر: وجوب جهاد عینی یا ارتکاب گناهی که مفسده اش از مصلحت حج شرعاً بیشتر است) نباشد، بنابراین اگر در شهرش مال زیادی داشته باشد که رفتن به حج موجب تلف آن مال می شود، حج واجب نخواهد بود.

۳- سعه وقت

مسأله ۲۰: امر سوم: سعه وقت است، به این معنی که: وقت برای رفتن به مکه معظمه و بجا آوردن اعمال واجب در آنجا کافی باشد. بنابراین اگر تحصیل مال وقتی شد که زمان رسای رفتن مکه معظمه و انجام اعمال حج نیست، یا وقت هست ولی با مشقت زیادی که نوعاً تحمل نمی شود، حج واجب نخواهد بود.

۴- زاد و راحله

مسأله ۲۱: امر چهارم: داشتن زاد و راحله است.
 معنی «زاد» داشتن مایحتاج روزمره انسان است از خوردنی و آشامیدنی و مسکن و امثال آن یا پولی که بتواند در موقع نیاز، آنها را تهیه کند. و معنی «راحله» داشتن وسیله ذهاب و ایاب است ولو در شرایط فعلی بلیط هواپیما یا ماشین یا کشتی باشد.
 مسأله ۲۲: لازم است این زاد و راحله مناسب با موقعیت شخص باشد، هر چند به مقدار حداقل آن باشد. چنانچه برای کسی بدون مشقت و حرج پیاده روی ممکن باشد، داشتن راحله لازم نیست.
 مسأله ۲۳: ملاک و میزان در زاد و راحله، وجود فعلی آنها

است. و بر کسی که می‌تواند آنها را با کار و کاسبی در مسیر راه تأمین نماید، حج واجب نیست.

مسأله ۲۴: استطاعتی که در وجوب حج معتبر است، استطاعت از مکان فعلی مکلف است که فعلاً در آنجا است، نه از وطنش، پس هرگاه مکلف مثلاً: برای تجارت یا غیر آن به مدینه منوره و یا جدّه رفت، و مصادف با موسم حج شد، و از آنجا هزینه حج را داشت - ولو با این هزینه از وطن مستطیع نمی‌شد - حج بر او واجب است، اگر بقیه شرایط را دارا باشد.

مسأله ۲۵: اگر هزینه سفر حج منحصر باشد به فروش ملکی به کمتر از نرخ متعارف آن، و این فروش حرجی نباشد، واجب است آن را بفروشد و به حج برود، و اگر حرجی باشد، حج واجب نیست. مسأله ۲۶: اگر موقتاً هزینه و مخارج حج بالا برود (مثل اینکه: کرایه و امثال آن برای خصوص این سال زیاد شده و برای سالهای بعد به قیمت عادی برمی‌گردد) و مکلف قدرت بر پرداخت زیادی - بدون اجحاف - را داشته باشد تأخیر جایز نیست و باید همان سال به حج برود.

مسأله ۲۷: در استطاعت داشتن هزینه رفت مسلماً معتبر است، و اما هزینه برگشت به وطن، وقتی معتبر است که: مکلف بخواهد به

وطن باز گردد، اما اگر زندگی در مکه با زندگی در وطن یا جای دیگر برایش یکسان باشد و مشقتی نداشته باشد و بخواهد در مکه بماند، داشتن هزینه بازگشت در استطاعت شرط نیست و تنها با داشتن هزینه رفت استطاعت حاصل است، و حج واجب خواهد بود. همین ملاک در بازگشت بجای دیگر غیر از وطن نیز جریان دارد، یعنی: اگر بخواهد در شهر دیگری زندگی کند، هزینه بازگشت به آنجا شرط است. همچنین داشتن هزینه مدت اقامت در مکه نیز در استطاعت شرط است.

۵- رجوع به کفایت

مسأله ۲۸: امر پنجم از اموری که برای حصول استطاعت لازم است رجوع به کفایت می‌باشد، یعنی: مکلف پس از بازگشت از حج بتواند خود و عائله‌اش را اداره نماید به وسیله کاسبی یا زراعت یا غیر آن و دچار تهیدستی و فقر نشود، پس اگر مکلف پولی دارد که سرمایه کسب او است و اگر آن مبلغ را صرف حج نماید از کاسبی می‌ماند و راه دیگری هم برای تأمین مناسب شأن خود ندارد، حج بر او واجب نیست.

مسأله ۲۹: فروختن چیزهای ضروری زندگی و آنچه که مورد احتیاج انسان است لازم نیست، مانند: منزل مناسب شأن و

لباسهایی که برای زینت و آبرو دارد و اثاث منزل و ابزار کار که برای زندگی به آنها محتاج است، و حتی کتاب نسبت به اهل علم که برای تحصیلش لازم است و مانند اینها.

مسأله ۳۰: اگر لوازم ذکر شده بیش از مقدار حاجت باشد و مقدار اضافه هزینه حج را تأمین کند، فروشش برای صرف در راه حج واجب است، مثلاً: شخصی دو منزل دارد و یکی اضافه بر نیاز زندگی او است، واجب است یکی را فروخته و به حج رود.

مسأله ۳۱: اگر یکی از لوازم مورد نیاز انسان از مصرف خارج شد، مثل: طلا آلات و جواهرات برای خانمی که تا جوان بوده نیاز و مصرف داشته و در سن پیری از آنها استفاده نمی‌کند و به آنها خود را تزین نمی‌نماید، چنانچه شأن او نباشد و اگر آنها را بفروشد هزینه حج را تأمین می‌نماید، واجب است بفروشد و حج را بجا آورد.

مسأله ۳۲: اگر انسان منزل ملکی داشته باشد و منزل غیرملکی هم در اختیار او است که می‌تواند بدون ناراحتی و مشقت در آن زندگی کند، مانند: منزل وقفی که منطبق بر او باشد، واجب نیست منزل ملکی خود را (که هزینه حج را تأمین می‌نماید) فروخته و به

حج برود، مگر در صورتی که در منزل وقفی سکونت دارد، و عرفاً منزل ملکی محل حاجتش نباشد. این حکم، در بقیه لوازم ملکی و غیر ملکی جریان دارد، مثلاً: اهل علمی که کتابهای ملکی دارد و کتابهای موقوفه‌ای هم در اختیار او است.

مسأله ۳۳: اگر کسی مقداری پول دارد و برای هزینه حج کافی می‌باشد، اما ازدواج نکرده و یا منزل مسکونی و یا سایر وسایل زندگی ندارد، و وجوب حج مقدم است، مگر اینکه ترک ازدواج و ترک خرید وسایل زندگی برایش حرجی بوده و مشقت زیادی داشته باشد که معمولاً مردم تحمل آن را نمی‌کنند، در این صورت حج واجب نخواهد بود.

مسأله ۳۴: هرگاه انسان هزینه حج را در دست ندارد ولی از کسی طلبی دارد که برای هزینه حج کافی هست و وقت آن هم رسیده و بدهکار هم خوش حساب است چنانچه مطالبه شود می‌پردازد، واجب است مطالبه نماید و در حج مصرف کند.

مسأله ۳۵: اگر بدهکار بد حساب است و بدهی را پرداخت نمی‌کند اما به وسیله شخص دیگری می‌توان طلب را وصول کرد، واجب است مراجعه به آن شخص نموده و طلب خود را دریافت و صرف در حج نماید.

مسأله ۳۶: اگر بدهکار منکر بدهی است، واجب است با مراجعه به دادگاه-ولو دادگاه جور- اثبات طلب کند و آن را بگیرد و در حج صرف نماید.

مسأله ۳۷: اگر طلب، مدت دارد و وقت آن نرسیده، ولی بدهکار به خاطر حج آمادگی پرداخت آن را دارد، بنا بر احتیاط مطالبه اش و صرف در حج واجب است. اما اگر بدهکار، نادر یا بد حساب باشد و اجبارش به وسیله دیگری ممکن نباشد و یا طلب، مدت دار است و بدهکار پیش از مدت پرداخت نمی‌کند و یا منکر بدهی است و اثباتش در دادگاه حرجی است، در تمام این موارد حج واجب نیست.

مسأله ۳۸: بر کسی که بر اثر حج تمام دارایی خود را مصرف می‌کند تا فقیر شود، حج واجب نیست، حتی اگر از موقوفه بر فقرا بتواند زندگی خود را اداره نماید.

مسأله ۳۹: بر مستطیع لازم نیست که حتماً با پول خودش به حج برود، پس هرگاه با پول غیر یا پول گدایی و امثالش به حج برود، واجب انجام شده است. اگر با مال غیر که حرام است حج را انجام داد و لباس احرام و لباس طواف و لباس سعی از مال حلال بود، حج صحیح است، اگرچه در مصرف مال حرام معصیت کرده، اما اگر یکی از آن لباسها حرام باشد، هم معصیت نموده و هم حج باطل است.

احکام استطاعت

مسأله ۴۰: تحصیل استطاعت به کسب، یا غیر آن واجب نیست، بنابراین اگر کسی مالی به انسان هدیه کند که معادل هزینه حج باشد، قبول آن لازم نیست.

مسأله ۴۱: اگر کسی از انسان بخواهد خود را برای خدمتی اجیر کند که با اجرتش مستطیع خواهد شد، قبولش واجب نیست، هر چند آن خدمت هم لایق به شأن او باشد.

مسأله ۴۲: اگر کسی خود را در راه حج به اجرتی که معادل هزینه حج است اجیر نمود، و با آن اجرت مستطیع شد، چنانچه در تمام مسیر (حتی در عرفات و مشعر و منی) همراه با حجج بود و منافات با اعمال حجش نداشت، حج در همان سال بر او واجب می‌گردد.

مسأله ۴۳: اگر در حج اجیر شود، و کارش منافات با اعمال حج داشته باشد، مثل اینکه اجیر شده برای محافظت از اموال کاروان، و مدت وقوف در عرفات و مشعر باید برای حفظ ااث حجج در شهر مکه معظمه بماند که طبعاً منافات با اعمال حج دارد، در آن سال مستطیع نیست و حج بر او واجب نخواهد بود، و لازم نیست پول را تا سال دیگر نگه دارد.

مسأله ۴۴: اگر کسی برای اعمال حج از طرف دیگری نایب شد به اجرتی که برای خود اجیر هم استطاعت آور است (مثلاً هزینه حج صد هزار تومان است و او اجیر شد به دوست هزار تومان) یعنی با آن اجرت می تواند دو حج بجا آورد پس اگر مقید به همین سال باشد باید امسال حج نیابتی را بجا آورد و باقیمانده را لازم نیست حفظ کند تا در سال بعدی حج خودش را انجام بدهد و اگر مقید به همین سال نباشد و یا اجازه بدهد واجب است امسال حج خود را انجام دهد و سال بعد حج نیابی را.

مسأله ۴۵: هرگاه انسان هزینه حج را نداشته باشد، اما می تواند با قرض هزینه حج را تأمین کند، و قدرت دارد آن را بعد از حج از کسب یا همانند آن ادا کند واجب نیست قرض نماید، و طبعاً حج هم بر او واجب نیست بلکه حتی اگر معادل هزینه حج را قرض کرد استطاعت شرعی پیدا نشده و حج هم بر او واجب نخواهد شد.

مسأله ۴۶: اگر انسان هزینه حج را داشته باشد، اما بدهی دارد به طوری که اگر حج برود، نمی تواند دین خود را ادا نماید، حج واجب نیست، چه قرض مدّت دار باشد یا نه، چه قبل از بدهی این

هزینه را به دست آورده باشد و چه بعد. و اگر توانائی پرداخت بدهی خود را در وقت آن داشته باشد اقوی و جوب حج است.

مسأله ۴۷: اگر به مقدار هزینه حج پول دارد، و ضمناً حقوق واجبه شرعیه هم بدهکار است - مانند خمس و زکات و کفاره مالی - اگر این هزینه را مصرف حج نماید توان ادای آن حقوق را نخواهد داشت، و اگر حقوق را ادا نماید به مقدار هزینه حج نخواهد داشت. در این صورت حج واجب نیست، بلکه لازم است حقوق را ادا کند.

مسأله ۴۸: اگر مقداری مال دارد و نمی داند که برای حج کافی هست یا نه، مثل اینکه نمی داند هزینه حج چقدر است، یا هزینه را می داند اما مقدار پول مشخص نیست، واجب است تحقیق نماید.

مسأله ۴۹: اگر پولی داشته باشد که در دسترسش نمی باشد (مثل اینکه در جای دیگر است) و پول دیگری هم ندارد، چنانچه نتواند در آن مال - هر چند با وکالت به غیر بدون ضرر زیاد - تصرف کند حج بر او واجب نخواهد بود، و هر وقت تمکن پیدا کند حج بر او واجب می شود.

مسأله ۵۰: هرگاه انسان از نظر مالی مستطیع شد، اما وقت حج نرسیده است، لازم نیست این تمکن مالی را برای حج حفظ نماید، بنابراین

جایز است در آن مال طوری تصرف کند (مثلاً به دیگری ببخشد) که از استطاعت خارج شود، مگر وقتی باشد که قافله به طرف حج حرکت کند.

مسأله ۵۱: همانطور که داشتن زاد و راحله (وسیله معاش و سواری) برای رفتن لازم است برای برگشتن (اگر نیاز به برگشت باشد) و برای مدت توقف در مکه نیز لازم است، بنابراین اگر هزینه حج چه قبل از سفر و چه در بین سفر به هر شکلی از بین رفت معلوم می‌شود که استطاعت نداشته و حج واجب نبوده است.

مسأله ۵۲: اگر پول انسان به مقدار هزینه حج باشد، ولی نمی‌داند یا غفلت از وجوب داشت و بعد از توجه و علم، مال تلف شده بود، حج بر ذمه او استقرار پیدا نمی‌کند، در صورتی که در غافل بودن خود مقصر نباشد.

مسأله ۵۳: حج مثل سایر واجبات بر کافر مستطیع واجب است و لکن تا وقتی بر کفر خود باقی است، نمی‌تواند حج صحیح انجام دهد، و اگر مسلمان شد و استطاعتش باقی بود، حج بر او واجب بوده و می‌تواند حج صحیح انجام دهد.

مسأله ۵۴: اگر کافر قبل از اسلام استطاعتش از بین رفت، و بعد

مسلمان شد حج بر او واجب نیست، و چنانچه در حال کفر مستطیع نبود و پس از مسلمان شدن استطاعت پیدا کرد، حج بر او واجب است.

مسأله ۵۵: حج بر مرتد (کسی که مسلمان بوده و از اسلام برگشته) چه ملّی و چه فطری باشد واجب است، اما انجامش در حال ارتداد صحیح نخواهد بود، و بنا بر اقوی هرگاه توبه کرد و حج را بجا آورد صحیح است، هر چند مرتد فطری بوده.

مسأله ۵۶: چنانچه مسلمان غیر شیعه حج انجام داد، و پس از آن شیعه شد در دو صورت احتیاج به اعاده ندارد:

۱- اگر حج را طبق مذهب خودش صحیح انجام داده باشد، و لو طبق مذهب شیعه صحیح نباشد.

۲- اگر حج طبق مذهب شیعه صحیح باشد، حتی اگر طبق مذهب خودش باطل باشد، اما اگر طبق مذهب خودش و مذهب شیعه هر دو باطل باشد، لازم است حج را اعاده نماید.

مسأله ۵۷: هرگاه حج بر کسی واجب شد، و در بجا آوردنش اهمال نمود، تا استطاعتش از بین رفت، واجب است حج را به هر ترتیبی که شده است بجا آورد، حتی اگر به سختی باشد (به قدری

که تحمل آن حرام نباشد) و چنانچه قبل از حج بمیرد واجب است از ترکه وی حج را قضا نمایند و چنانچه کسی تبرعاً و بدون اجرت بجای او حج نماید، صحیح و کافی خواهد بود.

حج بذلی

مسأله ۵۸: همان طوری که انسان از مال خود مستطیع می شود و حج بر او واجب می گردد، اگر دیگری هزینه حج را به او بذل نماید (مخارج را تکفل کند) حج بر او واجب خواهد شد چه باذل (بخشنده) یکی باشد یا متعدد چه عین زاد و راحله را بذل نماید، و چه قیمت آن را، و چه به مدیر کاروان بگوید: او را به هزینه من به حج ببر و یا به طریق دیگری.

مسأله ۵۹: اگر شخصی «مثلاً علی» مالی را به مقدار هزینه حج وصیت نماید، یا وقف کند، یا نذر نماید، تا به شخصی «مثلاً حسن» بدهند که با آن حج نماید، هرگاه مال به او تسلیم شد همان گونه که قبول واجب است حج بر او «حسن» نیز واجب می شود و اما اگر قید نکرده بود که با آن مال حج نماید، قبول واجب نیست، و چنانچه قبول نکرد حج هم واجب نخواهد شد.

مسأله ۶۰: رجوع به کفایت که معنایش در امر پنجم بیان شد،

در حج بذلی اگر انجام حج در وضع زندگی او اثری نداشته باشد شرط نیست، و حج واجب می شود، ولو بعد از بازگشت، معاشش تأمین نباشد. اما اگر عمل حج در زندگی بعدی او اثر دارد، مثل اینکه کسب او که تأمین کننده معاش سالیانه اوست، منحصر به ایام حج است و عمل حج او را از این کسب بازداشته و موجب کمبود هزینه معاش سالیانه شده در چنین صورتی، رجوع به کفایت حتی در حج بذلی شرط است.

مسأله ۶۱: اگر کسی به انسان مالی معادل هزینه حج هدیه نماید، و نامی از حج نبرد قبول این هبه واجب نیست، و حج هم واجب نمی شود، و چنانچه انسان به میل خودش قبول کرد، مستطیع می شود و حج واجب می گردد، اما اگر مبلغ را به او داد به شرط اینکه حج نماید، و یا گفت: مخیری می خواهی حج انجام بده یا نه، در این صورت قبول هبه واجب است، و مستطیع بوده و حج واجب می گردد (مگر منت و حرجی در بین باشد).

مسأله ۶۲: اگر انسان با بذل مستطیع شد و بدهکار هم بود، چنانچه حج مانع از پرداخت بدهی تا آخر بشود، حج واجب نیست، چه بدهی مدت دار باشد یا نباشد، و چه طلبکار مطالبه بکند یا

نکند، و اگر حج تا آخر عمر مانع از پرداخت بدهی نیست، ولی پرداخت آن به تأخیر می‌افتد، و طلبکار هم مطالبه می‌نماید، چه بدهی مدت‌دار باشد و یا نباشد، حج واجب نیست، اما اگر حج موجب تأخیر بدهی نشود، و یا طلبکار راضی به تأخیر باشد، حج واجب خواهد شد. مسأله ۶۳: هرگاه برای جماعتی مالی را در میان بگذارند، که یکی از آنها به حج برود، چنانچه یکی پیش‌دستی نموده و مال را برداشت، تکلیف از دیگران ساقط می‌شود، و به آن یک نفر متوجه می‌گردد، و چنانچه همه ترک کردند و پول را برنداشتند و حال آنکه قدرت داشتند، وجوب حج بر همه به نحو وجوب کفایی مستقر خواهد شد.

مسأله ۶۴: با بذل، حجی واجب می‌شود که وظیفه مبذول‌له بوده در صورت استطاعتش، و حج دیگری بر او واجب نمی‌گردد، پس اگر وظیفه مبذول‌له حج تمتع بود، و حج قران یا افراد - که معنای آن خواهد آمد - به او بذل شود، یا بالعکس یعنی کسی که وظیفه اش حج قران یا افراد است، اگر حج تمتع به او بذل شود، قبولش واجب نیست.

مسأله ۶۵: کسی که «حجّه الاسلام» بر ذمه وی آمده، یعنی: مستطیع شده، و حج نرفته تا اینکه بی‌پول و نادار شده، اگر به او

بذل شود قبولش واجب است، و همچنین کسی که حج بر او به نذر و مانند آن واجب شده و تمکن ندارد، واجب است بذل را قبول نماید.

مسأله ۶۶: هرگاه به کسی پول بذل شود که با آن پول حج انجام دهد و آن مال در بین راه تلف شود، وجوب حج از او ساقط می‌شود. اما اگر متمکن باشد که سفر را از مال خودش ادامه دهد و حج را بجا بیاورد، در صورتی که بقیه شرایط را دارا باشد، باید آن را ادامه دهد و حجش واجب و معجزی از حجّه الاسلام خواهد بود.

مسأله ۶۷: در حج بذلی پول قربانی به عهده باذل است (بخشنده مال) پس اگر پول قربانی را نداد، حج واجب نیست، مگر اینکه خود مبذول‌له قدرت پرداخت پول قربانی را داشته باشد، که در این صورت حج واجب خواهد بود.

مسأله ۶۸: حج بذلی، یعنی: حجی که انسان با پول دیگری بجا می‌آورد، کفایت از حجّه الاسلام می‌کند، و اگر گیرنده بعداً خودش مستطیع شود، حجی بر او واجب نخواهد بود.

مسأله ۶۹: باذل (بخشنده مال) جایز است، پیش از داخل شدن مبذول‌له در احرام، از بذل خود برگردد اما ضامن هزینه‌ای

است که مبذول له از رفتن تا بازگشت به وطن متحمل شده، ولی بعد از دخول در احرام احتیاط واجب این است که باذل از بذلش برنگردد.

مسأله ۷۰: اگر باذل از بذل خود برگشت، چنانچه گیرنده از مال خودش استطاعت دارد که حج را تمام نماید، واجب است آن را تمام کرده و حجة الاسلام خواهد بود، و اگر استطاعت ندارد، وجوب حج ساقط می شود.

مسأله ۷۱: چنانچه مالی برای حج به انسان بذل شد، و با آن حج انجام داد، بعد معلوم شد که آن مال غضبی بوده، این حج مجزی از حجة الاسلام نخواهد بود، و مالک آن مال برای گرفتن مالش حق دارد به هر یک از دهنده یا گیرنده مراجعه کند، و پول خود را بگیرد لکن اگر از گیرنده گرفت، گیرنده می تواند به دهنده مراجعه کند و عوض آنچه را داده بگیرد، مگر اینکه از اول خود گیرنده می دانسته که مال غضبی است.

مسأله ۷۲: اگر مبذول له یکی از محرمات احرام را که موجب کفاره است انجام داد، کفاره اش به عهده خود او است.

مسأله ۷۳: اگر کسی که مستطیع نیست، برای خود یا دیگری تبرعاً یا با اجاره حج انجام داد، این حج برای خودش مجزی از حجة الاسلام نیست، و هر وقت مستطیع شود باید حجة الاسلام را بجا آورد.

مسأله ۷۴: اگر کسی به اعتقاد اینکه مستطیع نیست به عنوان استحباب به حج رفت، و قصد فرمان برداری امر الهی را نمود و بعداً معلوم شد که مستطیع بوده، حجش مجزی از حجة الاسلام خواهد بود، و دوباره حج بر او واجب نخواهد بود، اما اگر قصد استحباب طوری بوده که اگر می دانست واجب است، انجام نمی داد (البته این فرض خیلی نادر است) مجزی از حجة الاسلام نخواهد بود، و هر وقت مستطیع شود حج بر او واجب می شود.

اذن شوهر

مسأله ۷۵: اذن شوهر برای زن - وقتی که مستطیع شد - در حج واجب شرط نیست، و شوهر نمی تواند مانع از انجام حجة الاسلام او بشود.

مسأله ۷۶: در حج استحبابی اذن شوهر شرط است، و حق دارد زن را از رفتن به حج مستحبی منع نماید، در صورتی که سفر حج منافات داشته باشد با حق شوهر، و همچنین در صورت منافی نبودن - بنا بر احتیاط -

مسأله ۷۷: زنی که در عده طلاق رجعی است همین حکم را دارد، چون او شرعاً در حکم شوهر دار می باشد.

مسأله ۷۸: همراه داشتن محرم در وجوب حج بر زن در صورت

امنیّت جانی و ناموسی شرط نیست، و هرگاه بدون مَحْرَم امنیت نداشت همراه بودن مَحْرَم ولو با پرداخت أُجرت لازم است، و در این صورت اگر زن هزینه أُجرت نداشت استطاعت ندارد، و حج واجب نخواهد بود.

حج نذری

مسأله ۷۹: بلوغ، عقل، و دیگر شرایطی که در کتاب نذر بیان شده، در وجوب حج نذری شرط می‌باشد.

مسأله ۸۰: کسی که نذر کرده - مثلاً - همه ساله روز عرفه در کربلای معلی، حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) را زیارت نماید، و بعد از نذر مستطیع شد، نذرش منحل شده، و حج بر او واجب خواهد بود. و هر نذری که پیش از استطاعت نماید، و مزاحم حج است، همین حکم را دارد، یعنی: اگر استطاعت پیدا شد نذر منحل می‌شود، و حج واجب می‌گردد.

مسأله ۸۱: شخص مستطیع در صورتی که توانایی جسمی داشته باشد، باید شخصاً حج را انجام دهد، و اگر کسی از طرف او تبرعاً یا با أُجرت و غیره حج نماید، کفایت نمی‌کند. اما در حج مستحبی اگر دیگری از طرف انسان حج انجام دهد، اشکال ندارد.

نایب گرفتن

مسأله ۸۲: در نایب شش شرط لازم است:

اوّل: بلوغ، پس نیابت نابالغ حتی اگر ممیز باشد، صحیح نیست.
دوم: عقل، پس نیابت دیوانه صحیح نیست، چه دیوانه همیشگی باشد، یا گاه به گاه (ادواری) باشد اگر در حال دیوانگی نیابت نماید.
سوم: ایمان، یعنی: شیعه اثنی عشری بوده، و معتقد به امامت تمام ائمه اطهار (علیهم السلام) باشد، پس نیابت غیر شیعه صحیح نیست، و لو حج را طبق مذهب شیعه انجام دهد.
چهارم: عدالت، یا اطمینان داشته باشیم به اینکه نایب عمل را صحیح انجام می‌دهد بنابر احتیاط هر چند اعتماد بر اصل صحت خالی از وجه نیست.
پنجم: به احکام و افعال حج عالم باشد، ولو با راهنمایی عالمی در موقع اعمال حج.

ششم: حَجَّة الإسلام بر گردن نایب نباشد.

مسأله ۸۳: نیابت از بچه نابالغ ممیز، و از دیوانه جایز است، بلکه در مورد دیوانه گاه گاهی اگر در حال افاقه (رهایی از جنون) حج بر او واجب شده، و می‌توانسته انجام دهد، ولی انجام نداده،

باید پس از مرگش برای او نایب بگیرند.

مسأله ۸۴: نیابت زن از مرد و بالعکس جایز است.

مسأله ۸۵: نیابت ضروره (یعنی کسی که تاکنون حج نرفته) زن باشد یا مرد، چند صورت دارد:

۱- نیابت زن ضروره از مرد ضروره بنا بر احوط اولی، منع است.

۲- نیابت مرد ضروره از زن ضروره جایز است، بدون کراهت.

۳- نیابت زن ضروره از مرد غیر ضروره، کراهت دارد.

۴- نیابت زن غیر ضروره از مرد ضروره، کراهت دارد.

مسأله ۸۶: لازم است که منوب عنه مسلمان باشد، پس نیابت از

کافر صحیح نیست. همچنین منوب عنه باید از دنیا رفته باشد، و یا

اینکه توانایی جسمی برای انجام حج نداشته باشد، البته این حکم

در حج واجب است، ولی در حج مستحبی نیابت از زنده جایز

است، حتی در صورتی که منوب عنه توانایی جسمی داشته باشد.

مسأله ۸۷: در صحت نیابت، قصد منوب عنه ولو به طور اجمال

لازم است، و بردن نام او واجب نیست، اگرچه در تمام مواقع حج

مستحب است، و قصد نیابت هم لازم است.

مسأله ۸۸: همان طوری که نیابت به اجاره صحیح است، به جعاله و تبرع و شرط ضمن عقد نیز، صحیح است.

مسأله ۸۹: اجیر کردن شخصی که در ترک بعضی از اعمال حج معذور است، بنا بر احوط جایز نیست، بلکه همین شخص معذور اگر تبرعاً برای میت حج انجام دهد، فراغت ذمه میت مشکل است.

مسأله ۹۰: کسی که حج بر ذمه او مستقر شده، و شخصاً به علت پیری یا بیماری و یا مانع دیگری نتواند حج را بجا آورد، و یا حج برای او مشقت داشته باشد، واجب است نایب بگیرد.

مسأله ۹۱: کسی که ثروتمند است و شخصاً قدرت بر انجام حج ندارد، و یا برای او مشقت دارد گرچه حج از قبل بر ذمه او مستقر نشده باشد، واجب است برای انجام حج، نایب بگیرد.

مسأله ۹۲: نایب گرفتن مانند خود حج باید فوری انجام شود.

مسأله ۹۳: در صورتی که نایب به حج برود و عذر منوب عنه تا

موقع مرگش باقی بماند، حج نایب کفایت می نماید. و چنانچه قبل

از مردن عذرش برطرف شد، واجب نیست شخصاً حج را انجام

دهد، گرچه انجام آن احوط می باشد.

مسأله ۹۴: کسی که شخصاً از انجام دادن حج معذور است و تمکن از نایب گرفتن هم ندارد، وجوب حج از او ساقط می‌باشد، ولی اگر حج قبلاً بر ذمه او مستقر بوده و نیز اگر می‌توانسته نایب بگیرد و نایب نگرفته و مالی از او باقی مانده باشد باید از ترکه او برایش حج بدهند.

مسأله ۹۵: اگر گرفتن نایب واجب شد، و نایب نگرفت ولی شخصی تبرعاً (بدون دریافت مالی) از طرف او حج انجام داد، کفایت می‌کند، گرچه احتیاط در گرفتن نایب است.

مسأله ۹۶: نیابت از میقات جایز است، گرچه نیابت از بلد (محل سکونت) منوب‌عنه، بهتر است.

مسأله ۹۷: کسی که حج بر ذمه‌اش مستقر بوده، اگر بعد از احرام و بعد از دخول در حرم بمیرد، کفایت از حجة الاسلام می‌کند، و اگر پیش از احرام و دخول در حرم بمیرد، ظاهر این است که کفایت نکرده و قضای حج واجب می‌باشد. اما چنانچه بعد از احرام بمیرد، چه داخل حرم شده باشد یا نه کفایت آن از حجة الاسلام خالی از وجه نیست.

مسأله ۹۸: هرگاه کسی که حجة الاسلام بر ذمه‌اش هست بمیرد، و وصیت به حج نموده باشد، هزینه حج از اصل ترکه برداشته

می‌شود، مگر اینکه مقید به ثلث کرده باشد، در این صورت اگر ثلث کافی بود از ثلث برداشته می‌شود و بر بقیه وصیتهاش مقدم است و اگر ثلث کافی نبود باقیمانده را از اصل ترکه برمی‌دارند. همین شخص اگر بدون وصیت بمیرد، باز هم واجب است هزینه حج را از اصل ترکه برداشته و برای او نایب بگیرند.

مسأله ۹۹: کسی که بمیرد و حجة الاسلام بر ذمه وی باشد و نزد شخصی ودیعه و امانتی داشته باشد و این شخص بداند یا ظن داشته باشد که ورثه حج را انجام نخواهند داد حتی اگر ودیعه را به آنها بدهد، بر این شخص لازم است برای میت نایب بگیرد تا ذمه میت از حج فارغ شود، و چنانچه از آن ودیعه مبلغی زیاد بیاید آن را به ورثه بدهد، و فرقی نیست بین اینکه خود شخص از طرف میت حج را انجام دهد و یا کسی را اجیر کند که از طرف میت حج بجا بیاورد. این حکم در غیر ودیعه از اموال دیگر مثل عاریه یا اجاره یا طلب و مانند آنها جریان ندارد.

مسأله ۱۰۰: کسی که بمیرد و حجة الاسلام بر ذمه وی باشد و از طرفی مقروض بوده و خمس و زکات نیز بر او واجب باشد و ترکه او کفایت تمام اینها را ندهد، اگر مالی که خمس یا زکات به او تعلق

گرفته موجود باشد، باید خمس و زکات را بپردازند، و چنانچه خمس و زکات به ذمه وی منتقل شده مخیر است بین آنها، ولی احوط تقدیم سایر بدهی‌ها بر حج است.

مسأله ۱۰۱: کسی که فوت کرده و حجة الاسلام بر ذمه او بوده، اگر ماترک او برابر با هزینه حج باشد، ورثه پیش از گرفتن نایب حق تصرف در مال او را ندارند، و اگر ماترک بیشتر از هزینه حج باشد و ورثه تصمیم گرفتن نایب را داشته باشند، می‌توانند در قسمتی از ماترک تصرف نمایند و در رابطه با بدهکاریهای دیگر نیز چنین است.

مسأله ۱۰۲: کسی که فوت کرده و ترکه وی به مقدار هزینه حج نیست و بدهکاری ندارد، ترکه او به وارث منتقل می‌شود، و بر آنها واجب نیست کمبود هزینه را از مال خودشان تکمیل نمایند.

مسأله ۱۰۳: کسی که حج بر ذمه او بوده اگر فوت نماید، می‌توانند برای او از نزدیکترین میقاتها به مکه مکرمه نایب بگیرند و واجب نیست نایب از شهر وی گرفته شود، بلی اگر ثروت زیاد داشته باشد احوط استحبابی گرفتن نایب از شهر اوست، و زیادی اجرت از اموال بالغین ورثه باید داده شود نه صغار آنها.

مسأله ۱۰۴: اگر کسی که حج بر ذمه او بوده فوت نماید، واجب است در همان سال فوتش نایب بگیرند، و چنانچه امکان نایب گرفتن از میقات در آن سال نبود، واجب است از شهر وی نایب بگیرند، و هزینه نایب از اصل ترکه برداشته می‌شود، و جایز نیست تأخیر آن تا سال دیگر، حتی اگر یقین داشته باشند سال دیگر می‌توانند از میقات نایب بگیرند، البته این حکم در صورتی است که تفاوت هزینه نایب از بلد و میقات فوق العاده نباشد، اما اگر تفاوت زیاد باشد با بودن ورثه صغیر و طلبکاران تأخیر جایز است، این تفصیل در وقتی است که میت مال معینی را برای نیابت وصیت نکرده باشد.

مسأله ۱۰۵: اگر بعضی از ورثه به وجوب حجة الاسلام بر ذمه متوفی اقرار کنند و بعضی انکار کنند، بر اقرارکنندگان لازم است به نسبت «سهم الارث» خود از آنچه میت برای حج تعیین نموده پرداخت نمایند، و چنانچه این مقدار برای حج کافی بود نایب گرفته می‌شود و اگر این مقدار وافی به حج نبود، لازم نیست از مال خودشان تکمیل نمایند، و نایب گرفتن واجب نخواهد بود.

مسأله ۱۰۶: اگر حج بر ذمه میت باشد و کسی تبرعاً برای او حج

انجام دهد هزینه حج به ورثه منتقل می‌شود، و اگر حَجَّة الاسلام بر میت واجب نبوده اما وصیت به حج نموده، اگر منظورش معلوم بود که باید با این مبلغ حجی انجام شود - چه شخص دیگری تبرعاً برای او حج انجام دهد یا ندهد - باید با این مبلغ اجیر گرفته شود و به ورثه منتقل نمی‌شود، و اگر مشکوک باشد باز به ورثه منتقل نخواهد شد و باید اجیر گرفته شود.

مسألة ۱۰۷: کسی که حج بر ذمه داشته و وصیت کرده که از بلدش نایب گرفته شود، واجب است از بلد او نایب بگیرند، ولی مازاد بر اجرت میقات، از ثلث مایهات خارج می‌شود، و چنانچه وصیت به حج نموده و نامی از بلد یا میقات نبرده به نایب گرفتن از میقات اکتفا می‌شود، مگر اینکه بدانند که مراد وی اجیر گرفتن از بلد است، مثل اینکه پولی تعیین کرده که مناسب با نیابت از بلد است در این صورت باید از بلد نایب گرفته شود.

مسألة ۱۰۸: اگر وصیت کند که برای حَجَّة الاسلام نایب گرفته شود، و اجرت را نیز تعیین نموده باشد، عمل به این وصیت واجب است، و هزینه‌اش در صورتی که بیش از اجرة المثل نباشد از اصل

مال برداشته می‌شود، و اگر بیش از اجرة المثل بود تفاوتش از ثلث می‌باشد، مگر اینکه اجیری به اجرة المثل پیدا نشود که در این صورت تمام از اصل مال اخراج می‌گردد.

مسألة ۱۰۹: هرگاه وصیت کند که از مال معینی برای او حج داده شود، و وصی دانست که به آن مال خمس یا زکات تعلق گرفته، واجب است اول خمس یا زکات آن مال را بدهد و باقیمانده را در راه حج صرف نماید، چنانچه کفاف مصارف حج را ننمود لازم است از اصل مال برداشته شود، این در صورتی است که حج مورد وصیت حَجَّة الاسلام باشد.

مسألة ۱۱۰: هرگاه بر اثر اِهمال و سهل انگاری وصی یا وارث، مالی که موصی (وصیت کننده) برای حج تعیین کرده تلف شود، اِهمال کننده ضامن است، و باید از مال خودش نایب بگیرد، و اگر بر اثر اِهمال و تقصیر قیمت مال تنزل کرد و برای هزینه حج کافی نشد اِهمال کننده ضامن است، و باید باقی مانده را تدارک نماید.

مسألة ۱۱۱: در صورتی که حج بر ذمه متوفی ثابت بوده، و شک دارند که انجام داده یا نه، از باب «حَمَل امر مسلم بر صحّت» باید بگوییم که انجام داده است.

مسأله ۱۱۲: به مجرد اجیر گرفتن برای میّتی که حج بر ذمه او بوده، ذمه میّت و وارث بریء نمی شود، بلکه لازم است که حج انجام گردد. بنابراین اگر معلوم شد اجیر حج را چه با عذر و چه بدون عذر انجام نداده، واجب است دوباره اجیر گرفته شود، و اجرت از اصل ترکه برداشته می شود (اگر از اجیر اول نتوانند اجرت را پس بگیرند) و در صورتی که وصی یا وارث کوتاهی کرده باشد ضامن اجرت خواهد بود.

مسأله ۱۱۳: اگر اجیر متعدد شود وارث مخیر است بین ارسال آن که کمترین اجرت را می گیرد - البته با احراز صحت عملش - و بین کسی که بیشتر می گیرد که از حیث فضیلت مناسب با شئون متوفی باشد، و اگر ورثه راضی نباشند و یا در بین ورثه صغیر وجود داشته باشد، کسی را که کمتر می گیرد، بفرستد.

مسأله ۱۱۴: اجیر گرفتن از بلد یا میقات، تابع تقلید یا اجتهاد وارث است نه خود میّت، پس چنانچه عقیده میّت وجوب حج بلدی بوده و عقیده وارث جواز استیجار از میقات باشد، بر او واجب نیست از بلد میّت اجیر بگیرد، مگر وصیت خاصی در بین باشد.

مسأله ۱۱۵: هرگاه حجة الاسلام بر ذمه میّت باشد و ترکه ای

نداشته باشد، بر وارث واجب نیست که برای او نایب بگیرد، اما مستحب است ولی میّت نایب بگیرد.

مسأله ۱۱۶: هرگاه میّت وصیت به حج بنماید اگر معلوم باشد که مراد حجة الاسلام است، هزینه آن باید از اصل مال میّت برداشته شود، مگر اینکه وصیت کرده باشد که از ثلث داده شود، و اگر معلوم شد که حجة الاسلام نیست یا مشکوک بود، باید از ثلث برداشته شود.

مسأله ۱۱۷: هرگاه میّت وصیت به حج نموده و شخص بخصوصی را برای بجا آوردن تعیین کرده باشد، لازم است طبق وصیت عمل شود، پس اگر آن شخص قبول نکرد مگر اینکه زیادتیر از اجرة المثل به او بدهند، مقدار زیادی از ثلث برداشته می شود، یا با رضایت ورثه از اصل مال برداشته می شود و اگر ثلث وافی نباشد و ورثه هم به زیادی رضایت ندهند، دیگری را باید اجیر کرد.

مسأله ۱۱۸: اگر کسی منزل خود را به مبلغی فروخته و با مشتری شرط کرده که آن مبلغ را بعد از مرگش در حج واجب مصرف نماید، این شرط لازم است، و هزینه آن از اصل مال برداشته می شود.

مسأله ۱۱۹: هرگاه وصی بعد از گرفتن اجرت حج از مال متوفی

بمیرد، و دانسته نشود که قبل از مرگش اجیر گرفته یا نه، چنانچه مدتی گذشته که امکان گرفتن نایب در آن مدت بوده - از باب حمل امر مسلم بر صحت - باید بگوییم: نایب گرفته، و اگر امکان گرفتن نایب در آن مدت نبوده واجب است از مال وصی، نایب گرفته شود.

مسأله ۱۲۰: چنانچه مبلغی که برای حج در نظر گرفته شده، بدون مسامحه و سهل انگاری در دست وصی تلف شود و یا در سهل انگاری شک شود، وصی ضامن نیست، و واجب است از بقیه مال متوفی، اجیر گرفته شود (و اگر مال بین ورثه تقسیم شده باشد از هر یک به نسبت سهم الارث پس گرفته شود) در صورتی که حجة الاسلام باشد، و اگر غیر حجة الاسلام باشد از بقیه ثلث مال میت باید اجیر گرفته شود، و همین طور است کسی که برای حج اجیر (نایب) شده و پیش از انجام آن بمیرد و ترکه‌ای ندارد یا دارد، اما ورثه، که اجیر (نایب) گرفته بوده پس نمی‌دهند، باید از اصل مال متوفی (منوب عنه) اگر حجة الاسلام است و از باقیمانده ثلث اگر غیر حجة الاسلام باشد نایب دیگری گرفته شود.

مسأله ۱۲۱: هرگاه نایب پیش از مُحْرَم شدن بمیرد، ذمه

منوب عنه فارغ نمی‌شود و واجب است دوباره نایب بگیرند، و چنانچه بعد از احرام و دخول در حرم بمیرد ذمه منوب عنه فارغ می‌شود، و اگر بعد از احرام و قبل از دخول در حرم بمیرد بنا بر احوط ذمه منوب عنه فارغ نمی‌شود، و در این حکم فرقی بین اقسام حج از تمتع و قران و افراد، و واجب و غیر واجب، نیست، همان طوری که فرقی بین اجیر و متبرع نیز نمی‌باشد.

مسأله ۱۲۲: هرگاه نایب بعد از احرام و بعد از دخول در حرم بمیرد، اگر اجیر شده بود برای فراغت ذمه منوب عنه یا برای حجی که بر مستأجر مستحب بوده، اجیر استحقاق تمام اجرت را دارد، و اگر اجیر شده بود برای انجام اعمال حج، به نسبت عملی که انجام داده استحقاق اجرت را دارد، و چنانچه قبل از احرام بمیرد استحقاق هیچ اجرتی ندارد، بلی اگر مقدمات داخل در متعلق اجاره باشد به هر مقداری که از مقدمات انجام داده، استحقاق اجرت دارد.

مسأله ۱۲۳: اگر برای حج بلدی اجیر شده و راهی تعیین نشده باشد، اجیر مخیر است از هر راهی که بخواهد برود، و چنانچه راهی تعیین شده باشد، عدول از آن راه به راه دیگری جایز نیست، مگر اینکه بداند که مستأجر برای این

راه خصوصیتی در نظر ندارد، یا پس از عقد، شرط را اسقاط کرده باشد.

مسأله ۱۲۴: هرگاه برای انجام حج در سال معینی بالمباشره (شخصاً) اجیر شد، چنانچه برای دیگری در همان سال با قید مباشرت اجیر شود، اجاره دوم باطل است، و اگر برای دو نفر اجیر شد و قید مباشرت نبود، و یا قید سال معینی نبود، هر دو اجاره صحیح است، و در صورت اول دیگری را می‌فرستد، و در صورت دوم در دو سال حج را انجام می‌دهد.

مسأله ۱۲۵: چنانچه اجیر شد که در سال معینی حج را انجام دهد، حق تقدیم و تأخیر آن را ندارد، مگر با رضایت مستأجر، و چنانچه تقدیم یا تأخیر نمود، اگر نظر مستأجر به خصوص آن سال است به طوری که اگر در آن سال معین حج انجام نمی‌شد کسی را برای حج اجیر نمی‌کرد، استحقاق اجرتی ندارد، و اجاره از اصل باطل می‌شود، و اگر چنین نبود، یعنی: نظر مستأجر به انجام اصل حج قطعی است چه در این سال و چه سالهای دیگر، اما برای سال معین مزیتی قائل بوده، استحقاق اجرت پیدا می‌کند، و مستأجر می‌تواند به او اجرة المثل بدهد.

مسأله ۱۲۶: هرگاه اجیر به علت جلوگیری دشمن، یا به جهت بیماری نتواند اعمال حج را انجام دهد، حتی اگر بعد از احرام و

دخول در حرم باشد، حج بر ذمه اجیر باقی خواهد ماند.

مسأله ۱۲۷: هرگاه نایب کاری انجام دهد که موجب کفاره می‌شود، باید از مال خودش کفاره را پرداخت نماید.

مسأله ۱۲۸: اگر هزینه حج از اجرت تعیین شده بیشتر شود بر مستأجر واجب نیست کمبود را جبران نماید، کما اینکه اگر اجرت زیادتر از هزینه حج باشد، واجب نیست اجیر زیادی را پس بدهد، گرچه هر یک از جبران و پس دادن مستحب است.

مسأله ۱۲۹: اگر کسی برای حج واجب یا مستحب اجیر شده باشد و قبل از مشعر، حج خود را به وسیله جماع باطل نماید، یعنی: پس از آنکه برای حج در مکه احرام بست در مکه و یا عرفات جماع نمود، باید آن حج را به آخر برساند، و این حج ذمه منوب عنه را بری می‌کند، و بر نایب واجب است در سال بعد حج نموده (و قصد نیابت و ما فی الذمه هم لازم نیست) و یک شتر کفاره بدهد، و استحقاق اجرت را پیدا می‌کند، چه در آینده حج را انجام بدهد یا ندهد چه اجاره مقید به سال معینی باشد یا مقید نباشد، حکم متبرع نیز همین است.

مسأله ۱۳۰: اجیر به عقد اجاره اجرت را مالک می‌شود، اما

واجب نیست پیش از عمل اجرت را به او پرداخت کنند، مگر اینکه از اول شرط کرده باشند که اجرت را پیش از عمل بدهند، و یا اینکه قرینه‌ای - بر پرداخت قبل از عمل - در بین باشد، چنانکه در مورد نیابت حج معمول است، که اجرت را قبل از اعمال می‌گیرند، در این‌گونه موارد لازم است اجرت را پیش از عمل بدهند.

مسئله ۱۳۱: در عقد اجاره (چنانچه قراردادی و قرینه‌ای در بین نباشد) باید اجیر شخصاً عمل حج را در همان سال اول انجام دهد، و حق واگذاری به دیگری یا به سال بعدی ندارد، مگر با اذن صریح یا ظاهر مستأجر.

مسئله ۱۳۲: کسی که وقتش کم است و نمی‌تواند اعمال عمره تمتع را کاملاً انجام دهد سپس اعمال حج تمتع را بجا آورد و مجبور می‌شود به حج «افراد» عدول نماید، نمی‌تواند از طرف کسی که حج تمتع بر ذمه‌اش هست اجیر شود.

مسئله ۱۳۳: اگر وقت اجیر وسعت داشت، و می‌توانست اعمال عمره تمتع و حج تمتع را انجام دهد، اما بر اثر پیشامدی برای حج تمتع وقت تنگ شد به طوری که مجبور شد از عمره تمتع به حج افراد عدول نماید، و بعداً عمره مفرده بجا آورد ذمه منوب‌عنه

بری می‌شود، و اجیر هم مستحق اجرت خواهد شد.

مسئله ۱۳۴: در حج مستحبی یک نفر بجای چند نفر می‌تواند حج نماید، و اما در حج واجب جایز نیست که یک نفر بجای دو نفر یا بیشتر حج نماید، و باید نیابت تنها از طرف یک نفر باشد، مگر در صورتی که حج بر دو نفر یا بیشتر به شرکت واجب شده باشد، مثل اینکه دو نفر یا بیشتر نذر کنند که با شرکت یکدیگر کسی را برای حج اجیر نمایند.

مسئله ۱۳۵: چند نفر نایب می‌توانند در یک سال به نیابت از یک نفر - خواه مرده یا زنده، به طور تبرع یا اجاره - حج مستحبی بجا آورند، و همچنین است حج واجب اگر متعدد باشد (و منوب‌عنه توانایی جسمی نداشته باشد یا مرده باشد) مثل اینکه بر شخصی به نذر دو حج واجب شده باشد، یعنی: دو مرتبه نذر کرده یا اینکه یک بار نذر کرده، و حجة الاسلام واجب هم بر ذمه‌اش بوده، و برای هر کدام یک نفر نایب می‌گیرد، و همچنین اگر یکی از آن دو حج واجب و دیگری مستحب باشد.

مسئله ۱۳۶: نایب پس از انجام اعمال حج نیابتی می‌تواند برای خود یا دیگری عمره مفرده یا طواف انجام دهد.

مسئله ۱۳۷: نایب طبق فتوای مجتهد خود عمل می‌کند، نه فتوای کسی که منوب‌عنه از او تقلید می‌نموده است.

مسأله ۱۳۸: انسان نمی‌تواند برای انجام عمره مفرده، بعد از عمره تمتع و قبل از حج نایب شود، و همچنین نمی‌تواند بین عمره تمتع و حج آن، برای خودش عمره مفرده بجا آورد، و اگر از روی جهل یا عصبان عمره مفرده انجام دهد، حجّش صحیح است، و دومی عمره تمتع به حساب می‌آید.

مسأله ۱۳۹: زنی که پاک نشده است و نمی‌تواند از همراهان خود جدا شود، برای طواف زیارت و طواف نساء و نماز آنها نایب می‌گیرد، و سعی را خودش انجام دهد.

چند مسأله

مسأله ۱۴۰: انجام حج برای کسی که مستطیع نیست ولی با قرض و غیره می‌تواند حج بجا آورد، مستحب است.

مسأله ۱۴۱: کسی که حجّة الاسلام را انجام داده، مستحب است مکرراً حج انجام دهد، و همچنین مستحب است تبرّعاً از طرف خویشاوندان یا دیگران طواف همراه با نماز، و یا حج کامل انجام دهد، چه مرده باشند یا زنده.

مسأله ۱۴۲: بالخصوص مستحب است از طرف معصومین علیهم

الصلاة و السلام طواف همراه با نماز و یا حج کامل انجام دهد، چه در حال حیات آنها باشد و چه بعد از شهادتشان.

مسأله ۱۴۳: پس از اتمام اعمال حج و در موقع بازگشت از مکه معظمه مستحب است که قصد بازگشت به حج نماید که موجب زیادی عمر است، و مکروه است قصد عدم مراجعت کند که موجب کوتاهی عمر می‌شود.

مسأله ۱۴۴: مستحب است انسان به کسانی که حج نرفته‌اند هزینه حج پرداخت کند و آنها را به حج بفرستد، و بجای حجّة الاسلام آنان حساب می‌شود.

مسأله ۱۴۵: زیاد خرج کردن در حج مستحب است.

مسأله ۱۴۶: مستحب است حج مندوب را بر بقیة عبادات مستحبی از قبیل نماز، روزه، جهاد، تصدّق و سایر مستحبات مقدم بدارد.

مسأله ۱۴۷: در حج استحبابی شرط است برای زوجه اذن زوج، و برای عبد اذن مولی، و برای اولاد اذن ابوین بنا بر احوط.

گرچه منع آنها موجب مریض شدن در دنیا، و حسرت بزرگ در آخرت است، همان‌گونه که در روایات وارد شده است.

معظمه فاصله داشته باشد و مقیم مکه شود، و از اقامتش دو سال گذشته باشد باید حج «قران» یا «افراد» انجام بدهد، و اگر هنوز دو سال نشده است باید حج تمتع انجام دهد، و در این حکم فرقی نیست بین اینکه قصد توطن یا مجاورت داشته باشد یا نه، و چه پیش از استطاعت مقیم شده باشد یا بعد از آن.

مسأله ۱۵۲: کسی که مقیم مکه معظمه شده قبل از گذشت دو سال، اگر بخواهد حج تمتع انجام دهد باید به میقات مربوط به وطن اولیه‌اش برود و از آنجا برای عمره تمتع احرام ببندد، و سپس در ادنی الحل (مثلاً تنعیم) تجدید نیت کند، و این حکم در مورد حج تمتع مستحبی که اهل مکه معظمه می‌خواهند انجام دهند، نیز جریان دارد.

مسأله ۱۵۳: کسی که دارای دو وطن می‌باشد: یکی کمتر از مسافت یاد شده و دیگری بیشتر از آن، حج را طبق وطنی که بیشتر در آن اقامت دارد انجام دهد، و در صورت تساوی مخیر است، گرچه حج تمتع افضل می‌باشد.

اقسام حج

حج بر سه قسم است:

۱- حج تمتع

۲- حج افراد

۳- حج قران.

مسأله ۱۴۸: حج تمتع وظیفه کسانی است که وطن آنها شانزده فرسخ (حدود ۸۸ کیلومتر) یا بیشتر با مکه معظمه فاصله دارد.

مسأله ۱۴۹: حج «افراد» و حج «قران» وظیفه کسانی است که با مکه معظمه کمتر از شانزده فرسخ فاصله داشته باشند یا اهل خود مکه معظمه باشند.

مسأله ۱۵۰: این حکم در حجة الإسلام است فقط، اما حجی که به وسیله نذر مقید به یکی از این سه شده باشد، یا حجی که به جای حج باطل شده واجب شده است، باید طبق نذر، و طبق حج فاسد شده انجام دهد، اما در سایر اقسام حج از واجب و مستحب مخیر است بین هر یک از اقسام سه‌گانه، گرچه انتخاب حج تمتع افضل است.

مسأله ۱۵۱: کسی که وطنش بیشتر از شانزده فرسخ از مکه

۵- قربانی کردن در منی.

۶- تراشیدن سر یا گرفتن مقداری از مو یا ناخن در منی.

۷- طواف دور خانه خدا پس از بازگشت به مکه معظمه.

۸- دو رکعت نماز طواف حج تمتع نزد مقام ابراهیم علیه السلام، یا پشت آن.

۹- سعی بین صفا و مروه.

۱۰- طواف نساء دور خانه خدا.

۱۱- دو رکعت نماز طواف نساء نزد مقام ابراهیم علیه السلام، یا پشت آن.

۱۲- بیتوته (ماندن شب) در منی، شب یازدهم و دوازدهم بلکه

شب سیزدهم در بعضی موارد که بیانش خواهد آمد.

۱۳- رمی سه جمره (اولی، وسطی، عقبه) در روز یازدهم و دوازدهم

بلکه در روز سیزدهم، در صورتی که شب سیزدهم را در منی بماند.

شرایط حج تمتع

مسأله ۱۵۶: شرایط حج تمتع چند چیز است:

۱- نیت که از اول شروع به احرام عمره فصلش این باشد: که

حج تمتع را بجا می آورد قربة الی الله تعالی، پس اگر نیت دیگری

نمود - تقییداً - یا تردید در نیت داشت، حجتش باطل است.

حج تمتع

حج تمتع عبارت است از دو عبادت: اول: عمره تمتع، دوم: حج تمتع.

اعمال عمره تمتع

مسأله ۱۵۴: اعمال عمره تمتع پنج چیز است:

۱- احرام از یکی از میقاتها (که بیان خواهد شد).

۲- طواف دور خانه خدا (کعبه معظمه).

۳- بجا آوردن دو رکعت نماز طواف نزد مقام ابراهیم علیه السلام، یا پشت آن.

۴- سعی (رفت و آمد) بین صفا و مروه.

۵- تقصیر.

اعمال حج تمتع

مسأله ۱۵۵: اعمال حج تمتع سیزده چیز است:

۱- احرام بستن از مکه معظمه به شرحی که می آید.

۲- وقوف (بودن) در عرفات از ظهر روز نهم ذی الحجه تا غروب آفتاب.

۳- بودن در مشعرالحرام (مزدلفه) از اذان صبح روز عید قربان تا

اول آفتاب.

۴- رمی جمره عقبه (زدن سنگ ریزه) در منی روز عید قربان.

۲- عمره و حج هر دو با هم باید در ماههای حج (شوال، ذی القعدة و ذی الحجه) انجام شود، پس اگر تمام عمره تمتع، یا قسمتی از آن قبل از شوال انجام شود، باطل است.

۳- باید حج تمتع و عمره تمتع در یک سال انجام شود، پس اگر عمره تمتع را در یک سال بجا آورد و حج تمتع را به سال دیگر تأخیر انداخت، حج تمتع نخواهد بود، و در این حکم فرق نمی‌کند که تا سال آینده در مکه معظمه بماند، یا به وطن رفته و مجدداً برگردد، و همچنین فرقی نیست که در احرام عمره تمتع بماند (یعنی تقصیر را انجام نداده باشد) یا از احرام خارج شده باشد.

۴- باید احرام برای حج تمتع - نه عمره آن - در حال اختیار از خود مکه معظمه باشد، و بهتر این است که احرام از مسجد الحرام باشد، و در مسجد هم بهتر است نزد مقام ابراهیم عليه السلام و یا در حجر اسماعیل عليه السلام باشد.

۵- مجموع اعمال عمره تمتع و حج تمتع را یک نفر برای یک نفر انجام دهد، پس اگر دو نفر برای انجام عمره و حج تمتع از طرف یک نفر اجیر شوند که یکی عمره تمتع و دیگری حج تمتع را انجام دهد، صحیح نخواهد بود، و همچنین اگر یک نفر عمره تمتع را برای کسی و حج تمتع را برای دیگری انجام دهد، صحیح نخواهد بود.

چند مسأله

مسأله ۱۵۷: واجب است عمره تمتع، قبل از حج تمتع انجام شود.
 مسأله ۱۵۸: انسان پس از انجام اعمال عمره تمتع با نزدیک شدن روز نهم ذی الحجه باید خود را برای اعمال حج تمتع آماده نماید.
 مسأله ۱۵۹: احوط استحبایی این است که مُحْرَم بعد از مُحَلِّ شدن از عمره تمتع (یعنی تمام شدن عمره تمتع) و قبل از انجام حج تمتع برای مسافت‌های دور، از مکه معظمه خارج نشود، مگر ضرورتی باشد، اما مسافت‌های کوتاه یا اطراف مکه اشکالی ندارد.
 مسأله ۱۶۰: خارج شدن از مکه معظمه در اثنای عمره تمتع (چه پیش از طواف و چه بین طواف و سعی، یا بین سعی و تقصیر) خلاف احتیاط مستحب است.

مسأله ۱۶۱: اگر کسی پس از انجام عمره تمتع بدون احرام از مکه معظمه بیرون رفت، و از میقات گذشت دو صورت دارد:
 اوّل: آنکه بازگشتش به مکه معظمه قبل از ماه خروجش باشد، در این صورت لازم است بدون احرام به مکه معظمه برگشته، و از مکه برای حج تمتع احرام ببندد.

دوم: آنکه بازگشتش به مکه بعد از ماه خروجش باشد، که در این صورت لازم است احتیاطاً برای عمره تمتع مُحرم شود، و عمره تمتع را تجدید نماید. مقصود از ماه در اینجا سی روز است.

مسأله ۱۶۲: کسی که وظیفه اش حج تمتع است، نمی تواند به حج «افراد» یا «قران» عدول نماید، مگر آنکه پس از شروع به عمره تمتع و قتش به انداره ای تنگ شود که نتواند عمره را تمام نماید و خود را به حج برساند، در این صورت نیت را از عمره تمتع به حج افراد برگردانده و عمره را ترک نموده و اعمال حج افراد را بجا آورد و پس از انجام حج، عمره مفرده را بجا آورد.

مسأله ۱۶۳: میزان در تنگی وقت، بیم از دست رفتن وقوف اختیاری عرفات است، مثلاً: اگر صبح روز نهم ذی الحجّه با احرام از میقات به نیت عمره تمتع وارد مکه معظمه شود و بخواهد عمره تمتع را بجا آورد، اما برای ظهر عرفه که اول وقت وقوف اختیاری در عرفات است نمی تواند خود را به عرفات برساند، این شخص باید احرام عمره را به احرام حج افراد تبدیل نموده و به عرفات رفته و اعمال حج افراد را به پایان برساند، و پس از آن عمره مفرده انجام دهد و مجزی از حجه الاسلام خواهد بود.

مسأله ۱۶۴: کسی که وظیفه اش حج تمتع است، چنانچه پیش از

شروع به احرام عمره تمتع بداند که بر اثر ضیق وقت نمی تواند عمره تمتع را تمام نماید، بعید نیست جواز عدول به حج افراد، یعنی: از اول برای حج افراد مُحرم شود.

مسأله ۱۶۵: هرگاه برای عمره تمتع در سعه وقت احرام بست و طواف و سعی خود را عمداً تا زمانی به تأخیر انداخت که نتواند آنها را انجام بدهد و حج را درک نماید، معصیت کرده و بعید نیست که لازم باشد به حج افراد عدول نماید، یعنی: با همان احرامی که به نیت عمره تمتع بسته، به نیت حج افراد به عرفات رود و اعمال حج را انجام دهد، و گوسفند هم در حج افراد لازم نیست، لکن باید بعد از حج، عمره مفرده انجام دهد.

قربانی واجب نیست.

۴- در حج افراد در حال اختیار می توان طواف و سعی حج را بر وقوفین مقدم نمود، ولی در حج تمتع بنا بر احوط در حال اختیار نمی توان طواف و سعی حج را بر وقوفین مقدم نمود.

۵- احرام حج افراد باید یا از منزل حاج و یا از یکی از مواقیت پنجگانه عمره تمتع باشد، ولی احرام حج تمتع از خود مکه معظمه است.

کیفیت حج «افراد»

مسألة ۱۶۶: حج «افراد» عملی است مستقل و جداگانه و وظیفه اهل مکه معظمه و کسانی می باشد که از شانزده فرسخ با مکه کمتر فاصله دارند، و در صورتی که انسان بتواند علاوه بر حج افراد عمره مفرده را بجا آورد، عمره مفرده نیز بطور جداگانه بر او واجب خواهد بود، و چنانچه بتواند هر دو را انجام دهد واجب است هر دو را انجام دهد و فرقی ندارد هر یک را مقدم بدارد.

مسألة ۱۶۷: در تمام اعمال، حج تمتع با حج افراد مشترکند، اما پنج فرق با هم دارند:

۱- حج تمتع با عمره تمتع باید متصل به هم و در ماههای حج (شوال و ذی القعدة و ذی الحجه) و در یک سال باشند، ولی این اتصال بین حج افراد و عمره مفرده و در ماههای حج بودن و نیز در یک سال بودن لازم نیست.

۲- در حج تمتع باید عمره تمتع مقدم بر حج تمتع باشد، ولی در حج افراد هر یک مقدم شد مانعی ندارد.

۳- در حج تمتع قربانی واجب است، ولی در حج افراد

کیفیت حج قران

مسأله ۱۶۸: حج «قران» در تمام اعمال با حج افراد یکسان است مگر در دو جهت:

- ۱- قربانی در حج قران واجب است، اما در حج افراد واجب نیست و حاج هنگام احرام حج قران، باید قربانی همراه داشته باشد.
- ۲- احرام در حج افراد فقط با تلبیه تحقق پیدا می‌کند، ولی در حج قران، هم با تلبیه محقق می‌شود و هم با اشعار (علامت‌گذاشتن) بر حیوان قربانی و یا تقلید (چیزی به گردن حیوان قربانی آویزان کردن) و پس از بستن احرام برای حج قران، عدول به تمتع جایز نیست.

تفصیل اعمال عمره تمتع

مسأله ۱۶۹: برای انجام کلیه اعمال حج و عمره نیت لازم است. مقصود از نیت: قصد بجا آوردن اعمال قربیه الی الله می‌باشد، مثلاً چنین نیت می‌کند: حج تمتع بجا می‌آورم و در ابتدا عمره تمتع انجام می‌دهم قربیه الی الله.

اعمال عمره تمتع

۱- احرام

مسأله ۱۷۰: اولین عمل از اعمال عمره تمتع، احرام می‌باشد، و احرام باید از میقات بسته شود.

میقات

مسأله ۱۷۱: جاهایی برای بستن احرام حج یا عمره تعیین شده که به هر کدام از آنها «میقات» گفته می‌شود، و واجب است احرام در آنجا بسته شود، و جایز نیست اختیاراً از آنجا به مکه معظمه بدون احرام عبور کند. این اماکن (میقات‌ها) عبارتند از: «مسجد شجره، وادی عقیق، جحفه، یلملم، قرن المنازل، مکه مکرمه، منزل حاج، جعرانه، محاذات یکی از مواقیت، ادنی الجبل، فحّ».

۱- مسجد شجره: میقات اهل مدینه منوره است و هر کسی که خواسته باشد از راه مدینه به حج برود.

مسأله ۱۷۲: جایز است احرام بستن در بیرون مسجد به شرطی که محاذی و برابر آن باشد از طرف راست و چپ برای کسی که به طرف مکه معظمه ایستاده باشد.

مسأله ۱۷۳: احوط این است که در صورت امکان در داخل مسجد احرام بسته شود، و کسی که از راه مدینه به مکه برای حج می‌رود و به مسجد شجره می‌رسد و میقات دیگری بین راه به نام «جحفه» دارد نمی‌تواند از مسجد بدون احرام گذشته و از جحفه احرام ببندد، مگر شخص بیمار یا ضعیف و مانند آنها که معذورند و نمی‌توانند از مسجد شجره احرام ببندند.

مسأله ۱۷۴: شخص جنب و حائض نمی‌تواند وارد مسجد شجره بشود و احرام ببندد مگر عبور کند، یعنی: از دربی داخل و از درب دیگر خارج شود و در حال عبور احرام ببندد، در غیر این صورت باید بیرون از مسجد و در محاذات آن مُحرم شود، یعنی: مسجد را طرف راست یا چپ خود قرار دهد.

۲- وادی عقیق: میقات اهل عراق و نجد و هر کسی که از

آنجا عبور کند هر چند اهل عراق و نجد نباشد.

این میقات دارای سه قسمت است:

اول: مسلخ که جزء اول آن است.

دوم: غمره نام وسط آن.

سوم: ذات عرق آخر آن.

مسأله ۱۷۵: احتیاط استحبابی این است که اگر مانعی از قبیل بیماری و تقیه ندارد از غمره احرام بسته شود و تا ذات عرق به تأخیر نینفتد.

۳- جحفه: میقات اهل شام و مصر و مغرب است و هر کسی

که از آنجا عبور کند هر چند اهل آنجا نباشد و این در صورتی است که از میقات قبل (مسجد شجره) مُحرم نشده باشد.

۴- یلملم: نام کوهی است و میقات اهل یمن می‌باشد و هر

کسی که از آنجا عبور کند.

۵- قرن المنازل: میقات اهل طائف است و هر که از آنجا عبور کند.

۶- مکه معظمه: میقات حج تمتع است - نه عمره آن - و

همچنین میقات حج «قران» و «افراد» برای اهل مکه می‌باشد.

۷- منزل خود شخص: میقات کسی است که منزلش به

مکه مکرمه از میقات نزدیک تر باشد.

مسأله ۱۷۶: چنین شخصی می تواند از منزل خود احرام ببندد و لازم نیست برای احرام به یکی از میقات های دیگر برود گرچه مستحب است احتیاطاً از منزل خود احرام ببندد، و در میقات تجدید نماید، و چنانچه دو منزل دارد یکی قبل از میقات و دیگری بعد از میقات، احوط احرام از میقات است.

۸- جعرانه: میقات برای مجاورین بیش از دو سال در مکه معظمه می باشد.

۹- محاذات: یکی از مواقیت پنج گانه اولیه است برای کسی که عبورش از هیچ یک از مواقیت نباشد.

۱۰- ادنی الحِلّ: یعنی نزدیک ترین مکان به حرم، میقات عمره مفرده است که بعد از حج «قران» یا «افراد» انجام می شود بلکه میقات است از برای هر عمره مفرده برای کسی که در مکه معظمه باشد و بخواهد عمره مفرده را بجا آورد و بهتر آن است که از «حدیبیه» یا «تنعیم» و یا «جعرانه» احرام ببندد.

۱۱- فسخ: میقات برای بچه هایی است که از مدینه منوره بیایند و در مسجد شجره مُحرم نشده باشند، ولی اگر از راه های

دیگر بیایند باید از میقات های مربوطه احرام ببندند.

مسأله ۱۷۷: احرام بستن پیش از میقات جایز نیست، همچنان که عبور از میقات در حال احرام کفایت نمی کند، بلکه بایستی از خود میقات احرام بسته شود، و از این دو حکم دو مورد استثنا شده است:

۱- آنکه نذر نماید که پیش از رسیدن به میقات از محل معینی مُحرم شود، در این صورت قبل از میقات احرام صحیح است، و احتیاج به تجدید آن در میقات یا عبور از میقات ندارد، و در این حکم فرقی بین احرام حج واجب و مستحب و عمره مفرده نیست.

۲- کسی که قصد دارد عمره مفرده را در ماه رجب انجام دهد و بیم داشته باشد که اگر احرام را از میقات ببندد موفق به درک عمره نشود، برای چنین شخصی جایز است قبل از میقات مُحرم شود.

مسأله ۱۷۸: می توان با نذر از جدّه مُحرم شد، و کسی که نذر کرده پیش از میقات احرام ببندد و برخلاف نذر خود از میقات احرام بست احرام وی باطل نیست، ولی کفاره مخالفت نذر بر او واجب می شود، اگر عمداً برخلاف نذر رفتار کرده باشد.

مسأله ۱۷۹: همان طوری که تقدیم احرام بر میقات جایز نیست،

تأخیر آن از میقات نیز جایز نمی باشد، پس کسی که قصد حج یا عمره یا دخول مکه معظمه را دارد، جایز نیست در حال اختیار بدون احرام از میقات عبور نماید، هر چند میقات دیگری در پیش داشته باشد. هرگاه بدون احرام و بغیر عمد از میقات عبور کرد واجب است به میقات برگردد و مُحَرَّم شود، مگر اینکه میقاتی در جلو داشته باشد، مثل اینکه از مسجد شجره گذشته بدون احرام ولی جحفه در پیش است که احرام در آن کافی است.

مسألة ۱۸۰: هرگاه مکلف از روی علم و عمد بدون احرام از میقات گذشت چنانچه امکان دارد واجب است به میقات برگردد، و چنانچه امکان برگشت نیست و در مسیرش میقات دیگری هست از آن مُحَرَّم شود، و اگر میقات دیگری نباشد احرامش در غیر میقات کافی نبوده و حش باطل است علی الأقوی و قضایش واجب می باشد.

مسألة ۱۸۱: هرگاه انسان به جهت فراموشی یا ندانستن مسأله -در صورتی که مقصر نباشد بنا بر احتیاط- از میقات مُحَرَّم نشد و از میقات گذشت هر وقت عذرش برطرف شد واجب است به میقات برگردد و مُحَرَّم شود، و چنانچه برگشتن به میقات ممکن نبود از هر جا که نزدیک تر به میقات است مُحَرَّم شود، مثلاً اگر داخل در حرم

شده، باید تا هر جا که می تواند از حرم دور شده و مُحَرَّم شود، و اگر امکان خروج از حرم را نداشت از هر جا که هست باید مُحَرَّم شود، چه داخل مکه معظمه شده باشد یا نشده باشد.

مسألة ۱۸۲: اگر زن حائض از روی ندانستن مسأله از میقات بدون احرام گذشت باید طبق مسأله قبلی رفتار نماید.

مسألة ۱۸۳: اگر مکلف به کلی احرام را فراموش کرد یا جاهل به مسأله بود یا اینکه احرام را در غیر میقات به تصوّر اینکه میقات است انجام داد، تا اینکه کلیه اعمال عمره را به پایان رسانید عمره او صحیح است در صورتی که مقصر نباشد علی الأحوط.

مسألة ۱۸۴: کسی که وطنش بیش از شانزده فرسخ از مکه معظمه دور باشد وقتی می خواهد حج یا عمره انجام دهد، باید از یکی از میقاتها مُحَرَّم شود، و اگر راهش به هیچ کدام از مواقیت برخورد نداشت باید از محاذات یکی از آنها مُحَرَّم شود.

مسألة ۱۸۵: کسی که مقیم مکه معظمه است، اگر بخواهد حج تمتع انجام دهد واجب است به میقات برود و برای عمره تمتع احرام ببندد، و اگر امکان رفتن به میقات را ندارد حکم او حکم کسی است که احرام را فراموش کرده و در مسأله ۱۸۱ بیانش گذشت.

احرام حج تمتع

مسأله ۱۸۶: کسی که قصد حج تمتع دارد و عمره تمتع را انجام داده است، باید از مکه معظمه مُحرم شود و به عرفات برود، و اگر عالماً و عامداً از جای دیگری غیر مکه مُحرم شد، احرامش صحیح نخواهد بود، هر چند با احرام وارد مکه شود، بلکه در صورت امکان واجب است احرام را در مکه تجدید نماید، و در غیر این صورت حجتش باطل است.

مسأله ۱۸۷: کسی که احرام حج را به کلی فراموش نموده و تا پایان اعمال حج یادش نیاید، حجتش صحیح است. و همچنین است حکم جاهل به مسأله.

مسأله ۱۸۸: کسی که می خواهد حج تمتع انجام دهد اگر فراموش کرد مُحرم شود و بدون احرام به عرفات رفت، باید در صورت امکان به مکه برگردد و مُحرم شود، و اگر امکان برگشت نبود در هر جا که هست حتی در عرفات از همان جا مُحرم شود، جاهل به حکم نیز همین حکم را دارد.

واجبات احرام

واجبات احرام سه چیز است:

اول: پوشیدن لباس احرام.

دوم: نیت.

سوم: تلبیه.

۱- پوشیدن لباس احرام

مسأله ۱۸۹: اول از واجبات احرام: پوشیدن دو جامه احرام (ازار و رداء) است، پس از کندن لباس هایی که پوشیدن آنها بر مُحرم حرام می باشد.

مسأله ۱۹۰: پوشیدن این دو لباس این طور است: یکی را مانند لنگ به دور کمر خود بسته که از ناف تا زانو بیاید (و به آن ازار گویند) و دیگری را مانند حوله حمام بر دوش بگیرد (و آن را رداء گویند) که هر دو شانه را بپوشاند.

مسأله ۱۹۱: احوط این است که پوشیدن این دو جامه پیش از نیت احرام و تلبیه باشد، و اگر نیت و تلبیه قبلاً انجام شده باید اعاده شوند.

مسأله ۱۹۲: پوشیدن دو جامه احرام واجب تعبّدی است و شرط تحقّق احرام نیست و کیفیت مخصوصی برای آن نیست، اما احوط پوشیدن آنها به نحو متعارف می باشد.

مسأله ۱۹۳: هرگاه از روی فراموشی، یا ندانستن مسأله بدون اینکه لباس های قبلی را بیرون بیاورد لباس احرام پوشید، پس از توجه باید لباس های قبلی را بیرون بیاورد و احرامش صحیح است، و اگر پس از پوشیدن لباس احرام لباس های قبلی خودش را از روی

فراموشی یا ندانستن پوشیدن، پس از توجه باید لباس عادی را بیرون بیاورد و احرامش صحیح خواهد بود.

مسأله ۱۹۴: پوشیدن بیش از دو لباس احرام، در اول احرام یا بعد از آن برای جلوگیری از سرما یا گرما، و غیر اینها اشکالی ندارد.

مسأله ۱۹۵: آنچه در لباس نمازگزار شرط است در دو جامه احرام نیز شرط می‌باشد، پس لازم است لباس احرام مباح و پاک باشد، و نجس بودن آن به نجاستی که در نماز عفو شده اشکالی ندارد، و چنانچه نجس شد لازم است فوراً تطهیر یا تعویض نماید، و چنانچه تطهیر یا تعویض نکرد معصیت کرده ولی احرام صحیح است.

مسأله ۱۹۶: لباس احرام باید از حریر خالص نباشد حتی برای زنان، و از اجزای حیوان حرام گوشت نباشد، و برای مردان زربافت نباشد، و همچنین ازار و رداء بدن نما نباشد.

مسأله ۱۹۷: واجب نیست جامه‌های احرام را به طور دائم بپوشد و برداشتن آنها برای ضرورت یا غیر آن، مثل: عوض کردن یا شستن و امثالش، اشکالی ندارد.

۲- نیت

مسأله ۱۹۸: دوم از واجبات احرام: نیت می‌باشد و در آن چند چیز معتبر است، که بدون آنها احرام صحیح نخواهد بود.

۱- قصد قربت، یعنی به جهت اینکه خدا فرموده است، مُحَرَّمٌ مِیْ شُود.

۲- نیت که همزمان با شروع در احرام باشد.

۳- تعیین نوع احرام که برای کدام عمره یا کدام حج و از طرف چه کسی است.

مسأله ۱۹۹: در صحت نیت داعی بر آن کافی است و گفتن به زبان و گذراندن از قلب لازم نیست، گرچه مستحب است در اینجا نیت را به زبان بیاورد، و بگوید: احرام می‌بندم برای عمره تمتع از حَجَّةِ الْإِسْلَامِ قَرَبَةِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى.

مسأله ۲۰۰: در صحت احرام، مجرد عزم بر ترک محرمات از اول تا آخر احرام کافی است، یعنی: اگر اول احرام قصدش ترک محرمات باشد گرچه تا آخر ادامه پیدا نکند، احرامش باطل نخواهد بود.

۳- تلبیه

مسأله ۲۰۱: سوم از واجبات احرام: تلبیه می باشد، یعنی گفتن این چند جمله: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ» و احوط اضافه نمودن این جمله است: «إِنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ» و سزاوار است که «لبیک» را در آخر آن اضافه کند، پس تلبیه کامل چنین است:

«لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ»

یعنی: پروردگارا مکرراً اطاعت می کنم فرمان تو را، برای تو شریکی نیست، به درستی که ستایش تو را سزااست و نعمت و ملک و پادشاهی از آن تو است، شریکی برای تو در آنها نیست...

مسأله ۲۰۲: قرائت تلبیه فقط یک بار واجب می باشد و به وسیله آن احرام منعقد می شود، ولی مستحب است تلبیه را تکرار کند هنگامی که از خواب بر می خیزد و بعد از هر نماز واجب، به هنگام سوار شدن و در هر پستی و بلندی، و مستحب است هنگام سحر بسیار تلبیه بگوید، حتی اگر جنب یا حائض باشد.

مسأله ۲۰۳: مستحب است در عمره تمتع تلبیه را قطع نکند تا اینکه خانه های مکه معظمه را مشاهده نماید، و در حج تمتع تا زوال روز عرفه (روز نهم) مستحب است تلبیه را قطع نکند.

مسأله ۲۰۴: اگر فراموش کند در مکان احرام (میقات) تلبیه بگوید و بعد از گذشتن از میقات به یاد آورد در صورت امکان باید به میقات برگردد، و اگر نمی تواند از همان جا تلبیه بگوید و احرامش صحیح خواهد بود، و چنانچه داخل محدوده حرم شده است باید در صورت امکان خارج شود و تلبیه را بگوید.

مسأله ۲۰۵: بر مکلف لازم است الفاظ تلبیه را یاد گرفته و با قرائت عربی صحیح ادا نماید (مانند قرائت نماز) هر چند با تلقین دیگری باشد، یعنی: کسی با قرائت صحیح ادا نموده و این شخص هم از زبان او گرفته و صحیح ادا نماید. پس اگر این الفاظ را با قرائت صحیح یاد نگرفت و تلقین هم برایش میسور نبود واجب است آنچه را که می تواند بگوید، و بنابر احتیاط مستحب در این صورت جمع کند بین گفتن به میسور، و گفتن ترجمه آنها، و نایب گرفتن دیگری که بجای او بگوید.

مسأله ۲۰۶: شخص گنگ و لال باید با انگشت خود به تلبیه

اشاره نموده و زبان خود را حرکت دهد، و اولی این است که علاوه بر آنچه نموده نایب هم بگیرد که این کلمات را به نیابت او صحیحاً ادا نماید.
مسئله ۲۰۷: برای شخص بی هوش و بچه غیر ممیز، دیگری نیابتاً تلبیه بگوید، گرچه شخص بی هوش اگر قبل از اعمال به هوش آمد احتیاط واجب آن است که خودش برگردد به میقات، و از آنجا مُحرم شود.

مسئله ۲۰۸: احرام حج تمتع، و احرام عمره تمتع، و احرام حج افراد، و احرام عمره مفرده بدون تلبیه محقق نمی شود، اما احرام حج قران همان طوری که با تلبیه منعقد و محقق می شود با «اشعار» و «تقلید» نیز محقق می گردد، اما اشعار مخصص به شتر قربانی است، و تقلید مشترک بین شتر و گاو و گوسفند قربانی است. اولی در شتر جمع بین اشعار و تقلید است، بنابراین در حج قران مخیر است بین سه چیز: تلبیه یا اشعار یا تقلید.

مسئله ۲۰۹: «اشعار» عبارت است از: پاره کردن کوهان شتر، و احوط و افضل پاره کردن طرف راست کوهان است، و اولی این است که مُحرم در حال قیام اشعار کند، و بدن شتر را خون آلود کند.
مسئله ۲۱۰: «تقلید قربانی» - علی الأحوط - عبارت از این است

که نعلین کهنه‌ای که با آن نماز خوانده به گردن قربانی آویزان نماید.
مسئله ۲۱۱: لازم نیست تلبیه همزمان با نیت احرام، و پوشیدن لباس احرام باشد، بلکه احوط می باشد. و تأخیر تلبیه از نیت احرام و پوشیدن لباس احرام جایز است.

مسئله ۲۱۲: در صحت احرام طهارت از حدث اصغر و اکبر شرط نیست، بنابراین احرام شخص بی وضو و جنب یا زن حائض و نفساء اشکالی ندارد.

مسئله ۲۱۳: تلبیه (یا اشعار و تقلید در حج قران) برای تحقق احرام به منزله تکبیرة الاحرام است برای نماز، و احرام بدون آنها محقق نمی شود، پس هرگاه نیت احرام نموده، و لباس احرام پوشید، اما هنوز تلبیه نگفته (یا در حج قران اشعار یا تقلید نکرده) احرام محقق نشده، و انجام محرمات احرام کفاره نخواهد داشت.

مسئله ۲۱۴: کسی که می خواهد از مدینه منوره به مکه معظمه برود، مستحب است تلبیه را تا «بیداء» (زمینی است که تقریباً ۲ کیلومتر بعد از مسجد شجره است) آهسته بگوید، و از آن به بعد مستحب است جهراً (بلند) بگوید، و کسی که از راههای دیگر به

مکّه معظمه می‌رود مستحب است مقداری از راه، آهسته تلبیه گفته و سپس جهراً بگوید، و نیز مستحب است تلبیه را در موقع احرام و پوشیدن لباس احرام آهسته بگوید، کسی که می‌خواهد از مکّه به عرفات برود مستحب است تلبیه را تا «رقتاء» (نام محله‌ای است در مکّه) آهسته و از آن به بعد جهراً بگوید.

مسأله ۲۱۵: در عمره تمتع هنگامی که چشمش به خانه‌های مکّه معظمه می‌افتد لازم است تلبیه را قطع کند، و در عمره مفرده چنانچه خارج از حرم احرام بسته، وقت ورود در حرم تلبیه را قطع کند، و اگر داخل مکّه بود و خارج شد برای احرام، وقتی چشمش به کعبه معظمه افتاد تلبیه را قطع کند، عموم حجّاج از ظهر روز عرفه تلبیه نگویند.

مسأله ۲۱۶: اگر بعد از پوشیدن لباس احرام و پیش از گذشتن از میقات شک کند که تلبیه گفته یا نه، بنا بر نگفتن بگذارد، و تلبیه را بگوید، و اگر بعد از گفتن تلبیه شک کند صحیح گفته یا نه، بنا بر صحت بگذارد، و احرام و عملش صحیح است.

تروک احرام

مسأله ۲۱۷: هرگاه مکلف مُحرم شد، بیست و پنج چیز بر او حرام می‌شود:

- ۱- شکار حیوان صحرائی.
- ۲- نزدیکی با زنان.
- ۳- بوسیدن زنان.
- ۴- لمس نمودن زن از روی شهوت.
- ۵- نگاه کردن به زن از روی شهوت.
- ۶- عقد نکاح.
- ۷- استمناء.
- ۸- استعمال بوی خوش.
- ۹- پوشیدن لباس دوخته برای مردان.
- ۱۰- پوشیدن جوراب و چکمه.
- ۱۱- سُرمه کشیدن.
- ۱۲- نگاه کردن در آینه برای زینت.
- ۱۳- دروغ گفتن و دشنام دادن.
- ۱۴- جدال نمودن.

۱۵- کشتن جانوران بدن.

۱۶- زینت نمودن.

۱۷- مالیدن روغن به بدن.

۱۸- جدا نمودن مو از بدن.

۱۹- پوشیدن سر برای مردان.

۲۰- پوشانیدن صورت برای زنان.

۲۱- زیر سایه رفتن مردان هنگام سیر (حرکت).

۲۲- بیرون آوردن خون از بدن.

۲۳- ناخن گرفتن.

۲۴- با کافور تحنيط نمودن ميت مُحرم.

۲۵- برداشتن سلاح.

تفصيل اين امور بيان خواهد شد.

۱- شکار حیوان صحرايي

مسألة ۲۱۸: بر مُحرم شکار حیوان صحرايي حرام است، داخل

حرم یا در خارج حرم باشد، البته شکار در حرم مطلقاً حرام است، چه

برای مُحرم و چه برای غیر مُحرم، و نیز حرام است کمک به شکارچی هر

چند با اشاره باشد، و فرقی ندارد که شکارچی مُحرم باشد یا غیر مُحرم.

مسألة ۲۱۹: خوردن گوشت شکار بر مُحرم حرام است، چه

خودش او را شکار کرده و ذبح نموده، یا کسی که مُحلّ بوده شکار کرده

و ذبح نموده باشد، چه این ذبح در حرم واقع شده باشد یا در غیر حرم.

مسألة ۲۲۰: ملخ در حکم حیوان صحرايي است، و برای مُحرم

گرفتن و شکار و خوردنش حرام است.

مسألة ۲۲۱: جوجه و تخم حیوانات صحرايي، حکم خود

حیوانات را دارد، پس شکار جوجه یا کمک به شکارش و دلالت و

راهنمایی دیگری برای شکارش، و خوردنش بر مُحرم حرام است، و

نیز برداشتن تخم و خوردن و کمک و اشاره به برداشتنش، حرام می باشد.

مسألة ۲۲۲: احکام شکار مخصص به حیوان صحرايي است. و به

شکار حیوانات دریایی و اهلی (مانند گوسفند و شتر و غیره) ارتباط ندارد.

مسألة ۲۲۳: کُشتن درندگان برای مُحرم جایز نیست، مگر در

وقتی که به انسان حمله نمایند، یا اینکه از آنها بترسد. اما کُشتن

افعی و مار بزرگ سیاه و مارهای گزنده و عقرب، موش، کلاغ،

کرکس، باز شکاری، جایز است، و کُشتن آنها کفّاره ندارد.

کفاره شکار

مسأله ۲۲۴: در کشتن شتر مرغ یک شتر، و در کشتن گاو وحشی یک گاو اهلی، و در کشتن الاغ وحشی یک شتر یا یک گاو اهلی، و در کشتن آهو و خرگوش و روباه یک گوسفند، باید کفاره بدهد.

مسأله ۲۲۵: اگر شکاری کرده که کفاره‌اش یک شتر است، چنانچه عاجز شد از تهیه شتر، باید قیمت آن را گندم خریده بین فقرا تقسیم نماید، و چنانچه شصت فقیر را اطعام نماید کفایت می‌کند، و به هر یک تقریباً «۷۵۰» گرم گندم بدهد، گرچه هزینه اطعام از قیمت شتر کمتر باشد، و چنانچه از این هم عاجز شد هیچ‌ده روز روزه بگیرد، و لازم نیست این هیچ‌ده روز پی‌درپی باشد.

مسأله ۲۲۶: اگر کفاره، گاو باشد و از آن عاجز شود، قیمت آن را گندم خریده بین فقرا تقسیم کند، و یا سی فقیر را اطعام نماید، و در صورت عجز نه روز روزه بگیرد.

مسأله ۲۲۷: اگر کفاره گوسفند باشد، و عاجز شود ده نفر فقیر را اطعام نماید، و اگر عاجز شد سه روز روزه بگیرد.

مسأله ۲۲۸: هرگاه مُحرم در خارج حرم کبوتر یا مانند آن - از

پرنندگان - را شکار نموده و بکشد، کفاره‌اش یک گوسفند است، و اگر جوجه کبوتر و مانندش را بکشد، یک بره یا بزغاله یا نصف درهم صدقه بدهد، گرچه احوط در این صورت دادن قیمت بره یا بزغاله است به عنوان صدقه.

مسأله ۲۲۹: هرگاه تخم کبوتر و مانندش را شکست، و در آن جوجه متحرک بوده کفاره‌اش یک گوسفند است، و اگر جوجه متحرک نبود کفاره‌اش قیمت آن است.

مسأله ۲۳۰: هرگاه مُحلّ کبوتر یا مانندش را در حرم کشت، مخیر است بین یک درهم صدقه و بین صدقه دادن قیمت آن حیوان، گرچه احوط دومی است، و کفاره در جوجه آنها نصف درهم، و در تخم آن ربع درهم است.

مسأله ۲۳۱: هرگاه مُحرم در داخل حرم کبوتر و مانندش را بکشد کفاره‌اش یک گوسفند و قیمت آن پرنده می‌باشد و اگر جوجه آنها را کشت کفاره‌اش یک بره یا یک بزغاله و قیمت هر یک از آنها است، و هرگاه تخم او را شکست اگر در او جوجه متحرک بود کفاره‌اش یک گوسفند، و اگر جوجه در او متحرک نبود باید قیمت آن را صدقه بدهد.

مسألة ۲۳۲: كفارة شكار مرغ سنگ خوار (قطاة) و ككب و دراج و مانند آنها يك گوسفند است، و كفارة شكار گنجشك و قَبْرَه (چكاوك) و صعوه (سنگانه) اگر در خارج حرم باشد، مخير است: بين صدقه دادن قيمت آن، و بين صدقه دادن يك مد طعام، و اگر در حرم باشد دو برابر می شود، و در جوجه آنها نیز همین حکم جریان دارد، و اگر تخم هر يك آنها را شكست قيمت تخم را صدقه بدهد.

مسألة ۲۳۳: در كفارة كشتن يك ملخ مخير است: بين يك مشت گندم يا يك دانه خرما، و اگر ملخ های زيادی را كشت كفارة يك گوسفند است.

مسألة ۲۳۴: در كشتن موش صحرايي و خارپشت و سوسمار يك بزغاله است، و در مارمولك (عظايه) يك مشت طعام كفارة دارد، و كشتن عمدی زنبور مقداری طعام كفارة دارد، مگر برای رفع اذیت باشد كه كفارة ندارد.

مسألة ۲۳۵: در راهی كه ملخ زياد است بایستی مُحرم از راه دیگری برود تا آن را نكشد، و اگر نتواند این كار را بکند كه خواه ناخواه ملخ پایمال می شود، اشكالی ندارد.

مسألة ۲۳۶: اگر جماعتی در كشتن شكاری شركت کردند، بر هر يك كفارة جداگانه ایست.

مسألة ۲۳۷: كفارة خوردن شكار، مانند كفارة خود شكار است، پس اگر مُحرم شكاری كرد و آن را خورد، دو كفارة باید بدهد، یکی برای شكار و دیگری برای خوردن آن.

مسألة ۲۳۸: کسی كه شكاری همراه دارد و داخل حرم شود، باید او را رها كند، و چنانچه رهايش نكرد تا مرد، باید كفارة بدهد، بلکه نسبت به کسی كه قبل از احرام شكاری کرده و بعداً مُحرم شده این حکم نیز جاری است، یعنی باید بعد از احرام، شكار را رها كند هر چند داخل حرم نشده باشد (بنا بر احتیاط).

مسألة ۲۳۹: در وجوب كفارة كشتن شكار و خوردنش فرقی نیست، چه از روی عمد باشد یا سهو و یا ندانستن مسأله.

مسألة ۲۴۰: با تکرار شكار، كفارة نیز مکرر می شود.

۲- جماع

نزدیکی با زنان، چه در قُبُل باشد و چه در دُبُر، در احرام عمره باشد یا حج.

مسألة ۲۴۱: پس از آنکه مُحرم طواف نساء و نماز آن را بجا آورد، زن بر او حلال می شود، و همچنین پس از اتمام اعمال عمره تمتع.

مسأله ۲۴۲: همان طوری که زن بر مرد مُحرم حرام است، مرد هم بر زنی که در حال احرام است، حرام می باشد.

مسأله ۲۴۳: اگر در عمره تمتع بعد از سعی و پیش از تقصیر از روی علم و عمد با زن نزدیکی نماید کفاره اش یک شتر است، و اگر عاجز از شتر است یک گاو، و اگر از آن هم عاجز است یک گوسفند می باشد، ولی عمره اش صحیح است، اما اگر این عمل پیش از سعی بود عمره اش باطل می شود و کفاره دارد، و در صورت امکان باید اعاده نماید.

مسأله ۲۴۴: هرگاه محرم به احرام حج شد، و پیش از وقوف به مزدلفه (مشعر) از روی عمد با زنی نزدیکی (جماع) کرد، چنانچه زن راضی بوده، حج هر دو باطل می شود، ولی واجب است حج را تمام نمایند، و در سال بعد هم اعاده کنند، خواه حج واجب باشد یا مستحب، و چنانچه زن راضی نبوده حجتش باطل نیست، و بر مرد دو کفاره واجب می شود، و بر زن کفاره ای واجب نخواهد شد، و واجب است بین این زن و مرد از جای وقوع این عمل در این حج و حجی که بعداً اعاده خواهند کرد جدایی باشد، تا آنکه دوباره پس از وقوفین به آن محل برسند.

مسأله ۲۴۵: هرگاه مُحرم بعد از وقوف در مزدلفه از روی عمد و علم با عیال خود نزدیکی نماید، چنانچه پیش از طواف نساء باشد کفاره بر او واجب می شود، حجتش فاسد نیست، و چنانچه این عمل بعد از سه شوط و نیم از طواف نساء باشد حج صحیح است و احتیاط استحبابی در دادن کفاره است، و چنانچه بعد از طواف نساء باشد و قبل از نماز آن کفاره ندارد، و حج نیز صحیح است.

مسأله ۲۴۶: هرگاه در عمره مفرده از روی علم و عمد پیش از سعی با زن نزدیکی نماید عمره اش باطل و کفاره اش یک شتر است، و واجب است این عمره را تمام نموده و مجدداً برای انجام عمره مفرده مُحرم شود، و دوباره تمام اعمال را انجام دهد. و چنانچه این عمل بعد از طواف نساء و قبل از نماز طواف بود عمره صحیح است و کفاره ای ندارد، و چنانچه در اثناء طواف نساء باشد مانند مسأله سابق است و اما اگر بعد از سعی و قبل از تقصیر باشد عمره باطل نیست، ولی کفاره اش یک شتر است، و همین احکام در عمره تمتع نیز جریان دارد.

مسأله ۲۴۷: هرگاه با زن محرمه با رضایت خودش نزدیکی شود، همان احکام مرد بر زن جاری است.

مسأله ۲۴۸: هرگاه مُحرم (از روی ندانستن مسأله و یا فراموشی و یا سهو، چه سهو و نسیان در حکم و یا در احرام باشد) با زن خود جماع نماید، عمره و حجّش صحیح است، و کفّاره ندارد.

۳- بوسیدن

مسأله ۲۴۹: جایز نیست مُحرم با علم و عمد از روی شهوت زن خود را ببوسد، و چنانچه او را بوسید و از او منی خارج شد لازم است یک شتر کفّاره بدهد، و اگر از روی شهوت بوسید و منی خارج نشد بنا بر قول اقوی کفّاره اش یک شتر است، و اگر بوسیدن از روی شهوت نبود و منی خارج شد کفّاره اش یک گوسفند است، و همچنین اگر منی خارج نشود، بنا بر احتیاط کفّاره اش یک گوسفند است.

۴- لمس

چهارم از محرمات احرام: لمس زن است.
مسأله ۲۵۰: شخص مُحرم نباید جایی از بدن خود را به بدن زنش از روی شهوت بمالد، و چنانچه این عمل را انجام داد و منی خارج شد، باید یک شتر کفّاره بدهد.

۵- نگاه

مسأله ۲۵۱: هرگاه مُحرم از روی شهوت با زن خود شوخی نماید، یا به او نگاه کند تا منی از او خارج شود، کفّاره اش یک شتر است.
مسأله ۲۵۲: چنانچه به زن نامَحرم عمداً نگاه کند و منی بیرون بیاید، چه از روی شهوت باشد و چه نباشد و چه قصد بیرون آمدن منی داشته یا نداشته باشد، چنانچه از لحاظ اقتصادی دارا باشد کفّاره اش یک شتر، و اگر متوسط الحال باشد یک گاو، و اگر فقیر باشد یک گوسفند است، و اگر منی بیرون نیاید گرچه معصیت کرده اما کفّاره ندارد.
مسأله ۲۵۳: نگاه به زنی که به انسان محرم است، بدون شهوت اشکالی نداشته و کفّاره ندارد.
مسأله ۲۵۴: زن در تمامی این احکام مانند مرد است، و نمی تواند به مرد از روی شهوت نگاه کرده یا او را لمس نماید یا ببوسد.

۶- عقد نکاح

عقد نکاح، چه برای خود باشد یا دیگری، عقد دائم یا موقت، آن دیگری مُحرم باشد یا نباشد.
مسأله ۲۵۵: اگر شخصی -چه مُحرم و چه غیر مُحرم- برای زن و

مرد محرمی عقد نماید و زوج دخول به زن نماید چنانچه هر سه آنها مسأله را بدانند، بر هر کدام یک شتر کفاره است و عقد باطل است، و حرمت ابدی دارد، علاوه بر بقیه احکام جماع که قبلاً ذکر شد.

مسأله ۲۵۶: اگر این عمل از روی جهل به مسأله یا فراموشی یا غفلت یا اضطرار انجام شود عقد باطل است ولی کفاره ندارد.

مسأله ۲۵۷: اگر مُحرم برای خودش زنی را عقد کند، همان حکم قبلی را دارد (از نظر علم و جهل و...) و اگر برای زن و مرد غیر مُحرم عقد را انجام دهد عقد باطل است، و مُحرم در صورت علم باید یک شتر کفاره بدهد.

مسأله ۲۵۸: حضور در مجلس عقد و همچنین شاهد شدن برای عقد بر مُحرم حرام است، و همچنین حرام است بر مُحرم خواستگاری کند، اما اگر به زن مطلقه رجعیّه رجوع نماید اشکالی ندارد.

۷- استمناء

استمناء، به هر وسیله‌ای که باشد.

مسأله ۲۵۹: اگر مُحرم با آلت خود بازی نمود و منی او بیرون آمد، حکمش حکم کسی است که با زنش نزدیکی کرده باشد، بنابراین اگر استمناء در احرام حج پیش از وقوف در «مزدلفه» باشد

حجش فاسد خواهد بود، و لازم است حج را تا آخر بجا آورده و در سال بعد اعاده نماید، همانطوری که اگر در عمره مفرده پیش از فراغت از سعی استمناء بکند، عمره اش فاسد بوده و لازم است آن را به پایان رسانده و مجدداً مُحرم به احرام مفرده شود و عمره را تجدید نماید.

مسأله ۲۶۰: چنانچه مُحرم بدون بازی با آلت، استمناء نمود- مثل اینکه به نگاه کردن به زن اجنبیه یا به نظر آوردن و تخیلش منی از او بیرون آمد- کفاره اش اگر دارا است یک شتر، و اگر متوسط الحال است یک گاو، و اگر فقیر است یک گوسفند می باشد، ولی حج و عمره اش باطل نخواهد بود.

۸- بوی خوش

مسأله ۲۶۱: هرگونه استعمال بوی خوش از قبیل زعفران و عنبر و ورس و مشک چه خوردن، چه بوییدن، چه مالیدن بر بدن مُحرم حرام است، و همچنین حرام است پوشیدن لباسی که اثری از بوی خوش در او باشد، و احوط اجتناب از هر بوی خوشی است حتی مثل قرنفل و هل و کافور و عود.

مسأله ۲۶۲: خوردن گل‌ها و میوه‌های خوشبو مانند به و سیب و ادویه جات خوشبو و معجون‌های خوشبو اشکالی ندارد، و احوط در هنگام خوردن خودداری از بوییدن آنها است.

مسأله ۲۶۳: کفاره استعمال بوی خوش (از بوییدن و خوردن و غیره) اگر زعفران یا مشک یا عنبر یا ورس باشد یک گوسفند است، و در بقیه کفاره نیست.

مسأله ۲۶۴: بر مُحرم حرام است که بینی خود را از بوی بد بگیرد، اما تند عبور کردن از آن اشکالی ندارد، و همچنین گرفتن بینی از دود و مانند آن که ضرر دارد، اشکال ندارد.

۹- لباس دوخته برای مردان

مسأله ۲۶۵: پوشیدن پیراهن و عبا و شلوار و زیرشلواری و جامه دکمه دار و درع (زره) و هر جامه‌ای که آستین دار باشد، و لو دوخته نباشد مانند لباسهای نایلون و یا کاموایی که یکسره بافته شده و مانند نمذ چوپان‌ها، بر مردان حرام است.

مسأله ۲۶۶: پوشیدن سه چیز استثنا شده و اشکالی ندارد حتی اگر دوخته باشد: همیان (که در آن پول می‌گذارند) و فتق بند و کمربند.

مسأله ۲۶۷: همانطوری که پوشیدن لباس دوخته حرام است، گره زدن مثل لنگ و رداء هم حرام می‌باشد، اما سوزن قفلی زدن و امثال آن اشکالی ندارد.

مسأله ۲۶۸: پوشیدن لباس دوخته در احرام برای زنان به هر

نحوی مانعی ندارد، و احوط استجابی این است که زنها هم به هنگام احرام ازار و رداء- که در لباس احرام گذشت - بپوشند، و فرقی ندارد زیر لباس‌ها باشد یا روی لباس‌ها.

مسأله ۲۶۹: کفاره پوشیدن لباس دوخته برای مردان اگر از روی علم و عمد باشد، یک گوسفند است.

۱۰- چکمه و جوراب

پوشیدن چکمه و جوراب و هر چیزی که روی قدم پا را می‌پوشاند. مسأله ۲۷۰: پوشیدن چکمه (خف) یا جوراب بر مرد مُحرم حرام است، و چنانچه برای مرد نعلین و مانند آن فراهم نشد و ضرورت ایجاب کرد چکمه یا جوراب بپوشد احوط این است که روی آن را بشکافد، و پوشیدن نعلی که بدون پوشش است مانعی ندارد.

مسأله ۲۷۱: زن می‌تواند جوراب و مانند آن را بپوشد، گرچه احوط نپوشیدن چیزی است که تمام پشت پا را بپوشاند.

مسأله ۲۷۲: کفاره پوشیدن چکمه و جوراب و مانند آن در صورت اختیار، یک گوسفند است.

۱۱- سرمه کشیدن

مسأله ۲۷۳: سرمه کشیدن چهار صورت دارد:

- ۱- سرمه سیاه به چشم بکشد به قصد زینت.
 - ۲- سرمه سیاه اما به قصد زینت نباشد، بلکه برای تقویت نور چشم و مانند آن باشد.
 - ۳- سرمه غیر سیاه و به قصد زینت، این سه قسم حرام است.
 - ۴- سرمه غیر سیاه و به غیر قصد زینت، حرام نیست به شرطی که زینت به حساب نیاید.
- مسأله ۲۷۴: سرمه کشیدن کفاره ندارد و باید استغفار کند، گرچه مستحب است یک گوسفند ذبح نماید.

۱۲- نگاه در آئینه

در آئینه به قصد زینت.

- مسأله ۲۷۵: نگاه مُحرم به قصد زینت در آئینه حرام است، ولی اگر به منظور زینت نباشد (مانند راننده که با نگاه در شیشه می‌خواهد پشت سر یا دو طرف خود را ببیند) اشکالی ندارد.
- مسأله ۲۷۶: نگاه کردن در آب صاف که صورت را نشان می‌دهد،

و هر چیزی که مانند آن است چه از مایعات باشد چه غیر آن، اشکالی ندارد و همچنین عینک زدن اگر برای زینت نباشد مانعی ندارد.

مسأله ۲۷۷: نگاه در آئینه برای زینت کفاره ندارد، و باید استغفار کند و مستحب است هنگام نگاه در آئینه تلبیه را تجدید کند.

۱۳- دروغ و دشنام

- مسأله ۲۷۸: دشنام و دروغ چه در حال احرام، و چه در غیرش حرام است، ولی در احرام حرمتش شدیدتر است.
- مسأله ۲۷۹: بر شخص مُحرم مفاخرت نمودن حرام است، یعنی فضایل خویش را اظهار نموده و از دیگری سلب کند، یا رذایل را برای دیگری اثبات نموده و از خود سلب نماید، اما مفاخرت اگر به حق باشد و توهین دیگری را در بر نداشته باشد، حرام نیست.
- مسأله ۲۸۰: اگر مُحرم مرتکب دروغ یا دشنام یا مفاخرت شد، احرامش صحیح بوده و کفاره‌ای جز استغفار بر او لازم نیست.

۱۴- جدال

مسأله ۲۸۱: قَسَم خوردن به کلمه «لا والله» و «بلی والله» در مقام مخاصمه به هر لغتی بر مُحرم حرام است، البته در مقام ضرورت

مانند اثبات حقّ یا از بین بردن باطل، قسم به این دو کلمه مانعی ندارد، و همچنین اگر قصدش تعظیم یا اظهار محبّت باشد اشکال ندارد، مثل اینکه بگوید تو را به خدا این کار را نکن.

مسألة ۲۸۲: در صورتی که جدال کننده در مقام قسم راستگو باشد چنانچه دو مرتبه قسم بخورد معصیت کرده، اما کفّاره ندارد بلکه به استغفار اکتفا می شود، و چنانچه بار سوم یا بیشتر قسم خورد باید یک گوسفند کفّاره بدهد، و اگر قسم به دروغ خورد بار اول کفّاره اش یک گوسفند، و بار دوم یک گاو، و بار سوم یک شتر می باشد.

۱۵- کشتن جانوران بدن

مسألة ۲۸۳: کشتن شپش و کک و پشه و انداختن آنها از بدن بر مُحرم حرام است، و چنانچه انجام داد واجب است به فقیری یک مشت طعام کفّاره بدهد، ولی جایجا نمودن آنها مانعی ندارد، اگر در معرض سقوط نباشد.

۱۶- زینت نمودن و حناگذاردن

مسألة ۲۸۴: پوشیدن زیور برای زنان به قصد زینت حرام است، البتّه آنچه که پیش از احرام عادت داشته به پوشیدنش مانعی ندارد،

ولی نباید آن را ظاهر کند، و همچنین حرام است حنا گذاردن در حال احرام بنا بر احتیاط.

مسألة ۲۸۵: بستن ساعت به دست و به چشم گذاردن عینک در حال احرام، اگر برای زینت نباشد، اشکالی ندارد.

مسألة ۲۸۶: پوشیدن انگشتر به قصد زینت بر مُحرم چه زن و چه مرد حرام است، اما به قصد استحباب اشکالی ندارد.

مسألة ۲۸۷: کفّاره زینت نمودن، بنا بر احتیاط یک گوسفند است، و در پوشیدن انگشتر کفّاره نیست.

۱۷- مالیدن روغن

مسألة ۲۸۸: مُحرم نبایستی تن خود را روغن مالی نماید، هر چند خوشبو هم نباشد، مگر در حال اضطرار که حتّی المقدور از روغن بدون بو استفاده شود.

مسألة ۲۸۹: اگر از روی علم و عمد و بدون اضطرار روغن مالی نمود، بنا بر احتیاط مستحب کفّاره اش یک گوسفند است.

۱۸- جدا نمودن مو

مسألة ۲۹۰: بر شخص مُحرم حرام است از بدن خود (البتّه از روی علم و عمد) مو جدا نماید به هر نحوی که باشد، مگر در چهار صورت:

۱- شپش بدن زیاد شود.

۲- آنکه ضرورت ایجاب کند که مو جدا شود، مانند آنکه بلندی

مو و زیادیش موجب سر درد یا ناراحتی دیگر شود.

۳- آنکه مو در پلک چشم رویده باشد که مُحرم را ناراحت نماید.

۴- آنکه مو هنگام وضو یا غسل خود به خود جدا شود.

مسأله ۲۹۱: اگر مُحرم از روی ضرورت سر خود را بتراشد

کفاره‌اش یک گوسفند می‌باشد، یا اینکه سه روز روزه بگیرد، یا

اطعام شش مسکین کند و به هر یک دو مد طعام (۱/۵ کیلو) بدهد،

و چنانچه ضرورت نباشد بنا بر اقوی یکی از این سه و احوط

گوسفند است، و اگر از روی علم و عمد موی غیر سر را بتراشد چه

تراشیدن آن در غیر وقت احرام جایز باشد (مثل موی زیر بغل) یا

حرام باشد (همانند موی صورت) بنا بر احوط کفاره‌اش یک

گوسفند است، و در صورت جهل به مسأله استغفار کند.

۱۹- پوشانیدن سر برای مردان

مسأله ۲۹۲: بر مرد مُحرم حرام است سرش را بپوشاند به هر

چیزی که باشد، حتی اگر روی سرش چیزی را حمل کند که سر را

پوشاند - بنا بر احتیاط - و همچنین پوشاندن گوش‌ها نیز جایز نیست، و جایز نیست مُحرم سرش را زیر آب فرو برد.

مسأله ۲۹۳: شخص مُحرم می‌تواند با دست سر خود را بپوشاند

گرچه احوط ترک است، البته مسح سر هنگام وضو پوشانیدن

نیست، و همچنین هنگام خواب قسمتی از سر را که بر زمین می‌گذارد

اشکالی ندارد، و زیر دوش رفتن و آب بر سر ریختن جایز است.

مسأله ۲۹۴: اگر از روی فراموشی سر خود را بپوشاند باید فوراً

آن را بر طرف کند و چیزی بر او نیست.

مسأله ۲۹۵: هرگاه مرد مُحرم سر خود را بپوشاند چه عمداً و چه

از روی اضطرار، کفاره‌اش یک گوسفند است.

۲۰- پوشانیدن صورت برای زنان

مسأله ۲۹۶: بر زن محرمه حرام است تمام صورت را با نقاب یا

غیر آن بپوشاند، اما پوشانیده شدن مقداری از صورت در خواب و

قسمتی از صورت که از باب مقدمه به جهت پوشاندن سر برای نماز

از اطراف پوشیده می‌شود، اشکالی ندارد.

مسأله ۲۹۷: اگر زن برای روگرفتن از نامحرم روسری را بر روی

صورت تا بینی یا چانه رها کرد و تماس با صورت نداشت بلکه جدا از صورت بود اشکالی ندارد.

مسألة ۲۹۸: كفارة پوشانیدن صورت برای زنان، یک گوسفند می باشد.

۲۱- زیر سایه رفتن برای مردان

مسألة ۲۹۹: برای مرد مُحرم حرام است هنگام سیر و حرکت در زیر سایه برود، یا سایبانی بر سر بگیرد، هر چند سایه سقف ماشین یا هواپیما و مانند اینها باشد، پیاده باشد یا سواره، شب باشد یا روز علی الأظهر.

مسألة ۳۰۰: رفتن زیر سایه چیزی که روی سر نباشد اشکالی ندارد، مثل اینکه در کنار ماشین و مانندش حرکت کند که از طرف چپ یا راست سایه بر او بیفتد.

مسألة ۳۰۱: شخص مُحرم می تواند با دست خود جلو آفتاب را بگیرد، و همچنین احرام در زیر سقف «مسجد شجره» اشکالی ندارد.

مسألة ۳۰۲: در جایی که مُحرم منزل می نماید، مثل قهوه‌خانه‌های بین راه یا در عرفات و منی، و همچنین وقتی به مکه معظمه می رسد و لو منزلی تهیه نکرده می تواند زیر سایه برود.

مسألة ۳۰۳: وقتی مُحرم وارد مکه معظمه شد می تواند زیر سایه برود، و

ماشین سقف‌دار سوار شود و از چتر و مانند آن استفاده کند، و همچنین اگر از «مسجد تنعیم» برای عمره مفرده مُحرم شود، زیرا جزو شهر مکه می باشد.

مسألة ۳۰۴: جایز نیست - علی الظاهر - مرد مُحرم کاری کند که فقط روی سرش سایبان نباشد و بقیه بدن سایبان داشته باشد، مثل اینکه در ماشین سقف‌دار سوار شود و سر خود را از شیشه بیرون بیاورد.

مسألة ۳۰۵: در حال احرام جایز است از زیر پل‌ها و تونل‌ها عبور کند، و هنگامی که مُحرم در عرفات یا منی منزل می کند جایز است در حال سیر زیر سایه برود، مثلاً وقتی می خواهد از خیمه‌ها برای رمی جمرات برود، می تواند از چتر و مانند آن استفاده کند، یا ماشین سقف‌دار سوار شود.

مسألة ۳۰۶: زیر سایه رفتن زنان و کودکان و همچنین مردان در حال ضرورت یا ترس از سرما و گرما، اشکالی ندارد.

مسألة ۳۰۷: كفارة زیر سایه رفتن چه اختیاریاً و چه اضطراراً یک گوسفند است، و می تواند آن را در وطن هم ذبح نماید.

۲۲- خون

بیرون آوردن خون از بدن.

مسألة ۳۰۸: بر شخص مُحرم - بنا بر احوط - جایز نیست از بدن خود خون بیرون بیاورد، با خاراندن باشد یا غیره.

مسألة ۳۰۹: کشیدن دندان چنانچه باعث جاری شدن خون شود جایز نیست و باید کفاره بدهد، مگر در حال اضطرار که اشکالی نداشته، و کفاره هم ندارد.

مسألة ۳۱۰: چنانچه عمداً از بدن خود خون بیرون آورد بنابر احتیاط مستحب یک گوسفند کفاره بدهد، و در حال ضرورت یا رفع ناراحتی اشکالی نداشته و کفاره هم ندارد.

۲۳- ناخن گرفتن

مسألة ۳۱۱: بر مُحرم حرام است تمام یا قسمتی از ناخن خود را بگیرد، مگر در صورتی که بقاء ناخن ضرر یا حرج داشته باشد (مانند اینکه ناخن کنده شده و ماندنش که سبب ناراحتی می شود که در این صورت بریدنش جایز است و کفاره هم ندارد).

مسألة ۳۱۲: کفاره گرفتن هر ناخن یک مُدّ طعام است، و تا نُه ناخن حکم همین است، و اگر به ده رسید یعنی تمام ناخن های دو دستش را در یک مجلس گرفت یک گوسفند باید کفاره بدهد و چنانچه در یک مجلس تمام ناخن های دست و پا را گرفت که مجموعاً بیست ناخن می شود باز هم کفاره یک گوسفند است، و

چنانچه در دو مجلس باشد، یعنی در یک مجلس تمام ناخن های دست را گرفت، و در مجلس دوم تمام ناخن های پا را، کفاره آن، دو گوسفند است، و تمام اینها در صورت علم و عمد است.

۲۴- غسل به کافور

غسل دادن مُحرم میت به کافور.

مسألة ۳۱۳: جایز نیست کسی را که در حال احرام مرده است به کافور حنوط نمایند، و بجای آن به آب قراح (آب مطلق) غسل می دهند، و در نتیجه دو غسل با آب قراح و یک غسل به آب سدر می شود، و چنانچه انجام شود کفاره اش استحباباً یک گوسفند است.

۲۵- برداشتن سلاح

مسألة ۳۱۴: بر مُحرم پوشیدن اسلحه جنگی در حال اختیار حرام است، و همچنین جایز نیست خود را مسلح نماید، حتی اگر با نشستن در داخل تانک و امثال آن باشد، و چنانچه ضرورت ایجاب نماید حتی المقدور باید سلاح ظاهر نباشد، مگر اینکه ضرورت در اظهارش باشد.

مسألة ۳۱۵: در حال اختیار کفاره برداشتن سلاح - بنابر احوط استحبابی - یک گوسفند است.

درخت و گیاه و گندم

- مسألة ۳۱۶: کندن و بریدن هر چیزی که در محدوده حرم روییده باشد بر مُحرم و غیر مُحرم حرام است، مانند درخت و گیاه حرم.
- مسألة ۳۱۷: از این حکم چند مورد استثنا شده است:
- ۱- «اذخر» که گیاه معروفی است.
 - ۲- نخل خرما و درخت میوه دار.
 - ۳- علف‌هایی که خوراک شتر است.
 - ۴- علف و درختی که در ملک یا خانه شخص می‌روید، یا خود شخص آن را می‌کارد و می‌نشانند.
- مسألة ۳۱۸: همانطوری که کندن درخت و گیاه حرم بر مُحرم حرام است، کندن درخت و گیاه غیر حرم نیز بر او تا زمانی که در احرام است حرام می‌باشد.
- مسألة ۳۱۹: راه رفتن به نحو متعارف اگرچه موجب قطع بعض گیاه حرم شود اشکال ندارد، و همچنین رها کردن حیوانات چرنده برای چریدن اشکالی ندارد.
- مسألة ۳۲۰: کفّاره کندن و بریدن درخت و گیاه از روی علم و عمد در درخت بزرگ یک گاو و در درخت کوچک یک گوسفند است، و در شاخه‌ها و برگ‌ها قیمت آنها را صدقه بدهد، و در علف‌ها استغفار نماید. و اگر از روی جهل به مسأله یا فراموشی و امثالش باشد کفّاره ندارد.

چند مسأله

- مسألة ۳۲۱: حدود حرم اطراف شهر مکه می‌باشد و یک برید است و هر برید چهار فرسخ و هر فرسخ تقریباً پنج ونیم کیلومتر می‌باشد، البتّه از طرف شمال مسجد تنعیم خارج از محدوده حرم است.
- مسألة ۳۲۲: آنچه را که باید مُحرم به جهت کفّاره ذبح کند اگر در احرام عمره بود در مکه مکرمه ذبح نماید، و اگر در احرام حج بود در منی ذبح کند، و آن را به فقرای مؤمنین یا وکیل آنها بدهد.
- مسألة ۳۲۳: چنانچه در مکه معظمه یا منی کفّاره را ذبح نکرد، یا در آنجا فقرای مؤمنین نبودند باید در شهر خود یا جای دیگر کفّاره را ذبح کند، و به فقرای مؤمنین بدهد.
- مسألة ۳۲۴: در هر موردی که کفّاره گوسفند است، می‌تواند بجای آن بز ذبح کند.

مسأله ۳۲۹: شرط اوّل: نیت است و باید طواف قربة الى الله تعالى انجام شود، و بدون قصد قربت باطل است، البتّه به زبان آوردن آن لازم نیست گرچه مستحب است، پس می‌گوید: طواف می‌کنم دور خانه کعبه هفت شوط برای عمره تمتع قربة الى الله تعالى. مسأله ۳۳۰: شرط دوم: طهارت از حدث اکبر و اصغر می‌باشد (یعنی با وضو باشد و غسلی به گردش نباشد) البتّه این شرط در طواف عمره و حج لازم است، و اما طواف مستحبی تنها - که مربوط به عمره و حج نیست - طهارت (با وضو بودن) در آن مستحب است گرچه در نمازش لازم است (البتّه جنب یا حائض نمی‌تواند حتی طواف مستحب انجام دهد، زیرا دخول در مسجد الحرام بر او حرام است) بنابراین طواف عمره یا حج بدون وضو یا غسل (اگر غسلی به گردش نباشد) باطل است.

مسأله ۳۳۱: زن مستحاضه چنانچه احکام استحاضه را رعایت نماید - همان طوری که در نماز بیان شده است - طوافش صحیح می‌باشد.

مسأله ۳۳۲: اگر شک کرد در طهارت حدیثیه (یعنی نمی‌داند وضو گرفته یا نه، یا غسلی بر گردش بوده یا نه) چنانچه بعد از تمام شدن

۲- طواف

مسأله ۳۲۵: دوم از اعمال عمره تمتع: طواف خانه خدا است، یعنی هفت مرتبه کعبه معظمه را دور بزند.

مسأله ۳۲۶: همان طوری که طواف در عمره تمتع واجب است، در حج تمتع، عمره و حج قران، عمره و حج افراد و در عمره مفرده تنها نیز، واجب می‌باشد.

مسأله ۳۲۷: این طواف (چه در عمره و چه در حج) از ارکان است، و با ترک عمدی آن، عمره و حج باطل می‌شود، برخلاف طواف نساء.

شرایط طواف

مسأله ۳۲۸: در طواف چند چیز شرط است:

- ۱- نیت.
- ۲- طهارت از حدث.
- ۳- پاک بودن بدن و لباس.
- ۴- ختنه کردن.
- ۵- ستر عورت.
- ۶- مباح بودن لباس و مرکب.

طواف باشد طواف او صحیح است، و اگر در اثناء باشد چنانچه به طهارت پیش از طواف یقین داشته است، بنا را بر طهارت می‌گذارد و طواف را تمام می‌نماید و طوافش صحیح می‌باشد.

اما اگر قبلاً یقین داشته که محدث بوده و نمی‌داند که با طهارت وارد طواف شده یا نه، و یا اینکه حالت سابقه را نمی‌داند در این صورت بنا را بر حدث می‌گذارد، پس اگر طواف عمره یا حج است باید آن را قطع نماید و تحصیل طهارت کند، و اگر طواف مستحبی تنها است می‌تواند طواف را تمام نماید، و صحیح خواهد بود.

مسأله ۳۳۳: اگر بعد از طواف متوجه شود که طهارت نداشته، یعنی بدون وضو یا غسل بوده، در طواف واجب باید اعاده نماید.

مسأله ۳۳۴: کسی که نمی‌تواند وضو بگیرد یا غسل کند، مثلاً چون آب برای او ضرر دارد، باید تیمم نموده و طواف کند.

مسأله ۳۳۵: اگر در وسط طواف حدثی از او خارج شد چنانچه بیش از نصف طواف را انجام داده - یعنی سه شوط و نیم - باید طهارت بگیرد سپس دنباله طواف را ادامه دهد، مگر موالات طواف از بین رفته باشد، و اگر به نصف نرسیده باشد باید طواف را از سر بگیرد.

مسأله ۳۳۶: چنانچه مُحَرَّم در اثناء طواف متوجه شد که جنب یا حائض است، هر طوافی باشد چه واجب و چه مستحب باید قطع نماید، و فوراً از مسجد الحرام خارج شود.

مسأله ۳۳۷: اگر زن در اثناء طواف واجب حائض شد باید طواف را قطع نموده از مسجد خارج شود، و پس از پاک شدن و غسل نمودن برگردد، و چنانچه قبلاً بیشتر از نصف طواف نکرده بود از اول شروع می‌کند، و اگر تا وقت پاک شدن به خاطر عذری نمی‌توانست در مکه معظمه بماند تا خودش طواف را انجام دهد یا تکمیل کند، باید برای انجام وظیفه اش نایب بگیرد.

مسأله ۳۳۸: کسی که غسل مسّ میّت بر او واجب شده باشد باید آن را انجام دهد، سپس طواف نماید علی‌الأحوط.

مسأله ۳۳۹: شرط سوم: طهارت از نجاست است در بدن و لباس مگر نجاستی که در نماز بخشوده شده است، مانند خون کمتر از درهم و خون قروح و جروح و غیره گرچه اجتناب از آن احوط است.

مسأله ۳۴۰: اگر عالماً عامداً با بدن یا لباس نجس طواف نمود طوافش باطل است، و چنانچه در وقت شروع به طواف نجاست را

نمی دانسته و قبل از رسیدن به نصف طواف متوجه شد، اگر با کندن لباس و غیره توانست فوراً نجاست را رفع نماید، و باقیمانده طواف را با طهارت انجام دهد طواف صحیح است، و گرنه طواف باطل است و چنانچه بعد از نصف باشد فوریت شرط نیست.

مسألة ۳۴۱: اگر از باب جهل به نجاست، یا جهل به اینکه طواف مشروط به طهارت است، یا به علت فراموشی و غفلت با بدن یا لباس نجس طواف کرد، طوافش صحیح است.

مسألة ۳۴۲: شرط چهارم: باید مرد ختنه کرده باشد، و همچنین است پسر بالغ و این شرط خاص به ذکور است، بنابراین طواف مردان، بدون ختنه صحیح نیست.

مسألة ۳۴۳: شرط پنجم: ستر عورت است بر مرد و زن و همان طوری که در نماز ستر عورت لازم است در طواف نیز لازم می باشد، و همان شرایطی که در لباس نمازگزار معتبر است، در لباس طواف کننده نیز لازم می باشد.

مسألة ۳۴۴: اگر لباس احرام در حال طواف از روی او افتاد، چنانچه مسافت کمی بدون احرام رفته باشد باید برگردد و احرام

پوشیده و از همان جایی که احرام افتاده بود به طواف خود ادامه دهد.
مسألة ۳۴۵: شرط ششم: مباح بودن لباس و مرکب است، پس اگر لباس انسان در حال طواف غصبی باشد، یا مرکبی که بر آن سوار شده (چنانچه سواره طواف می کند) طوافش باطل است.

واجبات طواف

مسألة ۳۴۶: در طواف چند چیز واجب است:

- ۱- ابتدا به حجرالأسود.
 - ۲- ختم به حجرالأسود.
 - ۳- خانه کعبه را طرف چپ خود قرار دهد.
 - ۴- حجر اسماعیل عليه السلام را داخل در طواف کند.
 - ۵- بدن از خانه کعبه خارج باشد.
 - ۶- هفت شوط طواف کند.
 - ۷- اشواط طواف پشت سر هم باشد.
 - ۸- بنا بر احتیاط چنانچه مشقتی نباشد، طواف بین مقام ابراهیم عليه السلام و خانه کعبه باشد.
- مسألة ۳۴۷: اول از واجبات طواف: باید شروع هر یک از هفت

شوط طواف از حجرالأسود باشد، و بنا بر احتیاط استحبابی اولین جزء بدن محاذی با اولین جزء حجرالأسود شود.

مسألة ۳۴۸: دوم از واجبات طواف: باید ختم هر یک از هفت شوط به حجرالأسود باشد.

مسألة ۳۴۹: سوم از واجبات طواف: باید خانه کعبه در تمام حالات طواف در طرف شانه چپ طواف کننده باشد، البته دقت عقلی در اینکه شانه چپ محاذی با دیوار کعبه باشد لازم نیست، و مراعات وضع مناره‌های فعلی لزومی ندارد، گرچه احتیاط بهتر است.

مسألة ۳۵۰: اگر کعبه معظمه در طرف چپ واقع نشود، یعنی در مقابل یا پشت سر یا طرف راست باشد طواف باطل است، و چنانچه این عمل از روی جهل به مسأله باشد، باید طواف را اعاده نماید.

مسألة ۳۵۱: چنانچه بر اثر ازدحام جمعیت از مسیر خود منحرف شود، یعنی شانه چپ او به طرف کعبه نباشد در مسافت بسیار کم مانند یک یا دو گام طواف صحیح است، و اعاده لازم نیست.

مسألة ۳۵۲: کسانی که آنها را به وسیله مخصوصی طواف می‌دهند، رعایت محاذات عرفی شانه چپ با دیوار کعبه لازم است.

مسألة ۳۵۳: علی‌الأحوط طواف باید با استقامت و راست بودن بدن انجام شود، و در حال خمیدگی صحیح نخواهد بود، مگر برای افرادی که بیمار می‌باشند، یا بر اثر کهولت سن کمرخمیده شده‌اند.

مسألة ۳۵۴: چهارم از واجبات طواف: باید حجر اسماعیل عليه السلام را داخل در طواف بنماید، یعنی نمی‌تواند از یکی از دهانه‌های حجر اسماعیل عليه السلام داخل شده، و از دیگری بیرون رود، بلکه باید دور آن بگردد.

مسألة ۳۵۵: پنجم از واجبات طواف: باید بدن خارج از خانه کعبه باشد، یعنی دور خانه خدا طواف کند نه داخل آن، اما اگر از روی شاذروان (شیبی دور خانه خدا) عبور کرد و یا از روی دیوار حجر اسماعیل طواف نمود، اشکالی ندارد گرچه ترکش بهتر است، و بنابراین دست کشیدن به دیوار خانه خدا در هنگام طواف و روی دیوار حجر اسماعیل جایز است، گرچه خلاف احتیاط است.

مسألة ۳۵۶: ششم از واجبات طواف: باید هفت دور کامل طواف کند از حجرالأسود تا حجرالأسود، و کم و زیاد کردن آن بنا بر احتیاط، موجب بطلان است.

مسألة ۳۵۷: اگر به خاطر عذری مانند بیماری یا حدوث حدث و

مانندش طواف را قطع کرد، چنانچه بیش از نصف طواف را انجام داده بود، وقتی عذر مرتفع شد باقیمانده را انجام می‌دهد و کافی خواهد بود، و اگر از نصف تجاوز نکرده بود باید از اول شروع نماید.

مسأله ۳۵۸: هرگاه در بین نماز طواف متوجه شود که طوافش ناقص بوده، باید نماز را قطع نماید و طواف را تکمیل نماید، چه از نصف طواف گذشته یا نگذشته باشد و چه شروع در نماز جهلاً و یا از روی فراموشی و غفلت بوده، و اگر بعد از نماز متوجه شد باید طواف را تکمیل نماید، و احوط اعاده نماز است.

مسأله ۳۵۹: هرگاه مشغول سعی شد و متوجه شد که طوافش ناقص بوده، باید سعی را قطع نماید و طواف را تکمیل کند، هر چند باقیمانده طواف بیش از نصف باشد، و احتیاطاً نماز طواف را اعاده نماید سپس سعی را کامل نماید گرچه کمتر از نصف سعی را انجام داده باشد، البته مستحب است طواف و سعی را از اول انجام دهد.

مسأله ۳۶۰: هرگاه در بین طواف، وقت نماز واجب فرا رسید مستحب است که طواف را قطع نماید، و نماز فریضه را انجام دهد و سپس طواف را تکمیل کند، هر چند قبل از نصف طواف باشد.

مسأله ۳۶۱: هرگاه بعد از فراغت از طواف شک کند در عدد شوط‌های هفتگانه، چنانچه یک طرف شک عدد «۷» باشد اعتنا به شک نکند (همانند شک بین ۶ و ۷ یا ۷ و ۸) و طواف او صحیح است، و اگر هیچ یک از دو طرف شک عدد «۷» نباشد باید طواف را اعاده کند (همانند شک بین ۵ و ۶، یا ۶ و ۸).

مسأله ۳۶۲: هرگاه در حین طواف در زیاده شک کند، در صورتی که یقین به هفت شوط داشته باشد طواف را قطع نماید، و طواف صحیح خواهد بود.

مسأله ۳۶۳: هرگونه شک در عدد شوط‌های طواف باعث بطلان طواف می‌شود، مگر در مواردی که گذشت. این مسائل شک مربوط به طواف حج و عمره بود که از آن تعبیر به طواف فریضه می‌شود.

مسأله ۳۶۴: هرگاه در هنگام طواف مستحب مثل طواف ابتدایی و طواف وداع شک در تقیصه نماید بنا را بر اقل بگذارد و تکمیل نماید و طواف صحیح خواهد بود، و در طواف نذری و یا طواف ابتدایی استیجاری نیز همین حکم جریان دارد.

مسأله ۳۶۵: هرگاه در بین طواف شک نماید بین تقیصه و زیاده و

کمال (مثلاً بین ۶ و ۷ و ۸) باید طواف را از سر بگیرد، و همچنین اگر شک بین نقیصه و زیاده داشته باشد (مثلاً بین ۶ و ۸) باید طواف را اعاده کند، و همچنین اگر در اصل عدد شک نماید که نداند چند شوط انجام داده، طواف را اعاده کند.

مسألة ۳۶۶: ظنّ (گمان) مادامی که به حدّ علم عادی نرسیده است در حکم شک می باشد.

مسألة ۳۶۷: در عدد اشواط می توان به بیّنه (دو شاهد عادل) و ثقة واحد (یک شخص مورد اطمینان) گرچه طفل یا زن یا فاسق باشد اعتماد نمود.

مسألة ۳۶۸: اگر در بین طواف شک کرد و طواف را از سر گرفت و در بین طواف دوم عدد طواف اول معلوم شد، اگر عدد کامل بوده طواف دوم را قطع نماید، و اگر طواف اول کم داشته همان مقدار کم را تدارک نماید کافی است و لازم نیست دوم کامل شود.

مسألة ۳۶۹: هفتم از واجبات طواف: باید طواف پشت سر هم و پی در پی انجام شود و خود شخص مباشرةً انجام دهد، مگر اینکه به هیچ وجهی بر آن قدرت نداشته باشد، که در این صورت باید نایب بگیرد.

مسألة ۳۷۰: اگر عمداً مقداری از طواف واجب را ترک کرد چنانچه عمل منافی با موالات انجام نداده - یعنی فاصله زیاد نشده - واجب است آن را تکمیل نماید، و اگر عمل منافی با موالات انجام داده باید طواف را از سر بگیرد.

مسألة ۳۷۱: هشتم بنا بر احتیاط با نبود مشقت فاصله شخص با دیوار خانه خدا از تمام اطراف در محدوده بیست و شش ذراع و نیم باشد یعنی طواف بین مقام ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام و خانه خدا انجام شود، البته وقتی به آخر حجر اسماعیل عَلَيْهِ السَّلَام می رسد فاصله شش ذراع و نیم می شود.

مسألة ۳۷۲: اگر فاصله را بیشتر قرار داد، یعنی دور از مسافت ۲۶/۵ ذراع طواف کرد، در حال مشقت اشکالی ندارد.

چند مسأله

مسأله ۳۷۳: شخص بیماری که خودش قادر به طواف نیست، چنانچه تا وقت باقی است و امید بهبودی دارد طواف را تا موقع بهبودی تأخیر بیندازد، و اگر امیدی نبود یا بهبودی نیافت باید او را طواف بدهند به هر وسیله‌ای که ممکن است، و چنانچه آن هم ممکن نبود برای او نایب گرفته می‌شود.

مسأله ۳۷۴: اگر شک کند که طواف کرده یا نه، چنانچه داخل عمل بعدی نشده است باید طواف را انجام دهد، و اگر داخل عمل بعدی شده بنا بگذارد که طواف را انجام داده است.

مسأله ۳۷۵: اگر شک کند که طواف را با شرایط لازم انجام داده یا نه، چنانچه شک بعد از طواف باشد بنا را بر صحت بگذارد، و اگر در بین طواف باشد مقداری که انجام شده صحیح است، و نسبت به باقیمانده باید احراز شرایط نماید.

مسأله ۳۷۶: هرگاه بعد از اتمام طواف شک کند که شرایط صحت را داشته یا نه، مثلاً طهارت داشته یا نه، بنا بر صحت بگذارد.

مسأله ۳۷۷: اگر بعد از تمام شدن اعمال حج یقین پیدا کرد یکی

از دو طواف (طواف زیارت یا طواف نساء) را انجام نداده است، یک طواف به قصد مافی الذمه انجام دهد کافی است.

مسأله ۳۷۸: طواف در هر یک از عمره و حج رکن است، و چنانچه عمداً ترک شود عمره یا حج باطل می‌شود، و چنانچه وقتش بگذرد باید عمره یا حج را اعاده نماید.

مسأله ۳۷۹: اگر از روی جهل به مسأله طواف زیارت را به کلی ترک نمود باید حج را اعاده کند - علی‌الأحوط - و اگر طواف نساء را جهلاً ترک کند اعاده حج لازم نیست بلکه باید همان طواف را قضا نماید، و اگر امکان قضا ندارد نایب بگیرد، و اگر طواف نساء را عمداً ترک کند لازم نیست حج را اعاده نماید، و در این صورت کفاره لازم نیست.

مسأله ۳۸۰: هرگاه طواف زیارت یا عمره چه مفرده و چه تمتع را عمداً ترک کرد واجب است عمره را اعاده نماید، و کفاره شتر لازم نیست، و اگر از روی جهل ترک نماید فقط قضای طواف لازم است و اعاده و کفاره ندارد، و در احکام بیان شده در دو مسأله فرقی نمی‌باشد بین حج واجب و مستحب و عمره واجب و مستحب چه نیابتاً باشد و چه اصالتاً.

مسأله ۳۸۱: اگر از روی جهل به مسأله طواف زیارت را ترک کرد

و تا آخر ذی الحجه نتوانست آن را اعاده کند و قدرت بر کفاره شتر نداشت حج و کفاره ساقط می شود، و چنانچه قدرت مالی داشته باشد بعد از مرگش قضا می شود و الا چیزی بر او نیست، و بنا بر اظهار زن بر او حرام نیست، چه در سال آینده قدرت بر انجام حج داشته باشد یا نداشته باشد.

مسألة ۳۸۲: اگر طواف نساء را جهلاً - چه از حج و چه از عمره مفرده - ترک نماید تا وقتی خودش یا نایبش طواف را قضا نکند، زن بر او حرام است، و همین حکم در صورت فراموشی هم جریان دارد علی الأظهر. مسألة ۳۸۳: اگر کسی عمره مفرده را انجام داد، و از روی جهل طواف نساء را ترک کرد ولی بعد از آن حج را با طواف نساء آن انجام داد، یا بالعکس یعنی حج را بدون طواف نساء انجام داد و بعدش عمره مفرده را همراه با طواف نساء بجا آورد، یا دو عمره مفرده بجا آورد و در اولی جهلاً طواف نساء را ترک نمود و در دومی انجام داد زن بر او حرام نیست، چه در این موارد بالاصاله باشد یا به نیابت و یا مختلف.

مسألة ۳۸۴: کسی که در عمره مستحبی و حج مستحبی یا تبرعی طواف را ترک نماید اعاده و کفاره بر او واجب نیست، لکن اگر

طواف نساء را ترک کرده باشد در صورت امکان باید خودش قضا نماید، و در صورت عدم امکان یا عسر و حرج نایبش قضا کند، و مادامی که قضا انجام نشده زن بر او حرام است.

مسألة ۳۸۵: اگر کسی در عمره یا حج اجیر بود و طواف زیارت را ترک کرد به طوری که عمره و حج باطل شد اجاره باطل نیست، و مجدداً باید عمره یا حج را اعاده نماید مگر اینکه اجاره مقید به همان وقتی باشد که عمره یا حج باطل شده در این صورت اجاره باطل است، و اجرت را پس می دهد.

مسألة ۳۸۶: چنانچه از روی فراموشی طواف حج یا عمره را ترک نمود فقط باید طواف را قضا کند و بقیه اعمالش باطل نیست، و اگر برای خودش امکان نداشت باید نایب بگیرد.

مسألة ۳۸۷: هرگاه عمداً یا جهلاً طواف را ترک کرد پس از انجام سایر اعمال مُجَل می شود یعنی از احرام بیرون می آید، و احوط این است که آنچه را ترک نموده انجام دهد تا از احرام بیرون بیاید.

مسألة ۳۸۸: اگر از حرم خارج شد سپس برای اعاده عملی که لازم است با احرام انجام شود خواست به حرم برگردد، باید برای انجام آنچه فوت شده مُحرم شود.

۳- نماز طواف

مسأله ۳۹۵: سوم از واجبات عمره تمتع: دو رکعت نماز طواف است.
 مسأله ۳۹۶: واجب است بعد از طواف فوراً دو رکعت نماز طواف را (که مثل نماز صبح است ولی اقامه ندارد و بلند خواندن قرائتش بر مردان واجب نیست) نزد مقام ابراهیم علیه السلام یا پشت آن بجا آورد.
 مسأله ۳۹۷: می توان نماز طواف را در طرف راست و چپ و پشت مقام ابراهیم علیه السلام بجا آورد، و هر چه به مقام نزدیک تر باشد بهتر است، و در وضع فعلی که ازدحام جمعیت زیاد است و مشقت دارد که نزدیک مقام نماز را بخواند دورتر خواندن مانعی ندارد.
 مسأله ۳۹۸: این حکم مربوط به نماز طواف عمره و حج است، اما نماز طواف ابتدایی را بنا بر احتیاط فقط در صورت اضطرار می توان در تمام مسجد الحرام خواند.
 مسأله ۳۹۹: اگر کسی نماز طواف را فراموش کرد تا زمانی که در مکه معظمه است باید برود نزد مقام ابراهیم علیه السلام و نماز را قضا نماید، و اگر از مکه معظمه بیرون رفت و مسافرت نموده هر جا یابدش آمد قضا نماید، گرچه احوط استحبایی برگشتن به

مسأله ۳۸۹: هرگاه طواف یا نماز طواف یا سعی را فراموش کند که محتاج به قضا باشد لازم نیست قضا در ماههای حج (شوال، ذی القعدة و ذی الحجه) باشد.
 مسأله ۳۹۰: هرگاه شک نماید آنچه ترک شده طواف حج بوده است یا طواف عمره یک طواف به قصد ما فی الذمه انجام دهد کافی است.
 مسأله ۳۹۱: چنانچه طواف واجب حج یا عمره را فراموش کند، و با همسرش نزدیکی (جماع) نماید کفارہ (شتر) بر او واجب نیست.
 مسأله ۳۹۲: هرگاه طواف نساء را فراموش کرد زن بر او حرام است تا زمانی که خودش آن را قضا نماید، و اگر شخصاً تمکن از قضا نداشت، نایب بگیرد و اگر می توانست در سال جاری نایب بگیرد و شخصاً نمی توانست آن را قضا کند اما برای سال بعد شخصاً قادر بر قضا بود باید نایب بگیرد علی الاقوی.
 مسأله ۳۹۳: در مسأله قبلی چنانچه طواف وداع را انجام داده باشد جایگزین طواف نساء می شود، و نیازی به قضا نیست.
 مسأله ۳۹۴: در احکام مذکوره طواف فرقی بین زن و مرد و ختنی نیست، و طواف نساء مثل طواف حج و طواف عمره برای همه رکن است.

مسجدالحرام و قضا نمودن نزد مقام ابراهیم علیه السلام است، و اگر در برگشت مشکل بود اولی نایب گرفتن است برای قضا نزد مقام ابراهیم علیه السلام.

مسأله ۴۰۰: برکسی که قرائت نمازش صحیح نیست واجب است علی الأقوی قرائت خود را اصلاح نماید، و اگر نتوانست اصلاح نماید به هر اندازه‌ای که می‌تواند انجام دهد، و نایب گرفتن کافی نیست.

مسأله ۴۰۱: هرگاه دو رکعت نماز طواف را نزد مقام ابراهیم علیه السلام عمدتاً ترک نماید یا نماز را باطل خواند واجب است برگردد و نماز را پشت مقام ابراهیم علیه السلام بخواند، و اگر امکان برگشت نبود هر جا که هست نماز را بخواند و احتیاطاً نایب هم بگیرد که نزد مقام ابراهیم علیه السلام نماز را بجا آورد، و تا وقتی که نماز انجام نشده احوط اجتناب از زن است.

مسأله ۴۰۲: هرگاه نماز طواف را از روی جهل یا سهو یا فراموشی ترک کرد اعمال بعد از نماز صحیح است، و احتیاج به اعاده آنها نیست ولی اگر عمدتاً آن را ترک کند، احوط وجوبی اعاده اعمال بعدی است.

مسأله ۴۰۳: اگر کسی که نماز طواف را فراموش کرده و قضای آن را انجام نداده فوت کند، واجب است ولیّش قضا نماید.

مسأله ۴۰۴: لازم نیست قضای نماز طواف در ماههای حج باشد،

و در مسایل قضای نماز طواف فرقی بین اقسام مختلف حج و عمره نیست، و همچنین لازم نیست که قضای نماز با لباس احرام باشد.

مسأله ۴۰۵: نماز طواف را می‌توان با جماعت خواند.

مسأله ۴۰۶: مکروه است که دو طواف را پی‌درپی انجام دهد به صورتی که بعداً دو نماز برای هر دو بجا آورد، بلکه بعد از هر طواف نماز آن را بخواند.

مسأله ۴۰۷: زنی که قبل از نماز طواف یا در هنگام طواف حائض شود اگر چهار شوط یا بیش تر طواف کرده باشد باید بقیه طواف و نماز را تأخیر اندازد و فوراً از مسجد الحرام خارج شود، و اعمال دیگر عمره را از سعی و تقصیر تکمیل نموده، بعد از پاکی باقیمانده طواف و نماز را بجا می‌آورد و لازم نیست سعی را اعاده کند، و در عمره تمتع مخیر است بین اینکه قبل از وقوف به عرفات برای انجام بقیه طواف و نماز آن، نایب بگیرد و یا پس از پاکی قبل از طواف حج آن را بجا آورد.

مسأله ۴۰۸: زنی که حائض شد و هنوز چهار شوط طواف را تکمیل نکرده باشد باید طواف را قطع نموده فوراً از مسجدالحرام خارج شود، پس اگر قبل از وقوف به عرفات در روز نهم پاک شد

طواف را از سر گرفته و بقیه اعمال عمره را تکمیل می‌کند و گرنه می‌تواند حج خود را به «حج افراد» تبدیل کرده به عرفات رود و دیگر اعمال حج افراد را بجا آورده پس از آن عمره مفرده بجا آورد و یا اینکه سعی نموده و تقصیر کند و از احرام خارج شود سپس برای حج مُحرم شود و به عرفات رفته و باقی اعمال را انجام دهد و قضای طواف عمره و نمازش را قبل از طواف حج بجای آورد.

۴- سعی

مسألة ۴۰۹: چهارم از اعمال عمره تمتع: سعی بین صفا و مروه می‌باشد. و واجبات سعی عبارت است از:

- ۱- نیت.
 - ۲- شروع از صفا و ختم به مروه.
 - ۳- عدد، یعنی هفت مرتبه مسافت را طی کند.
 - ۴- مقادیم بدن به طرف صفا و مروه باشد.
 - ۵- لباس و کفش و سواری انسان مباح باشد.
- مسألة ۴۱۰: «سعی» عبارت است از: رفت و آمد بین دوکوه صفا و مروه هفت بار، به این معنی که از صفا شروع می‌کند و به مروه می‌آید و

این یک بار محسوب می‌شود، سپس از مروه به صفا بر می‌گردد و این بار دوم است، و از صفا به مروه سوم، و همچنین تا سرانجام بار هفتم در مروه ختم می‌شود، و مجموع چهار رفت و سه برگشت هفت مرتبه می‌شود.

مسألة ۴۱۱: چنانچه سعی بین صفا و مروه عمدتاً ترک شود تا وقت بگذرد چه در حج و چه در عمره موجب بطلان است، و اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله یا غفلت و یا اضطرار ترک شد حج و عمره باطل نمی‌شود، بلکه باید فقط سعی را شخصاً قضا نماید، و اگر امکان ندارد نایب بگیرد و لو بعد از ذی‌الحجه باشد.

مسألة ۴۱۲: واجب است در سعی نیت کند و قصد قربت و اخلاص نموده و تعیین نماید در عمره است یا حج، مثلاً بگوید: سعی بین صفا و مروه بجا می‌آورم برای عمره تمتع قربه الی الله تعالی.

مسألة ۴۱۳: طهارت حدتیه (یعنی وضو یا غسل کافی از وضو) و طهارت خبثیه (یعنی پاکی بدن و لباس از نجاست) در سعی شرط نیست بلکه هر دو مستحب است، بنابراین بدون وضو یا در حال جنابت و حیض و همچنین با بدن یا لباس نجس سعی صحیح است.

مسألة ۴۱۴: مستحب است بعد از طواف و نماز طواف و قبل از

ورود در سعی، حجرالاسود را استلام کند، و همچنین آشامیدن آب از زمزم، و ریختن مقداری از همان آب بر بدن و سر مستحب می باشد.

مسأله ۴۱۵: هنگام شروع سعی از صفا لازم نیست که پشت پا، به سنگ‌های صفا برسد، و همچنین لازم نیست در مروه انگشتان پا به سنگ‌های مروه برسد، بلکه طبق متعارف کافی است، گرچه چسباندن پا بهتر است.

مسأله ۴۱۶: جایز است انسان بعد از طواف، سعی را تأخیر بیندازد تا کمی استراحت نماید، اما نمی توان به فردا تأخیر انداخت، گرچه بنا بر اقوی تأخیر تا شب جایز است.

مسأله ۴۱۷: می تواند بین طواف واجب و سعی، یک طواف مستحب انجام دهد.

مسأله ۴۱۸: سوار شدن در حال سعی جایز است، گرچه پیاده روی در صورت امکان بهتر است، و باید مرکب و سواری او غضبی نباشد، و بنا بر احتیاط چیز غضبی همراه خود بر ندارد.

مسأله ۴۱۹: لازم است وقتی از صفا به مروه می آید، مقادیم بدن (قسمت جلوی بدن) به طرف مروه باشد، و وقتی از مروه به صفا بر

می گردد مقادیم بدن به طرف صفا باشد، ولی برگرداندن صورت گاه گاهی به این طرف و آن طرف یا التفات به پشت سر مانعی ندارد، و می تواند در حال ایستادن تمام بدن را به طرف دیگر حرکت دهد.

مسأله ۴۲۰: سعی در طبقه فوقانی و پشت بام مانعی ندارد و صحیح است، گرچه بهتر است با عدم عسر و حرج بر طبقه زمینی اکتفا شود.

مسأله ۴۲۱: نباید در حال سعی از مسیر سعی خارج شود، مثلاً وارد مسجدالحرام گردد یا به بازار برود، اما خوردن آب در جاهایی که کنار سعی درست کرده اند اشکالی ندارد.

مسأله ۴۲۲: «هروله» در محل معینی بین صفا و مروه که با دو چراغ سبز علامت گذاری شده برای مردان مستحب است، و برای زنان هروله نیست، و نایب به وظیفه خود عمل می کند چه منوب عنه زن باشد و چه مرد.

مسأله ۴۲۳: سعی باید هفت شوط کامل باشد، کم و زیاد کردن عمدی آن موجب بطلان حج یا عمره خواهد شد، و اما اگر سهواً یا از روی فراموشی یا ندانستن حکم کم کرد هر وقت متوجه شد باقیمانده را تکمیل کند، و چنانچه زیاد شد زیادی را لغو نماید و سعیش صحیح است.

مسأله ۴۲۴: اگر بعد از تمام شدن سعی شک در شرایطش بنماید، به شک خود اعتنا نکند.

مسأله ۴۲۵: اگر بعد از تمام شدن سعی شک در عدد اشواط کرد به طوری که هیچ یک از اطراف شک عدد صحیح «۷» نبود (همانند شک بین ۶ و ۸ یا بین ۵، ۶ و ۸) سعی را باید اعاده نماید.

مسأله ۴۲۶: هرگاه در اثنای سعی شک کند چنانچه این شک در صفا بود و یقین به زوجیت داشت، یا در مروه بود و یقین به فردیت داشت (مثلاً در صفا شک می نماید که شوط چهارم است یا ششم، و یا در مروه شک می کند سوم است یا پنجم) سعی او صحیح است و بنا بر اقل بگذارد و باقیمانده را تکمیل نماید. و اگر در صفا یقین به فردیت و یا در مروه یقین به زوجیت داشت سعی باطل است، و همچنین اگر در هر یک از صفا و مروه شک در زوجیت و فردیت داشت سعی باطل است، و چنانچه در بین راه استراحت کرده و نمی داند باید به مروه برود یا به صفا سعی باطل است، و در موارد بطلان باید از اول شروع نماید.

مسأله ۴۲۷: چنانچه شک بین عدد «۷» و زیادتر بنماید به طوری که منافعی با شروع از صفا نباشد، مانند اینکه در مروه شک بین «۷» و «۹» بنماید سعی صحیح است و بنا بر اقل گذاشته می شود.

مسأله ۴۲۸: اگر علم اجمالی پیدا کرد که سعی یا ناقص بوده یا زاید، مثلاً یقین دارد که یا «۶» شوط انجام داده یا «۸» شوط و یا شک داشت بین اقل و اکثر و کامل (بین ۶، ۷ و ۸) بنا بر اقل که «۶» است بگذارد و سعی را تکمیل نماید، و صحیح خواهد بود، گرچه احوط اعاده آن می باشد.

مسأله ۴۲۹: چنانچه پس از فراغت از سعی یقین پیدا کرد سعی ناقص بوده (چه یک شوط چه بیشتر) همان مقدار ناقص را انجام دهد کافی است، و اگر تمکن نداشت باید نایب بگیرد.

مسأله ۴۳۰: واجب است که سعی بعد از نماز طواف باشد، و جایز نیست در حال اختیار سعی را بر نماز طواف مقدم بدارد، اما در حال اضطرار (مانند ناپاک بودن زن) می تواند سعی را مقدم بدارد.

مسأله ۴۳۱: موالات (بی درپی بودن) در اشواط سعی واجب نیست، بلکه می تواند در بین صفا و مروه یا روی هر دو کوه بنشیند و استراحت کند، و یا مشغول شود به کار دینی (مثل نماز) یا کار عادی (مانند اینکه برود غذا بخورد و برگردد) سپس باقیمانده سعی را کامل نماید، البته نه اینکه فاصله خیلی زیاد شود به طوری که از

روزی به روز دیگر تأخیر بیندازد، مگر مدت زیاد به خاطر فراموشی باشد، مثلاً اگر مقداری از سعی باقی بود و فراموش کرد و به وطن بازگشت می تواند پس از مراجعت، باقیمانده را انجام دهد، و اگر تمکن از برگشتن ندارد نایب بگیرد.

مسأله ۴۳۲: هرگاه طواف را انجام داد و قدرت بر سعی پیدا نکرد (تا آخر ذی الحجّه در سعی حج، یا وقتی که برای رفتن به عرفات وقت باشد در سعی عمره تمتع، یا قبل از اینکه موالات بین طواف و سعی به هم بخورد در عمره مفرده) هر وقت تمکن پیدا کرد و سعی را انجام داد حج و عمره اش صحیح است.

مسأله ۴۳۳: هرگاه سعی را عمداً تأخیر انداخت اعمال قبل و بعد از سعی صحیح است، و هر وقت بتواند باید سعی را انجام دهد.

۵- تقصیر

مسأله ۴۳۴: پنجم از اعمال عمره تمتع: تقصیر است و با تقصیر، عمره تمتع پایان می پذیرد و از احرام بیرون می آید.

مسأله ۴۳۵: «تقصیر» یعنی کم کردن مقداری از ناخن دست یا پا، یا چیدن مقداری از موی سر یا ریش یا سبیل یا غیر آنها و کندن مو کفایت نمی کند بلکه باید چیده شود.

مسأله ۴۳۶: نیت در تقصیر لازم است، مثلاً چنین می گوید: تقصیر می کنم برای عمره تمتع قربه الی الله تعالی.

مسأله ۴۳۷: لازم نیست تقصیر را بلافاصله بعد از سعی انجام دهد، و تأخیرش مانعی ندارد و محلّ معینی برای تقصیر نیست، بلکه می تواند در مروه انجام دهد و یا در منزل و یا جای دیگر.

مسأله ۴۳۸: با انجام تقصیر در عمره تمتع تمام چیزهایی که بر مُحرم حرام بوده حلال می شود.

مسأله ۴۳۹: هرگاه تقصیر را عمداً ترک کرد تا وقتی که مُحرم به احرام حج شد عمره اش باطل می شود، و حج او تبدیل به حج افراد می گردد و پس از اعمال حج افراد باید عمره مفرده را بجا آورد.

مسأله ۴۴۰: هرگاه تقصیر را سهواً ترک کرد تا وقتی که مُحرم به احرام حج تمتع شد عمره اش صحیح است، و بهتر این است که یک گوسفند به عنوان کفّاره ذبح نماید، و همچنین است اگر از روی ندانستن مسأله تقصیر را ترک کرد پس عمره اش صحیح است، و بهتر این است که یک گوسفند به عنوان کفّاره ذبح نماید، و همین حکم جاری است اگر معتقد بوده که تقصیر را انجام داده و لکن بعد از احرام حج معلوم شد

که آن را انجام نداده که در این صورت عمره صحیح است و کفار هم ندارد.
مسألة ۴۴۱: طواف نساء در عمره تمتع واجب نیست.

مسألة ۴۴۲: هرگاه عمره تمتع را انجام داد و قدرت بر انجام حج تمتع نداشت، احوط انجام طواف نساء و نمازش می باشد رجاءاً.
تا اینجا اعمال عمره تمتع که عبارت بود از: احرام، طواف، نماز طواف، سعی و تقصیر به پایان رسید.

مسألة ۴۴۳: پس از تمام شدن اعمال عمره تمتع اظهار جواز خروج از مکه مکرمه است، چه به اطراف مکه چه به شهرهایی دور، اگر مطمئن باشد به حج می رسد.

مسألة ۴۴۴: بعد از پایان عمره تمتع مستحب است روز هشتم ذی الحجه برای حج تمتع مُحرم شود، و گرنه روز نهم واجب است برای حج مُحرم گشته و به عرفات برود.

تفصیل اعمال حج تمتع

مسألة ۴۴۵: اعمال واجب حج تمتع سیزده چیز می باشد، و چنین نیت می کند: حج تمتع بجا می آورم قربه الی الله تعالی.

۱- احرام

اولین واجب از اعمال حج تمتع: احرام است.

مسألة ۴۴۶: احرام حج تمتع با احرام عمره تمتع از نظر کیفیت، شرایط، واجبات و محرمات بیست و پنجگانه یکی است، تنها در دو مورد اختلاف دارد:

- ۱- در نیت فرق می کند به طوری که در احرام عمره قصد می کرد: «مُحرم می شوم به احرام عمره تمتع قربه الی الله تعالی» و در احرام حج قصد می کند: «مُحرم می شوم به احرام حج تمتع قربه الی الله تعالی».
- ۲- در میقات فرق می کند و میقات عمره تمتع قبلاً بیان شد، اما میقات احرام حج تمتع شهر مکه مکرمه است و از هر جای شهر که باشد اشکالی ندارد و بین مکه قدیم و جدید فرقی نیست، البته بهتر است در مسجدالحرام احرام ببندد، بلکه افضل این است که احرام را نزد مقام ابراهیم علیه السلام و یا حجر اسماعیل علیه السلام ببندد.

مسأله ۴۴۷: بهترین اوقات برای احرام حج: روز ترویبه است (هشتم ذی الحجه) و اگر روز هشتم مُحرم نشد لازم است روز نهم احرام بپوشد و به عرفات برود.

مسأله ۴۴۸: اگر نتواند از مکه مکرمه احرام ببندد از هرجا ممکن است - حتی از خود عرفات - مُحرم شود.

مسأله ۴۴۹: اگر عالماً و عامداً از غیر مکه معظمه برای حج مُحرم شد احرامش باطل است، و باید به مکه برگردد و تجدید احرام نماید و اگر برنگشت و تجدید احرام نکرد، حجش باطل است. مسأله ۴۵۰: اگر از روی جهل و یا فراموشی از غیر مکه مکرمه مُحرم شد باید به مکه برگردد و احرام را تجدید نماید، و اگر امکان برگشت نبود واجب است در هرجا که هست احرام را تجدید نماید، و حجش صحیح است.

مسأله ۴۵۱: اگر به کلی احرام را فراموش کند تا اینکه کلیه اعمال حج را انجام داد، حجش صحیح است.

۲- وقوف در عرفات

دوم از واجبات حج تمتع: وقوف یعنی بودن در سرزمین عرفات است. مسأله ۴۵۲: وقوف در عرفات باید: با قصد قربت باشد، و چنین نیت می‌کند: در سرزمین عرفات از اذان ظهر تا غروب آفتاب وقوف می‌کنم برای حج تمتع قربة الی الله تعالی.

مسأله ۴۵۳: حدود عرفات به وسیله علامت‌های موجود تعیین شده است، و وقوف خارج از آن کافی نیست.

مسأله ۴۵۴: وقت وقوف در عرفات از اول اذان ظهر روز نهم ذی الحجه است تا غروب آفتاب و این وقوف فی الجمله از ارکان حج است که ترک عمدی تمام آن موجب بطلان حج می‌شود، ولی اگر مقداری از این وقت را عمداً ترک نماید معصیت کرده اما حج باطل نیست، و در غیر عملش معصیت هم نیست.

مسأله ۴۵۵: اگر کسی از روی فراموشی وقوف به عرفات را به کلی ترک کرد تا وقت وقوف تمام شد حجش صحیح است، و به وقوف مشعر اکتفا می‌شود، و اگر تا وقت باقی است یادش آمد باید فوراً به عرفات برود و وقوف را انجام دهد چه آن وقت باقیمانده از

وقت وقوف اختیاری عرفه باشد (که از اذان ظهر است تا غروب آفتاب) یا وقت اضطراری آن (که از اول غروب آفتاب روز عرفه است تا اذان صبح عید قربان) و در این صورت به هر اندازه که وقوف کند حتی ربع ساعت یا کمتر کافی است، و بودن تمام شب لازم نیست.

مسألة ۴۵۶: اگر از روی فراموشی قبل از غروب آفتاب از عرفات خارج شد چنانچه تا وقت باقی است متوجه شود باید به عرفات برگردد، و اگر متوجه نشد چیزی بر او نیست و حجّش صحیح است. مسألة ۴۵۷: اگر قاضی عامّه به ثبوت هلال حکم نمود، و نزد شیعه ثابت نشد در موارد تقیّه دو صورت دارد:

۱- شیعه علم به خلاف ندارد، در این صورت تبعیت از قاضی عامّه نماید، و وقوف عرفه و مشعر طبق فتوای آنها مانعی ندارد، و حج صحیح است.

۲- شیعه علم به خلاف داشته باشد (مثلاً یقین دارد یا بیئنه شرعیّه اقامه شده که عرفه دوشنبه است و قاضی عامّه یکشنبه را عرفه قرار داده) اگر احتیاط حرّجی باشد و با مشکل زیاد مواجه گردد، بعید نیست بگوییم وقوف بر طبق فتوای قاضی مجزی است

و حج صحیح است، ولی سزاوار است احتیاط ترک نشود، و در این صورت اگر انجام دادن اعمال منی در روز عید حقیقی حرّجی نیست باید در مثال مزبور اعمال منی را روز سه شنبه انجام دهد.

۳- وقوف در مشعرالحرام

سوم از واجبات حج تمتع: وقوف یعنی بودن در مزدلفه (مشعرالحرام) است. مسألة ۴۵۸: واجب است بعد از آنکه مُحرم شب عید از عرفات خارج می شود به مشعرالحرام برود و احوط این است که شب را در مشعر باشد، و هنگامی که فجر طلوع کرد چنین نیّت می کند: در سرزمین مشعرالحرام وقوف می کنم از اذان صبح تا طلوع آفتاب برای حج تمتع قربة الی الله تعالی.

مسألة ۴۵۹: حدود مشعر که به وسیله علامت های موجود تعیین شده است معتبر و وقوف خارج از مشعر مجزی نیست، و وقوف در مشعر از ارکان حج است، اگر کسی عمداً آن را ترک نماید، حجّش باطل است.

مسألة ۴۶۰: وقوف در مشعر دو قسم است:

۱- وقوف اختیاری: که از اول اذان صبح روز عید قربان است تا اول طلوع آفتاب و مقدار رکن، وقوف در این فاصله است هر چند

کم باشد حتی چند دقیقه پس اگر کسی عمداً پس از گذشتن چند دقیقه از اذان صبح از مشعر خارج شد و تا طلوع آفتاب بیرون بماند معصیت کرده اما حجّش صحیح است.

۲- وقوف اضطراری: وقوف اضطراری مشعر دو وقت است: یکی از اول اذان مغرب شب عید تا اذان صبح، و دیگری از اول طلوع آفتاب روز عید قربان تا ظهر همان روز.

مسألة ۴۶۱: برای مردان در صورت اختیار وقوف اختیاری، واجب است اما زنان و کودکان و بیماران و کسانی که از دشمن ترس دارند و اشخاص ضعیف که در شلوغی اذیت می‌شوند، مانند پیرمردان جایز است به همان وقوف اضطراری اول (مقدرای از شب عید از اذان مغرب به بعد) اکتفا نمایند و حج آنها صحیح است و کفاره هم ندارد و افرادی که لازم است همراه این جمع باشند حکم همین جمع را دارند، یعنی به همان وقوف اضطراری اکتفا می‌کنند و کفاره هم ندارند.

مسألة ۴۶۲: کسانی که جاهل به حکم یا موضوع بوده و یا ناسی و مضطر باشند همان حکم قبلی را دارند، یعنی به همان وقوف اضطراری اکتفا نموده و کفاره هم ندارد.

مسألة ۴۶۳: اگر وقوف اختیاری (ما بین اذان صبح روز عید تا طلوع آفتاب) و اضطراری اول (از اذان مغرب تا اذان صبح شب عید) را درک نکرد، لازم است وقوف اضطراری دوم را (که مقداری از اول آفتاب صبح عید است تا ظهر) انجام دهد.

مسألة ۴۶۴: درک و قوفین چند قسم است:

۱- تنها وقوف اختیاری عرفه را درک کند، و از وقوف به مشعر معذور باشد (به جهت اضطرار یا سایر عذرها) در این صورت حج صحیح است.

۲- تنها وقوف اضطراری عرفات را درک کرده باشد (مقداری از شب عید) حج او صحیح نیست.

۳- تنها وقوف اختیاری مشعر را درک کرده باشد، و عمداً وقوف عرفات را ترک نکرده باشد، بلکه به جهت عذری ترک شده، حج صحیح است و اگر عمداً وقوف به عرفات را ترک کرده باشد حج صحیح نیست.

۴- تنها وقوف اضطراری مشعر را درک نماید، اگر وقوف عرفات را عمداً ترک نکرده باشد حج صحیح است، و اگر عمداً وقوف عرفات را ترک کرده باشد حج صحیح نیست.

۵- هر دو وقوف اختیاری عرفات و مشعر را درک کند، صحت حج روشن است.

- ۶- اختیاری عرفه و اضطراری مشعر را درک نماید، حج صحیح است.
- ۷- اضطراری عرفه و اضطراری مشعر را درک نماید، حج صحیح است.
- ۸- اضطراری عرفه و اختیاری مشعر را درک نماید، حج صحیح است.
- ۹- هیچ یک از دو وقوف را درک نکند نه اختیاری و نه اضطراری آن، حج باطل است، از روی علم باشد یا جهل، معذور باشد یا نباشد.
- مسألة ۴۶۵: چنانچه مُحرم به احرام حج شد و حج از او فوت شد مانند اینکه هیچ یک از وقوفین (اختیاری و اضطراری) را درک نکرد، باید اعمال عمره مفرده را انجام داده، یعنی از نیت احرام حج به احرام عمره مفرده عدول نماید و محلّ شود، و بقیة مناسک مثل اعمال منی و مکه از او ساقط است.
- مسألة ۴۶۶: یکی از مستحبات وقوف در مشعر، جمع آوری مقداری سنگ ریزه برای رمی جمرات در منی است، جایز است بیشتر از آنچه رمی می نماید سنگ بردارد، که اگر مقداری خطا کرد از زیادی استفاده نماید، گرچه اگر کم برداشت یا کم آورد می تواند از ریگهای منی یا وادی محسّر استفاده کند.

۴- رمی جمره عقبه

- چهارم از واجبات حج تمتع: رمی جمره عقبه است، و سه جمره در منی موجود است که آخرین آنها به طرف مکه مکرمه به نام جمره عقبه می باشد.
- مسألة ۴۶۷: واجب است انسان بعد از طلوع آفتاب روز عید از مشعر به منی برود، تا اعمال مخصوص منی را انجام دهد، که اول آنها رمی می باشد.
- مسألة ۴۶۸: واجبات رمی چند چیز است:
- ۱- نیت با قصد قربت، به این صورت: «رمی می کنم جمره عقبه را به هفت سنگ ریزه برای حج تمتع قربة الی الله تعالی».
 - ۲- باید هفت سنگ ریزه رمی (پرتاب) کند، نه زیادترو نه کمتر، اما اگر احتیاطاً چند سنگ ریزه اضافه بزند اشکالی ندارد.
 - ۳- باید سنگ ریزه ها به جمره بخورد، حتی اگر در بین راه به چیز دیگری هم برخورد کند.
 - ۴- باید سنگ ریزه ها را پرتاب کند، و گذاشتن سنگ ریزه بر جمره کافی نیست.

۵- زدن ریگها یکی پس از دیگری باشد، یعنی در هفت نوبت پرتاب شود نه اینکه همه را با هم بزند.

۶- رمی در روز باشد، یعنی از اول طلوع آفتاب تا غروب، مگر کسانی که شبانه از وقوف اضطراری استفاده کرده و وارد منی شده‌اند، مانند زنهار که می‌توانند شب رمی نمایند.

مسألة ۴۶۹: هرگاه شک کند که سنگ ریزه‌ها به جمره رسیده یا خیر، بنا را بر نرسیدن گذارد و سنگ دیگری پرتاب کند، مگر آنکه شک وی وقتی باشد که شب داخل شده، و یا مشغول انجام واجب دیگری مانند قربانی شده باشد، که در این صورت به شک اعتنا نکند، بلکه اقوی عدم اعتنا به شک است، اگر شک بعد از اتمام رمی حاصل شد، چه شک در عدد باشد یا در یکی از واجبات رمی شک کند. مسألة ۴۷۰: لازم است این ریگها بکر باشد، یعنی با آنها قبلاً رمی جمره نشده باشد و باید متوسط باشد نه خیلی ریز و نه خیلی درشت مثلاً به اندازه یک بند انگشت و جنس آن باید سنگ باشد، پس کلوخ و چوب و خرف و امثالش کفایت نمی‌کند، و لازم نیست سنگها پاک باشد علی الأظهر، اما باید سنگ ریزه‌ها از محدوده حرم برداشته شود.

مسألة ۴۷۱: لازم نیست که سنگ ریزه‌ها را به طور متوالی رمی کند، بلکه جایز است در اثنای رمی استراحت نماید، اما اگر فاصله زیاد شد اعاده کند.

مسألة ۴۷۲: رمی جمرات از طبقه فوقانی حتی در غیر حال اضطرار نیز جایز است.

۵- قربانی

پنجم از واجبات حج تمتع: قربانی در منی در روز عید قربان است.

مسألة ۴۷۳: واجبات قربانی عبارتند از:

- ۱- تیت.
- ۲- از انعام ثلاثه باشد (گوسفند، گاو، شتر).
- ۳- دارای سن خاصی باشد.
- ۴- تام الخلقه (بی عیب) باشد.
- ۵- در روز عید یا ایام تشریق باشد.
- ۶- در منی باشد.
- ۷- ترتیب را رعایت کند. بنابر احتیاط
- ۸- قربانی را از محدوده حرم خارج نکند.

مسأله ۴۷۴: باید خود حاجی قصد قربت کند، مثلاً بگوید: «قربانی می‌کنم از برای حج تمتع قربة الی الله تعالی» و اگر قصاب قربانی را ذبح می‌کند، هر دو نیت کنند و چنانچه فقط حاجی نیت کرد کافی است.

مسأله ۴۷۵: یک قربانی تنها برای یک نفر کافی می‌باشد، و برای دو نفر یا بیشتر در صورت اختیاری کافی نیست، مگر در حج مستحبی.

مسأله ۴۷۶: قربانی باید از جنس شتر یا گاو و یا گوسفند باشد.

مسأله ۴۷۷: شتر قربانی کردن بهتر است و بنابر احتیاط پنج سالش تمام شده باشد و داخل سال ششم شده باشد، و گاو و بز بنابر احتیاط دو سالش تمام شده و داخل سال سوم شده باشد، و بهتر است بنابر احتیاط گوسفند یک سالش تمام شده باشد، گرچه در گوسفند هفت ماهه کفایت می‌کند علی‌الاقوی.

مسأله ۴۷۸: قربانی بایستی از جمیع اعضاء سالم باشد، بنابراین قربانی کورو شل و گوش بریده و شاخ داخلی شکسته و اخته کرده و دندان شکسته و امثالش، و همچنین حیوان لاغر کفایت نمی‌کند.

مسأله ۴۷۹: بعضی از گوسفندها که خلقتاً بدون دنبه می‌باشند اشکالی ندارد، و اگر گوسفندی به حسب خلقت باید دنبه داشته

باشد اما به جهتی از جهات ندارد کافی نیست. و اگر تخم حیوان را کوبیده باشند یا رگ او مالیده شده باشد اشکالی ندارد، و همچنین اگر شاخ خارجی او شکسته باشد کافی است، و اگر خود دندان افتاده باشد اشکالی ندارد، و مکروه است که گوشش سوراخ و شکافته و پیچیده شده باشد.

مسأله ۴۸۰: شرایطی که برای قربانی ذکر شد در صورتی است که مقدور باشد اما اگر قربانی کامل پیدا نشود و به قربانی ناقص دسترسی دارد، باید همان ناقص را قربانی کند.

مسأله ۴۸۱: اگر قربانی ناقص هم مقدور نبود، چنانچه خود حاجی تا آخر ذی‌الحجه در مکه مکرمه می‌ماند و می‌تواند قربانی تهیه کند باید آن را تهیه نموده و قربانی کند، و اگر نمی‌ماند و می‌تواند به شخص امینی پول بدهد تا برایش قربانی کند این کار را انجام دهد، و اگر این هم ممکن نشد عوض قربانی باید ده روز روزه بگیرد.

مسأله ۴۸۲: ده روز روزه عوض قربانی باید سه روزش در حج و هفت روزش در وطن باشد، و سه روز در حج باید در ماه ذی‌الحجه باشد همراه با شرایط زیر:

۱- سه روز متصل یا در حکم اتصال باشد.

۲- در ایام تشریق (یازدهم، دوازدهم و سیزدهم) نباشد، مگر اینکه روز یازدهم و دوازدهم و سیزدهم خارج از منی باشد که در این صورت جایز است و می تواند روزه بگیرد.

مسألة ۴۸۳: می تواند روزه را تا آخر ذی الحجّه تأخیر بیندازد، مگر اینکه دو روز ترویبه و عرفه را روزه گرفته باشد، که باید بلافاصله پس از بازگشت از منی روز سوم را روزه بگیرد و تأخیر نیندازد، و واجب است این سه روز را در منی یا مکه روزه دار باشد، و چنانچه عذری داشت در بین راه، و اگر از آن هم معذور بود در وطن انجام دهد، و چنانچه بدون عذر در منی و مکه و سفر روزه را نگرفت، معصیت کرده، ولی در وطن روزه اش صحیح خواهد بود.

مسألة ۴۸۴: اگر از قربانی و بدلش (روزه) معذور بود، چیزی بر او نخواهد بود.

مسألة ۴۸۵: اگر سه روز روزه گرفت سپس قربانی پیدا شد کشتن آن بر او واجب نیست، گرچه بهتر است.

مسألة ۴۸۶: هرگاه قربانی را به خیال اینکه لاغر نیست خرید، و بعد از ذبح معلوم شد لاغر بوده، یا به اعتقاد اینکه لاغر است خرید

بعد از ذبح معلوم شد لاغر نبوده، یا موقع خرید لاغر نبود ولی موقع ذبح لاغر شد در هر سه صورت کافی است، اما اگر پیش از ذبح معلوم شود لاغر بوده کافی نیست علی الأحوط.

مسألة ۴۸۷: چنانچه به اعتقاد کامل بودن خرید و معلوم شد ناقص است، اگر پولش را پرداخته کافی است، و اگر پولش را نپرداخته لازم است - احتیاطاً - تبدیل نماید، و اگر با اعتقاد به ناقص بودن خرید و بعد معلوم شد کامل است کافی است، و لو بعد از ذبح باشد در صورتی که قصد قربت شده باشد.

مسألة ۴۸۸: احتیاط مستحب آن است که گوشت قربانی را به سه قسمت تقسیم کند: از یک سوم آن را خود و عیالش بخورند، و یک سوم به فقیر بدهد، و یک سوم آن را به دیگران هدیه بدهد، بلی جایز نیست همه آن را خود و عائله اش بخورند اگر آنها فقیر نباشند یا واجب النفقه وی باشند، و جایز نیست همه قربانی را به غیر فقیر بدهد اگر فقیری باشد و بتواند به او برساند.

مسألة ۴۸۹: لازم نیست خود انسان شخصاً ذبح قربانی را انجام دهد، بلکه می تواند نایب بگیرد در این صورت باید صاحب قربانی نیت نماید، و نایب لازم نیست نیت کند، گرچه احوط است.

مسألة ۴۹۰: وقت قربانی روز عید - دهم ذی الحجّه - یا روزهای یازدهم، دوازدهم و سیزدهم ماه ذی الحجّه است که ایام تشریق نام دارد، و اگر عمداً قربانی را در این روزها انجام نداد معصیت کرده، و باید در باقی مانده ذی الحجّه قربانی را انجام دهد و حج صحیح است و همچنین است چنانچه: با عذر باشد که معصیت هم حساب نمی شود.

مسألة ۴۹۱: واجب است قربانی را در منی ذبح نماید و در غیر منی کافی نیست، اما کشتارگاههایی که جدیداً احداث شده و گفته می شود بیرون از حدود منی است و کشتارگاههای معیصم، به جهت اضطرار و عسر و حرج قربانی در آنها کفایت می کند.

مسألة ۴۹۲: احتیاط واجب است قربانی بعد از رمی و قبل از حلق یا تقصیر باشد، و اگر از روی فراموشی یا نادانی یا عسر یا حرج بر خلاف ترتیب یاد شده عمل کند اشکالی ندارد، اما چنانچه عمداً مخالفت نماید احتیاطاً آنچه را مقدم نموده اعاده کند.

مسألة ۴۹۳: نباید چیزی از قربانی را از محدوده حرم خارج کند، مگر اینکه مورد مصرف در منی و محدوده حرم نباشد.

۶- حلق یا تقصیر

ششم از واجبات حج تمتع: حلق یا تقصیر است.

مسألة ۴۹۴: بر مردان واجب است پس از قربانی، حلق (تراشیدن تمام سر) یا تقصیر (کم کردن مقداری از ناخن یا مو نمایند) و بین حلق یا تقصیر مخیر می باشند گرچه افضل حلق است مخصوصاً برای صروره (یعنی کسی که برای اولین بار به مکه مکرمه مشرف شده است) خواه برای خود حج کند یا نایب باشد، بلکه حلق احوط است، و پسر بچه ها در حکم مردها می باشند، اما تراشیدن سر بر زنان و دختران حرام است - علی الأحوط - و باید آنها تقصیر نمایند.

مسألة ۴۹۵: واجبات حلق یا تقصیر سه چیز است:

۱- نیت کند.

۲- در منی باشد.

۳- ترتیب رعایت شود (علی الأحوط).

مسألة ۴۹۶: واجب است هر یک از حلق یا تقصیر با نیت قربت الی الله انجام شود، و این نیت را باید شخص حاج بنماید، نه کسی که

سر را می تراشد، مثلاً می گوید: «حلق یا تقصیر می کنم برای حج تمتع قربۀ الی الله تعالی».

مسأله ۴۹۷: باید حلق یا تقصیر در روز انجام شود، و جایز است تأخیر آن تا آخرین روز از ایام تشریق، اما مضطر می تواند در شب انجام دهد.

مسأله ۴۹۸: هرگاه حلق یا تقصیر را انجام نداده و از منی بیرون رود (چه عمداً بیرون رود یا از روی فراموشی و یا نادانی و یا اضطرار) واجب است به منی برگردد و حلق یا تقصیر را انجام دهد، حتی اگر بعد از ماه ذی الحجّه باشد، و چنانچه امکان برگشت به منی را نداشت هر جا که هست حلق یا تقصیر نماید، و واجب نیست موی سر را به منی بفرستد، البته مستحب است.

مسأله ۴۹۹: چنانچه در غیر منی حلق یا تقصیر را انجام داد بعداً متوجه شد که می بایست در منی انجام دهد باید برگردد و در منی انجام دهد، و چنانچه امکان برگشت نداشت هر جا که هست حلق یا تقصیر را اعاده نماید، و حلق یا تقصیر در مسأله قبلی و این مسأله باید فوراً انجام شود.

مسأله ۵۰۰: ترتیب بین اعمال منی علی الأحوط رعایت شود، یعنی اول رمی جمره عقبه و بعد قربانی و بعد حلق یا تقصیر،

البته اگر به جهت عسر یا حرج در ترتیب بعد از رمی تقصیر یا حلق کند سپس قربانی نماید اشکالی ندارد.

مسأله ۵۰۱: رمی جمره عقبه باید در روز عید (دهم ذی الحجّه) باشد، ولی قربانی و حلق یا تقصیر را می تواند تا آخر ایام تشریق تأخیر بیندازد.

مسأله ۵۰۲: لازم نیست حلق را با تیغ انجام دهد، بلکه با ماشین های اصلاح (شماره صفر) نیز کفایت می کند.

مسأله ۵۰۳: اقوی این است که پس از حلق یا تقصیر تمام محرمات احرام حلال می شود غیر از استعمال بوی خوش، و استفاده از زن که زن بعد از طواف نساء حلال خواهد شد، بلی مکروه است برای مردان پوشیدن لباس دوخته، و پوشانیدن سر تا بعد از سعی و بعد از سعی استعمال بوی خوش اشکالی ندارد هر چند مکروه است بنا بر مشهور.

مسأله ۵۰۴: در مواردی که بجای قربانی بخواهد روزه بگیرد، با حلق یا تقصیر، حلیت از محرمات حاصل می شود حتی اگر هنوز سه روز روزه را نگرفته باشد، و همچنین اگر وظیفه اش این بود که پول قربانی را در نزد شخص امینی بگذارد و گذاشت گرچه هنوز آن

شخص قربانی را تهیه نکرده و ذبح ننموده است با حلق یا تقصیر محرمات احرام حلال خواهد شد.

۷- طواف زیارت

هفتم از واجبات حج تمتع: طواف حج تمتع است که طواف زیارت نام دارد.

مسألة ۵۰۵: طواف حج تمتع: مانند طواف عمره تمتع است در کلیه واجبات و شرایط آن، مگر در نیت که چنین قصد می‌کند: «طواف زیارت بجا می‌آورم برای حج تمتع قربه الی الله تعالی».

۸- دو رکعت نماز طواف

هشتم از واجبات حج تمتع: دو رکعت نماز طواف حج تمتع است.
مسألة ۵۰۶: دو رکعت نماز طواف را باید نزد مقام ابراهیم عليه السلام یا پشت آن خواند و این نماز با نماز طواف عمره تمتع فرقی ندارد مگر در نیت، که چنین نیت می‌کند: «دو رکعت نماز طواف حج تمتع بجا می‌آورم قربه الی الله تعالی».

۹- سعی بین صفا و مروه

نهم از واجبات حج تمتع: سعی بین صفا و مروه است.

مسألة ۵۰۷: کیفیت و شرایط سعی در حج تمتع مانند کیفیت سعی در عمره تمتع است، و تنها در نیت تفاوت دارد، و چنین قصد می‌کند: «سعی بین صفا و مروه انجام می‌دهم برای حج تمتع قربه الی الله تعالی».

مسألة ۵۰۸: بعد از این سعی تقصیر نیست، برخلاف سعی در عمره.
مسألة ۵۰۹: بهتر این است که همان روز عید پس از انجام رمی جمره عقبه و قربانی و حلق یا تقصیر حاجی به مکه معظمه برود، و اعمال مکه (طواف، نماز طواف و سعی) را انجام دهد، گرچه تا روز سوم تأخیرش جایز است بدون کراهت، و تأخیرش تا آخر ذی الحجّه جایز است با کراهت.

مسألة ۵۱۰: تقدیم طواف حج و نماز طواف و سعی و همچنین طواف نساء و نمازش بر وقفین در حال اختیار جایز نیست، ولی برای افراد معذور اشکالی ندارد، مانند زنی که از حیض و نفلس ترس داشته باشد، و همچنین بیمار و پیرمرد و پیرزنی که بر اثر ازدحام، انجام این اعمال بعد از منی بر آنها مشقت و حرج داشته باشد، و همین طور شخص مضطر می‌تواند آنها را تقدیم کند، و پس از انجام اعمال منی مناسکش تمام و حشش صحیح است إن شاء الله.

مسأله ۵۱۱: با انجام طواف حج و نماز طواف و سعی، استعمال بوی خوش نیز حلال می‌شود.

۱۰- طواف نساء

۱۱- نماز طواف نساء

دهم و یازدهم از واجبات حج تمتع: طواف نساء و نماز طواف نساء است.

مسأله ۵۱۲: کیفیت و شرایط این دو مانند کیفیت و شرایط عمرة تمتع و نمازش می‌باشد، فقط فرق در نیت است، که در اینجا چنین قصد می‌نماید: «طواف نساء بجا می‌آورم برای حج تمتع قربة الی الله تعالی» و «نماز طواف نساء بجا می‌آورم برای حج تمتع قربة الی الله تعالی». مسأله ۵۱۳: با انجام طواف نساء و نماز آن زن هم حلال می‌شود، و این طواف با نمازش بر زن و مرد، کوچک و بزرگ، واجب است.

۱۲- بیتوته در منی

دوازدهم از واجبات حج تمتع: بیتوته در منی است، یعنی شب در منی بماند، و فرقی نمی‌کند که در این مدت خواب باشد یا بیدار. مسأله ۵۱۴: ماندن شب یازدهم و دوازدهم ذی‌الحجه (و در

بعضی موارد نیز شب سیزدهم) در منی لازم و واجب است به قصد قربة الی الله بماند، و چنین نیت می‌کند: «امشب در منی بیتوته می‌کنم برای حج تمتع قربة الی الله تعالی».

مسأله ۵۱۵: در سه مورد ماندن شب سیزدهم نیز واجب می‌شود:

۱- اگر در حال احرام شکار کرده باشد.

۲- چنانچه در حال احرام با زن نزدیکی کرده باشد.

۳- اگر تا غروب آفتاب روز دوازدهم از منی خارج نشده باشد.

مسأله ۵۱۶: برای بیتوته در منی نیمی از شب کفایت می‌کند، چه

نیمه اول شب باشد (از غروب خورشید تا نصف شب) یا نیمه آخر شب (از نصف شب تا اذان صبح) و مقصود از نیمه شب: نیمه از غروب خورشید تا اذان صبح است، گرچه احوط مراعات نیمه تا طلوع آفتاب است، برای کسی که نیمه اول شب را در منی بیتوته می‌کند. و هرگاه عمداً بیتوته در منی را ترک نماید، کفاره‌اش برای هر شب یک گوسفند است.

مسأله ۵۱۷: در چهار مورد اگر در منی نماند معصیت نکرده، و

کفاره هم ندارد:

۱- کسی که از مکه معظمه به قصد منی بیرون آمده و در بین راه به خواب رود.

۲- کسی که شب را در مکه بماند و حال آنکه تمام شب علی الأحوط، بلکه نیمی از شب را به عبادت و یا به طواف و سعی یا عبادت دیگر در مسجد الحرام مشغول بوده است.

۳- اگر در منی جا نباشد یا عذری مانع آن شود، مانند بیماری یا ترس بر جان یا ناموس یا مال خود داشته باشد.

۴- کسی که جاهل به حکم یا موضوع بوده و یا فراموش کرده یا غافل بوده و یا عذر دیگری داشته باشد.

مسأله ۵۱۸: روز دوازدهم نباید قبل از زوال از منی خارج شود، و چنانچه خارج شد باید برگردد. چنانچه تا غروب آفتاب روز دوازدهم در منی ماند واجب است نیمی از شب سیزدهم را در منی بماند، و هر سه جمرة را در روز سیزدهم رمی کند، و چنانچه عمداً نماند معصیت کرده، و كفّاره اش یک گوسفند است.

مسأله ۵۱۹: برای شخص صروره (کسی که اولین بار به حج مشرف می شود) مستحب است که شب سیزدهم را نیز در منی

بماند، و روز سیزدهم رمی کند، و همچنین کسی که مرتکب بعضی از محرمات احرام شده باشد، بلکه برای عموم حجاج بهتر است.

۱۳- رمی جمرات

سیزدهم از واجبات حج تمتع: رمی است.

مسأله ۵۲۰: رمی: (زدن سنگ ریزه) به جمرات سه گانه است (اولی و وسطی و عقبه) در روز یازدهم و دوازدهم (و چنانچه ماندن شب سیزدهم در منی واجب بود روز سیزدهم هم باید جمرات سه گانه را رمی نماید) به قصد قربة الی الله تعالی، و چنین نیت می کند: رمی می کنم این جمرة را با هفت سنگ ریزه برای حج تمتع قربة الی الله تعالی.

مسأله ۵۲۱: وقت رمی جمرات از اول طلوع آفتاب است تا غروب آفتاب، و رعایت ترتیب لازم است، یعنی اول هفت سنگ ریزه به جمرة اولی، سپس هفت سنگ ریزه به جمرة وسطی، سپس هفت سنگ ریزه به جمرة عقبه می زند، که مجموعاً بیست و یک سنگ ریزه در هر روز می شود.

مسأله ۵۲۲: افرادی که از رمی در روز معذورند، مانند زنان و کودکان و بیماران و کسانی که از شلوغی یا از دشمن ترس دارند

می توانند شب رمی نمایند.

مسألة ۵۲۳: شخص مختار واجب است شخصاً رمی را انجام دهد و تا زمانی که مضطر نباشد نمی تواند نایب بگیرد، و واجباتی را که در رمی جمره عقبه در روز عید ذکر شد (مسألة ۴۶۸) اینجا هم باید رعایت کند.

مسألة ۵۲۴: موالات و پی در پی بودن در رمی هفت سنگ ریزه شرط نیست، بلی در فاصله زیاد باید اعاده کند، اما استراحت مختصر در بین آنها مانعی ندارد، و بین جمره اولی و وسطی و عقبه فاصله زیاد هم اشکال ندارد و می تواند اولی را اول صبح و دومی را ظهر و سومی را نزدیک غروب انجام دهد.

مسألة ۵۲۵: اگر رمی سه جمره را عمداً ترک نمود معصیت کرده ولی حج باطل نیست، و کفاره هم ندارد، و موجب باقی ماندن هیچ یک از محرّمات احرام نمی شود، و اگر جهلاً یا از روی فراموشی و اضطرار یا عذر دیگری بود معصیت نکرده و کفاره هم ندارد، ولی در تمام اقسام باید آن را قضا کند.

مسألة ۵۲۶: اگر رمی جمرات را فراموش کند و به مکه مکرمه

برود باید به منی برگردد و آن را قضا نماید، و چنانچه به یاد نیاورد تا اینکه به شهر خود بازگشت باید سال بعد خودش یا نایبش آن را قضا کند.

احکام عمره مفرده

مسألة ۵۲۷: عمره مفرده مانند حج گاهی بالاصاله واجب است، و گاهی بالعرض واجب می شود، و گاهی مستحب می باشد.

مسألة ۵۲۸: عمره مانند حج بر هر مستطیعی که دارای شرایط است واجب می شود، و وجوبش مانند وجوب حج فوری است، پس کسی که مستطیع برای عمره شد هر چند برای حج مستطیع نباشد بنا بر احوط واجب است همان وقت عمره مفرده را بجا آورد.

مسألة ۵۲۹: کسی که استطاعت حج ندارد ولی از طرف دیگری برای حج تمتع اجیر شده، وقتی اعمال حج نیایی تمام شد چنانچه در مکه استطاعت عمره مفرده را داشت گرچه برای حج استطاعت ندارد، علی الأحوط واجب است پس از پایان اعمال حج نیایی فوراً عمره مفرده را برای خودش انجام دهد.

مسألة ۵۳۰: اگر کسی برای انجام حج «افراد» یا «قران» استطاعت داشت، اما استطاعت عمره مفرده آنها را نداشت واجب است حج

افراد یا قران را انجام دهد، و هر وقت استطاعت عمره را پیدا کرده عمره را انجام دهد.

مسألة ۵۳۱: بر کسی که برای حج تمتع اجیر شده، و خودش برای حج مستطیع نبوده، اگر پس از پایان اعمال حج نیابتی عمره مفرده را - که علی الأحوط واجب بوده - انجام نداد واجب است قضای آن را بجا آورد، و اگر عمره را مفرده انجام داد، و برای سال‌های بعد استطاعت حج پیدا کرد عمره تمتع و حج تمتع بر او واجب می‌شود.

مسألة ۵۳۲: مستحب است که عمره مفرده را مکرراً انجام دهد، و اولی این است که با فاصله یک ماه بجا آورده شود، و ظاهراً فاصله بین دو عمره به ده روز کفایت می‌کند، در صورتی که هر دو عمره برای یک نفر باشد، البته با فاصله کمتر هم علی الأقرب مانعی ندارد.

مسألة ۵۳۳: اگر عمره مفرده برای دو نفر یا بیشتر باشد، مثلاً برای چند نفر نایب شده رعایت فاصله اولی نیست.

مسألة ۵۳۴: همان طوری که عمره به استطاعت واجب می‌شود به نذر، عهد، قسم، شرط ضمن عقد، اجاره، صلح و امثال اینها نیز واجب می‌گردد، لکن باید عمره مفرده باشد نه عمره تمتع، چون

عمره تمتع همراه با حج تمتع انجام می‌شود.

اعمال عمره مفرده

اعمال عمره مفرده عبارت است از:

- ۱- نیت
- ۲- احرام
- ۳- طواف
- ۴- نماز طواف
- ۵- سعی
- ۶- تقصیر یا حلق
- ۷- طواف نساء
- ۸- نماز طواف نساء

مسألة ۵۳۵: عمره مفرده با عمره تمتع چند فرق دارد:

- ۱- نیت: در عمره مفرده چنین نیت می‌نماید: عمره مفرده بجا می‌آورم قربه الی الله تعالی، و در اعمال آن نیت می‌کند: احرام می‌بندم برای عمره مفرده قربه الی الله تعالی، طواف بجا می‌آورم

برای عمره مفرده قربة الى الله تعالى، نماز طواف بجا می آورم برای عمره مفرده قربة الى الله تعالى، سعی بین صفا و مروه انجام می دهم برای عمره مفرده قربة الى الله تعالى، تقصیر می کنم برای عمره مفرده قربة الى الله تعالى، طواف نساء بجا می آورم برای عمره مفرده قربة الى الله تعالى، دو رکعت نماز طواف نساء می خوانم برای عمره مفرده قربة الى الله تعالى.

۲- در عمره مفرده طواف نساء، و نماز طواف نساء لازم است، ولی در عمره تمتع لازم نیست.

۳- عمره تمتع بجز در ماههای حج (شوال و ذی القعدة و ذی الحجة) واقع نمی شود و صحیح نیست، ولی عمره مفرده را می توان در تمام ماههای سال انجام داد، اما افضل ماه رجب و بعد از آن ماه رمضان است.

۴- بیرون آمدن از احرام در عمره تمتع منحصر به تقصیر است، و بیرون آمدن از احرام عمره مفرده هم به تقصیر و هم به سر تراشیدن می شود.

۵- عمره و حج تمتع باید در یک سال باشد، ولی عمره مفرده و حج افراد چنین نیست، و کسی که حج افراد بر او واجب باشد اگر

حج را در یک سال و عمره را در سال بعد بجا آورد صحیح است. ع- میقات عمره تمتع یکی از میقات های است که بیانش گذشت، اما عمره مفرده هم از آنها و هم خارج از محدوده حرم (تنعیم یا جعرانه و حدیبیه و غیرش) می تواند باشد.

مسألة ۵۳۶: عمره بر کسی که بخواهد وارد مکه معظمه شود واجب است، یعنی: دخول در محدوده حرم بدون احرام حرام است به استثنای کسانی که قبل از گذشت یک ماه با احرام وارد مکه شده بودند، و همچنین کسانی که مقتضای شغل آنها رفت و آمد زیاد باشد، مانند راننده و سائط نقلیه.

همان سال ممکن نبود برای سال آینده نایب بگیرد و حجش صحیح است.
مسأله ۵۳۹: در صورتی که شخص مصدود از سال‌های قبل
مستطیع بوده و یا اینکه استطاعتش برای آینده باقی بماند حج در
آینده بر او واجب است، و الاً وجوب حج ساقط می‌شود.

احکام مصدود

مصدود شخصی است که پس از بستن احرام برای عمره یا حج
از انجام اعمال آن منع شود.

مسأله ۵۳۷: کسی که از عمره یا حج مصدود شود، از همان جا
قربانی نموده و از احرام بیرون می‌آید، و احتیاج ندارد تا روز عید
صبر کند. و هرگاه از وقوف به عرفات و مشعر هر دو منع شد از محل
منع قربانی کرده و از احرام بیرون می‌آید، و اگر از یکی از دو موقف
منع شد دیگری را انجام می‌دهد با بقیه اعمالش، و حجش صحیح است.

مسأله ۵۳۸: اگر از اعمال سه‌گانه در منی یا از بعضی آن منع شد
در صورت امکان نایب می‌گیرد، و اگر قدرت بر نایب گرفتن نداشت
حکم مصدود بر او جاری است، و اگر از اعمال مکه بعد از منی
ممنوع شد چنانچه منع تا آخر ذی‌الحجه ادامه پیدا کند احکام
مصدود بر او جاری می‌شود، و اگر تا آخر ذی‌الحجه شخصاً بر
انجام اعمال تمکن پیدا کرد باید شخصاً انجام دهد و حجش
صحیح است. و هرگاه از برگشت به منی منع شود در صورتی که
اعمال مکه را انجام داده، باید برای اعمال منی نایب بگیرد، و اگر در

را درک نمود حکم محصور را ندارد و حشش صحیح است. و چنانچه هر دو وقوف یا یکی از آنها را درک کرد ولی تا بعد از اعمال منی بیمار شد اگر امکان برگشت به منی دارد باید برگردد و اعمال آنجا را قضا نماید، و اگر شخصاً امکان ندارد باید برای قربانی و رمی نایب بگیرد و با حلق یا تقصیر از احرام بیرون بیاید. و اگر بعد از منی از اعمال مکه محصور شد چنانچه تا آخر ذی الحجه امکان انجام اعمال را ندارد باید شخصاً انجام دهد، و اگر چنین امکانی نیست نایب بگیرد و کفایت می‌کند.

مسألة ۵۴۴: هرگاه از جمیع مناسک منی و مکه محصور شود باید قربانی کند و از احرام بیرون بیاید، و چنانچه تا سال دیگر در استطاعت باقی بماند یا اینکه از قبل بر عهده او حج مستقر بوده باشد باید حج را در سال بعد بجا آورد.

و الله العالم

سبحان ربك رب العزة عما يصفون و سلام على المرسلين

و الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد

و آله الطاهرين

احکام محصور

مسألة ۵۴۰: محصور کسی است که پس از احرام به جهت بیماری نتواند اعمال مربوطه را انجام دهد، در این صورت بیرون آمدن از احرام متوقف است بر کشتن قربانی، و باید یا در محل حصر قربانی کند، یا اینکه قربانی را به مکه بفرستد اگر محصور از عمره بوده، و به منی بفرستد اگر محصور از حج باشد، و پس از قربانی از احرام بیرون می‌آید.

مسألة ۵۴۱: چنانچه در عمره مفرده محصور شد می‌تواند در محل حصر قربانی نماید و از احرام بیرون بیاید، و می‌تواند به وسیله هم‌سفری‌ها قربانی را به مکه معظمه بفرستد و روز و ساعت قربانی را تعیین نماید، و پس از آن ساعت از احرام بیرون بیاید و تمام محرمات احرام بر او حلال می‌شود حتی استفاده از زن گرچه احوط استجابی اینستکه تا زمانی که دوباره موفق به انجام عمره نشده صبر کند.

مسألة ۵۴۲: اگر در عمره تمتع چه واجب چه مستحب، محصور شود همان حکم مسأله قبلی را دارد.

مسألة ۵۴۳: اگر بعد از احرام حج از وقوف به عرفات و مشعر هر دو محصور شد، حج از او فوت شده و باید عمره مفرده بجا آورد و از احرام بیرون آید، و اگر از یکی از دو وقوف محصور شد و دیگری

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوِدُّكَ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ ذُرِّيَّتِي وَ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي وَ أَمَانَتِي وَ خَاتِمَةَ عَمَلِي».

۳- مستحب است هنگام سفر به دوستان و آشنایان خبر دهد.

پیامبر ﷺ فرمودند: حق است بر مسلمان هنگام سفر برادرانش

را آگاه سازد، و بر آنها حق است که هنگام بازگشت به دیدارش روند.

۴- مستحب است هنگام سفر سوره‌ها و آیات و دعاهایی که در

این زمینه وارد شده بخواند، مانند: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» و

آیه‌الکرسی و سوره‌های حمد و قدر و فلق و ناس (مُعَوِّذَاتَيْنِ) و

همچنین تسبیحات حضرت زهرا ع.

۵- مستحب است با گروهی مسافرت کنند نه به تنهایی و در

سفر، کریم و خوش اخلاق باشد.

آداب حج اعمال و دعاهای مستحب

آداب سفر

۱- کسی که قصد حج دارد، مستحب است از خداوند طلب خیر کند و بر خدا توکل نماید، و همچنین مستحب است صدقه بدهد، و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي اشْتَرَيْتُ بِهَذِهِ الصَّدَقَةِ سَلَامَتِي وَ سَلَامَةَ سَفَرِي، اللَّهُمَّ أَحْفَظْنِي وَ أَحْفَظْ مَا مَعِي، وَ سَلِّمْنِي وَ سَلِّمْ مَا مَعِي، وَ بَلِّغْنِي وَ بَلِّغْ مَا مَعِي بِبِلَاغِكَ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ»

و همچنین مستحب است وصیت نماید مخصوصاً اگر حقوق واجبی بر ذمه او باشد.

۲- مستحب است هنگام سفر با اهل و عیال خودش وداع کند و

آنها را به خدا بسپارد، و دو رکعت یا چهار رکعت نماز بجا آورد، و

سپس این دعا را بخواند:

آداب احرام

ع- مستحب است برای احرام خود را پاکیزه کند ناخن و شارب را بگیرد موهای بدن را زائل کند و غسل احرام نماید، و اگر بدون غسل، احرام بست مستحب است غسل کند و دوباره احرام ببندد.

۷- بعد از غسل احرام این دعا را بخواند:

«بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي نُورًا وَ طَهُورًا وَ حِزْزًا وَ أَمْنًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سُقْمٍ، اللَّهُمَّ طَهِّرْ لِي وَ طَهِّرْ قَلْبِي وَ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَ اجْرِ عَلَيَّ لِسَانِي مَحَبَّتَكَ وَ مِدْحَتَكَ وَ الثَّنَاءَ عَلَيْكَ، فَإِنَّهُ لَا قُوَّةَ لِي إِلَّا بِكَ وَ قَدْ عَلِمْتُ أَنَّ قِيَامَ دِينِي التَّسْلِيمُ لَكَ وَ الْإِتِّبَاعُ لِسُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ».

۸- مستحب است که احرام را بعد از نماز انجام دهد، و بهتر است پس از نماز ظهر باشد، و بعد از نماز حمد و ثنای الهی نماید، و صلوات بر محمد و آل محمد عليهم السلام بفرستد و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ اسْتَجَابَ لَكَ وَ آمَنَ

بِوَعْدِكَ وَ اتَّبَعَ أَمْرَكَ، فَإِنِّي عَبْدُكَ وَ فِي قَبْضَتِكَ لَا أُوقِي إِلَّا مَا وَفَيْتَ وَ لَا أَخْذُ إِلَّا مَا أُعْطِيتَ وَ قَدْ ذَكَرْتَ الْحَجَّ، فَأَسْأَلُكَ أَنْ تَعْزِمَ لِي عَلَيْهِ عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ تُقَوِّبَنِي عَلَيَّ مَا ضَعَفْتُ عَنْهُ وَ تُسَلِّمَ مِنِّي مَنَاسِكِي فِي يَسْرِ مِنْكَ وَ عَافِيَةٍ وَ اجْعَلْنِي مِنْ وَفْدِكَ الَّذِي رَضِيتَ وَ أَرْضَيْتَ وَ سَمَّيْتَ وَ كَنَيْتَ^(۱)، اللَّهُمَّ إِنِّي خَرَجْتُ مِنْ شُقَّةٍ بَعِيدَةٍ وَ أَنْفَقْتُ مَالِي ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ، اللَّهُمَّ فَتَمِّمْ لِي حَجَّتِي وَ عُمْرَتِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ التَّمَتُّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَإِنْ عَرَضَ لِي عَارِضٌ يَحْبِسُنِي فَحَلِّنِي^(۲) حَيْثُ حَبَسْتَنِي بِقَدْرِكَ^(۳) الَّذِي قَدَّرْتَ عَلَيَّ، اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ تَكُنْ حَاجَةً فَعُمْرَةٌ، أَحْرَمُ لَكَ شَعْرِي وَ بَشْرِي وَ لَحْمِي وَ دَمِي وَ عِظَامِي وَ مَخِي وَ عَصْبِي مِنَ النِّسَاءِ وَ الثِّيَابِ وَ الطَّيِّبِ، ابْتَغِي بِذَلِكَ وَجْهَكَ وَ الدَّارَ الْآخِرَةَ».

۱. كَنَيْتَ (خ ل).

۲. فَحَلِّنِي (خ ل).

۳. لِقَدْرِكَ (خ ل).

سپس نیت احرام کند و مستحب است نیت رابه زبان بیاورد و بگوید:
 «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَ
 النُّعْمَةَ لَكَ وَ الْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ ذَا الْمَعَارِجِ لَبَّيْكَ،
 لَبَّيْكَ دَاعِيَا إِلَى دَارِ السَّلَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ غَفَّارَ الذُّنُوبِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ
 أَهْلَ التَّلْبِيَةِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ تُبْدِيءُ
 وَ الْمَعَادُ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ تَسْتَعْنِي وَ يُفْتَقِرُ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ
 مَرْهُوبًا وَ مَرْغُوبًا إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ إِلَهَ الْحَقِّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ ذَا
 النُّعْمَاءِ وَ الْفَضْلِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ كَشَافَ الْكُرْبِ
 الْعِظَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ يَا كَرِيمُ
 لَبَّيْكَ».

و بگوید:

«لَبَّيْكَ أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ بِحَجَّةٍ وَ
 عُمْرَةٍ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ وَ هَذِهِ عُمْرَةٌ مُنْعَةٌ إِلَى الْحَجِّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ أَهْلَ
 التَّلْبِيَةِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ تَلْبِيَةٌ تَمَامُهَا وَ بِلَاغُهَا عَلَيْكَ».

۹- مستحب است که در جامعه پنهانی و سفید احرام ببندد.

آداب دخول حرم

۱۰- مستحب است برای وارد شدن در محدوده حرم غسل کند،

و در وقت دخول حرم این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنَزَّلِ وَ قَوْلِكَ الْحَقِّ: ﴿وَ أَدْخِلْ فِي
 النَّاسِ بِالْحَقِّ يَأْتُوكَ رَجَالًا وَ عَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ
 عَمِيقٍ﴾. اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْجُو أَنْ أَكُونَ مِمَّنْ أَجَابَ دَعْوَتَكَ، وَ قَدْ
 جِئْتُ مِنْ شِقَّةٍ بَعِيدَةٍ وَ فَجٍّ عَمِيقٍ، سَامِعًا لِنِدَائِكَ وَ مُسْتَجِيبًا لَكَ،
 مُطِيعًا لِأَمْرِكَ وَ كُلُّ ذَلِكَ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ وَ إِحْسَانِكَ إِلَيَّ فَلَكَ الْحَمْدُ
 عَلَى مَا وَفَّقْتَنِي لَهُ، أَسْتَعِينُ بِذَلِكَ الرُّزْقَةَ عِنْدَكَ، وَ التُّقْبَةَ إِلَيْكَ، وَ
 الْمُنْزِلَةَ لَدَيْكَ، وَ الْمَغْفِرَةَ لِذُنُوبِي وَ التَّوْبَةَ عَلَيَّ مِنْهَا بِمَنَّاكَ،
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ حَرِّمْ بَدَنِي عَلَى النَّارِ وَ
 آمِنِّي مِنْ عَذَابِكَ وَ عِقَابِكَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

آداب دخول شهر مکه و مسجد الحرام

۱۱- مستحب است برای ورود به مکه معظمه و مسجد الحرام

غسل کند، و چون داخل شهر مکه شود با آرامش تن و دل و با کمال

خضوع و خشوع وارد مسجدالحرام گردد.

۱۲- مستحب است از در «بني شيبه» كه گفته مى شود فعلاً جنب «باب السلام» است داخل شود، و بر در مسجدالحرام ايستاده و بگويد:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمِنَ اللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ، وَالسَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، وَالسَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

و در روایت دیگر وارد شده است كه بگويد:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمِنَ اللَّهِ وَإِلَى اللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَخَيْرِ الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ الرَّحْمَنِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْنَا

وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَرْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ، وَعَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ وَعَلَى أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَأَسْتَعْمِلْنِي فِي طَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ وَأَحْفَظْنِي بِحِفْظِ الْإِيمَانِ أَبَدًا مَا أَبْتَقَيْتَنِي جَلَّ ثَنَاءُ وَجْهِكَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِنْ وَفْدِهِ وَزُورَارِهِ، وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يَعْمُرُ مَسَاجِدَهُ وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يُنَاجِيهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَزَائِرُكَ فِي بَيْتِكَ وَعَلَى كُلِّ مَاتِيٍّ حَقٌّ لِمَنْ آتَاهُ وَزَارَهُ وَأَنْتَ خَيْرُ مَاتِيٍّ وَأَكْرَمُ مَزُورٍ، فَاسْأَلْكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ وَبِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَبِأَنَّكَ وَاحِدٌ أَحَدٌ صَمَدٌ لَمْ تَلِدْ وَ لَمْ تُوَلَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَكَ كُفُوًا أَحَدٌ وَ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ، يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ يَا مَاجِدُ يَا جَبَّارُ يَا كَرِيمُ،

أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ تُحْفَتَكَ إِيَّايَ بَزِيَارَتِي إِيَّاكَ أَوَّلَ شَيْءٍ تُعْطِينِي
فَكَأَنَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ».

و سه مرتبه بگوید:

«اللَّهُمَّ فَكَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ».

و بگوید:

«و أَوْسَعَ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالَ الطَّيِّبِ وَ أَدْرَأُ عَنِّي شَرَّ
شَيَاطِينِ الْإِنْسِ وَ الْجِنِّ وَ شَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَ الْأَعْجَمِ».

و داخل مسجد الحرام شود و بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ».

و دستها را بردارد و رو به کعبه معظمه کند، و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي مَقَامِي هَذَا وَ فِي أَوَّلِ مَسَاسِكِي أَنْ
تَقْبَلَ تَوْبَتِي وَ أَنْ تَتَجَاوَزَ عَنِّي خَطِيئَتِي وَ أَنْ تَضَعَ عَنِّي وَزْرِي،
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَلَّغَنِي بَيْتَهُ الْحَرَامَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنَّ هَذَا
بَيْتُكَ الْحَرَامُ، الَّذِي جَعَلْتَهُ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَ أَمْنًا مُبَارَكًا وَ هُدًى
لِلْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ إِنَّ الْعَبْدَ عَبْدُكَ وَ الْبَلَدَ بَلَدُكَ وَ الْبَيْتَ بَيْتُكَ، جَنَّتْ

أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ وَ أَوْمُّ طَاعَتِكَ مُطِيعاً لِأَمْرِكَ رَاضِياً بِقَدْرِكَ،
أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْفَقِيرِ إِلَيْكَ الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ، اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي
أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَ اسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَ مَرْضَاتِكَ».

پس خطاب به کعبه معظمه کند و بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَظَّمَكَ وَ شَرَّفَكَ وَ كَرَّمَكَ وَ جَعَلَكَ مَثَابَةً
لِلنَّاسِ وَ أَمْنًا مُبَارَكًا وَ هُدًى لِلْعَالَمِينَ».

و هنگامی که نظرش بر «حجرالأسود» افتاد رو به سوی آن کند
و بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَ مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا
اللَّهُ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ
أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِهِ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ مِمَّنْ أَحْشَى وَ أَحْذَرُ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
وَ حُدَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ يُمِيتُ
وَ يُحْيِي وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ
آلِهِ كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ

إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ وَ سَلَامٌ عَلَىٰ جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ أَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أُوْمِنُ بِوَعْدِكَ وَ أَصَدِّقُ رُسْلَكَ وَ أَتَّبِعُ كِتَابَكَ».

سپس با وقار و آرامش روانه شود و گامها را کوتاه بردارد، و چون نزدیک حجرالأسود رسید، دستها را بردارد و حمد و ثنای الهی بجا آورد و صلوات بر محمد و آل محمد عليهم السلام بفرستد و بگوید:

«اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي».

۱۳- مستحب است دست و صورت و بدنش را به حجرالأسود بمالد و آن را ببوسد، و اگر نتوانست اشاره کند و بگوید:

«اللَّهُمَّ أَمَانَتِي أَدَيْتَهَا وَ مِيثَاقِي تَعَاهَدْتَهُ لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ، اللَّهُمَّ تَصَدِّقًا بِكِتَابِكَ وَ عَلَىٰ سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ حُدَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، آمَنْتُ بِاللَّهِ وَ كَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَ الطَّاغُوتِ وَ بِاللَّاتِ وَ الْعُزَّىٰ وَ عِبَادَةَ الشَّيْطَانِ وَ عِبَادَةَ كُلِّ نِدٍّ يُدْعَىٰ مِنْ دُونِ اللَّهِ».

و اگر نتواند همه این دعاها را بخواند بعضی از آن را بخواند و بگوید:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ بَسَطْتُ يَدِي وَ فِيمَا عِنْدَكَ عَظُمْتُ رَغْبَتِي، فَاقْبَلْ سُبْحَتِي وَ اغْفِرْ لِي وَ ارْحَمْنِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَ الْفَقْرِ وَ مَوَاقِفِ الْخِزْيِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ».

آداب طواف

۱۴- مستحب است در حال طواف سر برهنه و پا برهنه مشغول دعا و ذکر الهی باشد، و گامها را کوچک بردارد و آنچه را که در نماز مکروه است ترک کند، و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يُمَشَىٰ بِهِ عَلَىٰ طَلَلِ الْمَاءِ، كَمَا يُمَشَىٰ بِهِ عَلَىٰ جُدَدِ الْأَرْضِ وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَهْتَرُّ لَهُ عَرَشُكَ وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تَهْتَرُّ لَهُ أَقْدَامُ مَلَائِكَتِكَ وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَىٰ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ، وَ أَلْقَيْتَ عَلَيْهِ مَحَبَّةً مِنْكَ، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي غَفَرْتَ بِهِ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ أَتَمَمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ، أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا» و حاجت خود را بطلبد.

۱۵- مستحب است در حال طواف بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ فَاقِرٌ وَإِنِّي خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ فَلَا تُغَيِّرْ جِسْمِي وَلَا تُبَدِّلْ إِسْمِي».

۱۶- مستحب است در هر شوط که به درب خانه معظمه می‌رسد صلوات بر محمد و آل محمد علیهم‌السلام بفرستد، و این دعا را بخواند:
«سَائِلُكَ بِفِنَائِكَ، مِسْكِينُكَ بِبَابِكَ، فَتَصَدَّقْ عَلَيْهِ بِالْجَنَّةِ، اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ وَالْحَرَمُ حَرَمُكَ وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ وَهَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ الْمُسْتَجِيرِ بِكَ مِنَ النَّارِ، فَأَعْتِقْنِي وَالِدَيَّ وَأَهْلِي وَوَلَدِي وَإِخْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ مِنَ النَّارِ يَا جَوَادُ يَا كَرِيمٌ».

هنگامی که به حجر اسماعیل علیه‌السلام رسید به ناودان طلا نگاه کند، و بگوید:

«اللَّهُمَّ أَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَأَجِرْنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ وَعَافِنِي مِنَ السُّمِّ وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ وَأَذْرِ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ».

وقتی از حجر گذشت و به پشت کعبه رسید، بگوید:

«يَا ذَا الْمَنِّ وَالطُّوْلِ وَالْجُودِ وَالْكَرَمِ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ

فَضَاعِفُهُ لِي وَتَقَبَّلْهُ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ».

و وقتی به رکن یمانی رسید دستها را بردارد، و بگوید:

«يَا اللَّهُ، يَا وَلِيَّ الْعَافِيَةِ وَ خَالِقَ الْعَافِيَةِ وَ رَازِقَ الْعَافِيَةِ وَ الْمُنْعِمَ بِالْعَافِيَةِ وَ الْمَنَّانُ بِالْعَافِيَةِ وَ الْمُتَفَضِّلُ بِالْعَافِيَةِ عَلَيَّ وَ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ رَحِيمَهُمَا صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَرْزُقْنَا الْعَافِيَةَ وَ دَوَامَ الْعَافِيَةِ وَ تَمَامَ الْعَافِيَةِ وَ شُكْرَ الْعَافِيَةِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

پس سر به طرف کعبه مکرّمه بالا کند، و بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَّفَكَ وَ عَظَّمَكَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا نَبِيًّا وَ جَعَلَ عَلِيًّا إِمَامًا، اللَّهُمَّ أَهْدِ لَهُ خِيَارَ خَلْقِكَ وَ جَنِّبَهُ شِرَارَ خَلْقِكَ».

و هنگامی که میان رکن یمانی و حجرالأسود رسید، بگوید:

«رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ».

و وقتی در شوط هفتم به مستجار رسید - و آن پشت کعبه است

نزدیک رکن یمانی - برابر در کعبه بایستد و دستها را به دیوار کعبه معظمه بگذارد و صورت و بدن خود را به کعبه بچسباند، و بگوید:

«اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ وَ هَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ اللَّهُمَّ مِنْ قَبْلِكَ الرُّوحُ وَالْفَرْجُ وَالْعَافِيَةُ، اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي وَ اغْفِرْ لِي مَا أَطْلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي وَ خَفِيَ عَلَيَّ خَلْقَكَ اسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ».

و بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنَّ عِنْدِي أَفْوَاجاً مِنْ ذُنُوبٍ وَ أَفْوَاجاً مِنْ خَطَايَا وَ عِنْدَكَ أَفْوَاجٌ مِنْ رَحْمَةٍ وَ أَفْوَاجٌ مِنْ مَغْفِرَةٍ يَا مَنْ اسْتَجَابَ لِأَبْغَضِ خَلْقِهِ إِذْ قَالَ ﴿ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ ﴾ اسْتَجِبْ لِي».

پس حاجت خود را بطلبد و بسیار دعا کند، و به گناهان خود اقرار کند، و طلب آمرزش نماید که البته آمرزیده می شود ان شاء الله تعالی.

هنگامی که به حجرالأسود رسید، بگوید:

«اللَّهُمَّ قَنِّعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي وَ بَارِكْ لِي فِيهَا آتَيْتَنِي».

آداب نماز طواف

۱۷- مستحب است در نماز طواف، در رکعت اول بعد از حمد سوره توحید و در رکعت دوم سوره جَحَد^(۱) را بخواند، و بعد از نماز حمد و ثنای الهی را بجا آورد و صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلام بفرستد، و از خداوند درخواست قبول کند، و بگوید:

«اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي وَ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي الْحَمْدُ لِلَّهِ بِمَحَامِدِهِ كُلِّهَا، عَلَيَّ نِعْمَاتِهِ كُلِّهَا، حَتَّى يَنْتَهِيَ الْحَمْدُ إِلَى مَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ تَقَبَّلْ مِنِّي وَ طَهِّرْ قَلْبِي وَ زَكِّ عَمَلِي».

و در بعضی از روایات آمده که بگوید:

«اللَّهُمَّ أَرْحَمْنِي بِطَاعَتِي إِيَّاكَ وَ طَاعَتِي رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي أَنْ أَتَعَدَّى حُدُودَكَ وَ أَجْعَلْنِي مِمَّنْ يُحِبُّكَ وَ يُحِبُّ رَسُولَكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ مَلَائِكَتَكَ وَ عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ».

۱. سوره کافرون.

پس به سجده رود و بگوید:

«سَجَدَ لَكَ وَجْهِي تَعْبُدًا وَرِقًا، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ حَقًّا حَقًّا، الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ، وَالْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ، وَهَذَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ، نَاصِيَتِي بِيَدِكَ، فَاعْفِرْ لِي، إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ، فَاعْفِرْ لِي، فَإِنِّي مُتَّقِرٌ بِذُنُوبِي عَلَى نَفْسِي، وَلَا يَدْفَعُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ».

آداب سعی

۱۸- وقتی می‌خواهد سعی کند مستحب است به نزد حجرالأسود آید و آن را ببوسد و دستها یا بدنش را بر آن بمالد یا به آن اشاره کند، پس نزد چاه زمزم بیاید و از آب آن بنوشد و بر خودش بریزد، و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا، وَرِزْقًا وَاسِعًا، وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سَقَمٍ».

پس متوجه صفا شود از دری که برابر حجرالأسود است و آن دری است که حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ از آن بیرون رفتند، و مستحب

است با آرامش تن و روان بالای کوه صفا برود تا نظر کند به خانه کعبه و رو به رکن عراقی کند و حمد و ثنای الهی بنماید و نعمت‌های الهی را به خاطر آورد و هفت بار «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگوید، و هفت بار «الْحَمْدُ لِلَّهِ»، و هفت بار «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و سه مرتبه:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْأَحْمَدُ، يُحْيِي وَ يُمِيتُ، وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي، وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

پس صلوات بر محمد و آل محمد عليهم السلام بفرستد و سه بار بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا، الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَوْلَانَا وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الدَّائِمِ».

پس سه بار بگوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، لَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ، مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ».

و سه مرتبه بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَ الْعَافِيَةَ، وَ الْيَقِينَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ».

و سه مرتبه بگوید:

«اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ».

پس صد مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» و صد مرتبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و صد مرتبه «الْحَمْدُ لِلَّهِ» و صد مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» بگوید.

سپس این دعا را بخواند:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ حُدَّهُ وَ حُدَّهُ، أَنْجَزَ وَ عَدَّهُ، وَ نَصَرَ عَبْدَهُ، وَ غَلَبَ الْأَحْزَابَ وَ حُدَّهُ، فَلَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ وَ حُدَّهُ، اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِي الْمَوْتِ وَ فِيمَا بَعْدَ الْمَوْتِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ظُلْمَةِ الْقَبْرِ وَ وَحْشَتِهِ، اللَّهُمَّ أَظِلَّنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ».

و بسیار تکرار کند سپردن دین و نفس و اهل و مال خود را به خداوند و بگوید:

«أَسْتَوِدِعُ اللَّهَ الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ الَّذِي لَا تَضِيعُ وَ دَائِعُهُ دِينِي وَ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ وَلَدِي، اللَّهُمَّ اسْتَعْمِلْنِي عَلَى كِتَابِكَ وَ

سُنَّةِ نَبِيِّكَ وَ تَوَقَّفِي عَلَى مِلَّتِهِ وَ أَعِدَّنِي مِنَ الْفِتْنَةِ».

پس سه مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگوید، و دو مرتبه دعای سابق را بخواند، و یک بار تکبیر بگوید و بخواند دعای سابق را.

همچنین مستحب است که این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ قَطًّا، فَإِنْ عُدْتُ فَعُدَّ عَلَيَّ بِالْمَغْفِرَةِ، فَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ، اللَّهُمَّ أَفْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، فَإِنَّكَ إِنْ تَفَعَّلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ تَرْحَمْنِي، وَإِنْ تُعَذِّبْنِي فَأَنْتَ غَنِيٌّ عَنْ عَذَابِي، وَ أَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى رَحْمَتِكَ، فَيَا مَنْ أَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى رَحْمَتِهِ إِرْحَمْنِي، اللَّهُمَّ لَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ، فَإِنَّكَ إِنْ تَفَعَّلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ، تُعَذِّبْنِي وَ لَمْ تَظْلِمْنِي، أَصَبَحْتُ أَتَقِي عَذَابَكَ وَ لَا أَخَافُ جُورَكَ، فَيَا مَنْ هُوَ عَدْلٌ لَا يَجُورُ إِرْحَمْنِي».

سپس بگوید:

«يَا مَنْ لَا يَخِيبُ سَائِلُهُ وَ لَا يَنْقُدُ نَائِلُهُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَعِدَّنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ».

۱۹- در حدیث آمده است: کسی که می‌خواهد ثروتش زیاد

شود ایستادن بر صفا را طول دهد.

۲۰- مستحب است در پایه چهارم رو به کعبه این دعا را بخواند:
 «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَفِتْنَتِهِ وَغُرْبَتِهِ وَ
 وَحْشَتِهِ وَظُلْمَتِهِ وَضَيْقِهِ وَصَنْكِهِ، اللَّهُمَّ أَظِلَّنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ
 يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ».

پس از آن پایه، پایین بیاید و احرام را از روی کمر خود بردارد و بگوید:
 «يَا رَبَّ اَلْعَفْوِ، يَا مَنْ اَمَرَ بِالْعَفْوِ، يَا مَنْ هُوَ اَوْلَى بِالْعَفْوِ، يَا
 مَنْ يُثِيبُ عَلَيَّ اَلْعَفْوِ، اَلْعَفْوِ، اَلْعَفْوِ، اَلْعَفْوِ يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ، يَا
 كَرِيمُ يَا قَرِيبُ يَا بَعِيدُ، اُرْدُدْ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ وَ اَسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَ
 مَرْضَاتِكَ».

۲۱- مستحب است در حال سعی وقتی به مناره رسید بگوید:
 «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ اللَّهُ اَكْبَرُ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ
 اَهْلِ بَيْتِهِ، اللَّهُمَّ اَغْفِرْ وَ اَرْحَمْ وَ تَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ، إِنَّكَ اَنْتَ اَعَزُّ
 الْاَكْرَمُ وَ اَهْدِنِي لِلتِّي هِيَ اَقْوَمُ، اللَّهُمَّ اِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعَفْهُ
 لِي وَ تَقَبَّلْ مِنِّي، اللَّهُمَّ لَكَ سَعْيِي وَ بِكَ حَوْلِي وَ قُوَّتِي، تَقَبَّلْ مِنِّي
 عَمَلِي يَا مَنْ يَقْبَلُ عَمَلِ الْمُتَّقِينَ».

۲۲- مستحب است در حال سعی از مناره تا مناره بعدی که با
 چراغ‌های سبز معین شده است تند برود (هَرَوَلَه كِنَان) و وقتی از
 آنجا گذشت بگوید:

«يَا ذَا اَلْمَنِّ وَ اَلْفَضْلِ وَ اَلْكَرَمِ وَ اَلنِّعْمَاءِ وَ اَلْجُودِ، اَغْفِرْ لِي
 ذُنُوبِي، إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ اِلَّا اَنْتَ».

۲۳- مستحب است وقتی به مروه رسید دعای اول صفا را
 بخواند و بگوید:

«اللَّهُمَّ يَا مَنْ اَمَرَ بِالْعَفْوِ يَا مَنْ يُحِبُّ اَلْعَفْوَ يَا مَنْ يُعْطِي عَلَيَّ
 اَلْعَفْوِ يَا مَنْ يَعْفُو عَلَيَّ اَلْعَفْوِ يَا رَبَّ اَلْعَفْوِ، اَلْعَفْوِ، اَلْعَفْوِ، اَلْعَفْوِ».

۲۴- مستحب است در حال سعی خود را به گریه وا دارد و گریه
 کند، و بسیار دعا نماید و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ حُسْنَ الظَّنِّ بِكَ عَلَيَّ كُلِّ حَالٍ وَ صِدْقَ
 النَّبِيِّ فِي التَّوَكُّلِ عَلَيْكَ».

آداب عرفات

۲۵- مستحب است وقتی متوجه عرفات شد این دعا را بخواند:
 «اللَّهُمَّ إِلَيْكَ صَمَدْتُ وَ إِيَّاكَ اعْتَمَدْتُ وَ وَجْهَكَ أَرَدْتُ
 أَسْأَلُكَ أَنْ تُبَارِكَ لِي فِي رِحْلَتِي وَ أَنْ تَقْضِيَ لِي حَاجَتِي وَ أَنْ
 تَجْعَلَنِي مِمَّنْ تُبَاهِي بِهِ الْيَوْمَ مَنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنِّي».

۲۶- در عرفات مستحب است با طهارت باشد، و رو به قبله کند، و دل خود را متوجه حق سبحانه و تعالی سازد، و حمد و ثنای الهی را به جا آورد و تمجید و تهلیل بکند، و صد بار «اللَّهُ أَكْبَرُ» و صد بار «الْحَمْدُ لِلَّهِ» و صد بار «سُبْحَانَ اللَّهِ» و صد بار «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بگوید و صد بار «آیة الکرسی» بخواند و صد بار صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلام بفرستد و صد مرتبه سوره «انا أنزلناه» بخواند و صد مرتبه «لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» بگوید و صد مرتبه «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» بخواند و حاجات خود را بطلبد، و سعی کند در دعا که این روز، روز دعا و مسئلت است و هیچ چیز نزد شیطان خوشتر از آن نیست که انسان را از خداوند متعال غافل سازد و باید در این روز از شر شیاطین به خدا پناه برد و متوجه خود باشد، به دل و زبان

استغفار بگوید و گناهان خود را بشمارد، گریه کند و اگر نتواند، خود را به گریه وا دارد، و برای پدر و مادر و برادران مؤمن خود دعا کند (حداقل چهل مؤمن).

در حدیث آمده که ملکی موکل است تا آنچه شخص برای برادر مؤمن بطلبد، آن ملک از حق تعالی برای او صد هزار مانند آن را بطلبد، البته تمام این زمان را صرف دعا و استغفار و ذکر کند که بعضی از علما - برای کسی که در عرفات است - آن را واجب دانسته‌اند.

۲۷- مستحب است دعاهای وارد شده در روز عرفه را بخواند خصوصاً دعای صحیفه سجادیّه و دعای حضرت امام حسین علیه السلام، بعضی از اعمال روز عرفه در آخر کتاب ذکر شده است.

۲۸- مستحب است در عرفات این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ فَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ أَخْيَبٍ وَفِدِكَ، وَ اِرْحَمْ
 مَسِيرِي إِلَيْكَ مِنَ الْفَجِّ الْعَمِيقِ، اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشَاعِرِ كُلِّهَا فُكِّ
 رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ، وَ اذْرَأْ عَنِّي
 شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ، اللَّهُمَّ لَا تَمَكِّرْ بِي وَ لَا تَخْدَعْني
 وَ تَسْتَدْرِجْنِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَوْلِكَ وَ جُودِكَ وَ كَرَمِكَ وَ

مَنَّاكَ وَفَضْلِكَ، يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ وَيَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ وَيَا
أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ
آلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا».

و حاجت خود را بطلبد، و دست به سوی آسمان بردارد، و بگوید:
«اللَّهُمَّ حَاجَتِي إِلَيْكَ الَّتِي إِنْ أُعْطِيتِيبَهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي،
وَ إِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أُعْطِيتَنِي، أَسْأَلُكَ خَلَاصَ رَقَبَتِي مِنَ
النَّارِ، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَ مَلِكُ يَدِكَ، نَاصِيَتِي بِسَيْدِكَ، وَ أَجَلِي
بِعِلْمِكَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُوفِّقَنِي لِمَا يُرْضِيكَ عَنِّي، وَ أَنْ تُسَلِّمَ مِنِّي
مَنَاسِكِي الَّتِي أَرَيْتَهَا خَلِيلَكَ إِبرَاهِيمَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ ذَكَرْتَ
عَلَيْهَا نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ
رَضِيَتْ عَمَلُهُ وَ أَطَلَّتْ عُمُرُهُ وَ أَحْيَيْتَهُ بَعْدَ الْمَوْتِ حَيَاةً طَيِّبَةً».

سپس بگوید:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْاِحْمَدُ،
يُحْيِي وَ يُمِيتُ، وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَ هُوَ عَلَيَّ كُلِّ
شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ لَكَ الْاِحْمَدُ كَالَّذِي تَقُولُ وَ خَيْرًا مِمَّا نَقُولُ وَ

فَوْقَ مَا يَقُولُ الْقَائِلُونَ، اللَّهُمَّ لَكَ صَلَاتِي وَ نُسُكِي وَ مَحْيَايَ وَ
مَمَاتِي، وَ لَكَ تَرَاتِي وَ بِكَ حَوْلِي وَ مِنْكَ قُوَّتِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ
بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَ مِنَ وَسَاوِسِ^(۱) الصَّدْرِ وَ مِنَ شَتَاتِ الْأَمْرِ وَ مِنَ
عَذَابِ النَّارِ وَ مِنَ عَذَابِ الْقَبْرِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا يَأْتِي
بِهِ الرِّيحُ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا يَأْتِي بِهِ الرِّيحُ، وَ أَسْأَلُكَ خَيْرَ
اللَّيْلِ وَ خَيْرِ النَّهَارِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا وَ فِي سَمْعِي وَ
بَصْرِي نُورًا وَ فِي لَحْمِي وَ دَمِي وَ عِظَامِي وَ عُرُوقِي وَ مَقْعَدِي
وَ مَقَامِي وَ مَدْخَلِي وَ مَخْرَجِي نُورًا، وَ اعْظِمْ لِي نُورًا يَا رَبِّ
يَوْمَ الْقَاكَ إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

و تا بتواند در این روز از خیرات و صدقات کوتاهی نکند.

۲۹- مستحب است در عرفات رو به قبله کند و صد مرتبه بگوید:

«سُبْحَانَ اللَّهِ» و صد مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» و صد مرتبه «مَا شَاءَ
اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» و صد مرتبه «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

۱. وسواس (خ ل).

وَحَدَّهُ شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ، وَيُمِيتُ وَيُحْيِي وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

سپس ده آیه اول سورة بقره را تلاوت کند و (قل هو الله أحد) را سه بار بخواند پس از آن آیه الکرسی، و این آیات از سورة اعراف را بخواند:

﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ أَدْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ وَ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَ ادْعُوهُ خَوْفًا وَ طَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ﴾.

سپس «معوذتین» را بخواند، و بعد تا جایی که می تواند نعمت های الهی را یک یک بشمارد و بگوید:

«لَكَ الْحَمْدُ عَلَى نِعْمَتِكَ الَّتِي لَا تُحْصَى بِعَدَدٍ وَ لَا تُكَافَى بِعَمَلٍ».

و حمد کند خدا را به هر آیه که خدا خود را در قرآن حمد کرده است، و تسبیح کند به هر تسبیحی که خدا خود را در قرآن تسبیح کرده است، و تکبیر کند به هر تکبیری که خدا خود را در قرآن تکبیر کرده است، و تهلیل کند به هر «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» که خدا در قرآن خود را تهلیل کرده است و صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلام بسیار بفرستد، و بخواند خدا را به هر نامی که خدا خود را در قرآن به آن نام خوانده است، و به هر اسمی که می داند و به اسامی آخر سورة حشر و بگوید:

«أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ، وَ أَسْأَلُكَ بِقُوَّتِكَ وَ قُدْرَتِكَ وَ عِزَّتِكَ وَ بِجَمِيعِ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ، وَ بِأَرْكَانِكَ كُلِّهَا، وَ بِحَقِّ رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ بِاسْمِكَ الْأَكْبَرِ الْأَكْبَرِ، وَ بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الَّذِي مَنْ دَعَاكَ بِهِ كَانَ حَقًّا عَلَيْكَ أَنْ لَا تُخَيِّبَهُ، وَ بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الَّذِي مَنْ دَعَاكَ بِهِ كَانَ حَقًّا عَلَيْكَ أَنْ لَا تَرُدَّهُ وَ أَنْ تُعْطِيَهُ مَا سَأَلَ أَنْ تُغْفِرَ لِي جَمِيعَ ذُنُوبِي فِي جَمِيعِ عِلْمِكَ فِيَّ».

و هر حاجت که دارد از خدا بخواهد، و از خداوند درخواست کند که هر سال به سفر حج موفق شود.

و هفتاد مرتبه بگويد:

«أَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ» و هفتاد مرتبه «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ».

پس بخواند دعایی را که جبرائیل در این مقام به حضرت آدم علیه السلام برای قبول توبه اش یاد داد:

«سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَ بِحَمْدِكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ عَمِلْتُ سُوءاً وَ ظَلَمْتُ نَفْسِي فَأَعْتَرَفْتُ بِذُنُوبِي فَاعْفُرْ لِي إِنَّكَ أَنْتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ، سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَ بِحَمْدِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ عَمِلْتُ سُوءاً وَ ظَلَمْتُ نَفْسِي فَأَعْتَرَفْتُ بِذُنُوبِي فَاعْفُرْ لِي إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ».

۳۰- نزدیک غروب آفتاب روز عرفه بگويد:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَ مِنْ تَشْتُّتِ الْأَمْرِ وَ مِنْ شَرِّ مَا يَخْدُتُ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ، أَمْسِي ظَلَمِي مُسْتَجِيراً بِعَفْوِكَ، وَ أَمْسِي خَوْفِي مُسْتَجِيراً بِأَمَانِكَ وَ أَمْسِي ذُنُوبِي مُسْتَجِيراً بِمَغْفِرَتِكَ وَ أَمْسِي ذُلِّي مُسْتَجِيراً بِعِزَّتِكَ، وَ أَمْسِي وَجْهِي الْفَانِي الْبَالِي مُسْتَجِيراً بِوَجْهِكَ الْبَاقِي، يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَ يَا أَجْوَدَ مَنْ أُعْطِيَ، يَا أَرْحَمَ مَنْ أَسْتُرِحِمُ جَلَلَنِي بِرَحْمَتِكَ، وَ أَلْسِنِي عَافِيَتَكَ وَ أَصْرِفْ عَنِّي شَرَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ».

آداب مشعر الحرام

۳۱- پس با آرامش و حالت استغفار به طرف مشعر الحرام

حرکت کند و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ هَذَا الْمَوْقِفِ، وَ أَرْزُقْنِيهِ مِنْ قَابِلٍ أَبَداً مَا أَبْقَيْتَنِي، وَ أَقْلِبْنِي الْيَوْمَ مُفْلِحاً مُنْجِجاً مُسْتَجَاباً لِي، مَرْحُوماً مَغْفُوراً لِي، بِأَفْضَلِ مَا يَنْقَلِبُ بِهِ الْيَوْمَ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ وَ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ، وَ اجْعَلْنِي الْيَوْمَ مِنْ أَكْرَمِ وَفْدِكَ عَلَيْكَ، وَ اعْطِنِي أَفْضَلَ مَا أُعْطِيتَ أَحَداً مِنْهُمْ مِنَ الْخَيْرِ وَ الْبَرَكَاتِ وَ الرَّحْمَةِ وَ الرِّضْوَانِ وَ الْمَغْفِرَةِ، وَ بَارِكْ لِي فِيمَا أَرْجِعُ إِلَيْهِ مِنْ أَهْلِ أَوْ مَالٍ أَوْ قَلِيلٍ أَوْ كَثِيرٍ وَ بَارِكْ لَهُمْ فِيَّ».

و بسیار بگويد: «اللَّهُمَّ اعْتِقْنِي مِنَ النَّارِ».

۳۲- مستحب است وقتی متوجه مشعر الحرام می شود با آرامش

تن و دل باشد و استغفار کند، و چون به تل سرخ رسید بگويد:

«اللَّهُمَّ أَرْحَمَ مَوْقِفِي، وَ زِدْ فِي عَمَلِي، وَ سَلِّمْ لِي دِينِي، وَ

تَقَبَّلْ مَنَاسِكِي».

و بعضی گفته‌اند بگوید:

«اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ هَذَا الْمَوْقِفِ وَ أَرْزُقْنِيهِ أَبَدًا
مَا أَبْقَيْتَنِي».

و بسیار بگوید: «اللَّهُمَّ اغْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ».

۳۳- مستحب است در وسط وادی و جانب راست راه فرود آید

و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ هَذِهِ جُمُعٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْمَعَ لِي فِيهَا جَوَامِعَ
الْخَيْرِ، اللَّهُمَّ لَا تُؤَيِّسْنِي مِنَ الْخَيْرِ الَّذِي سَأَلْتُكَ أَنْ تَجْمَعَهُ لِي
فِي قَلْبِي، وَ أَطْلُبُ إِلَيْكَ أَنْ تُعَرِّفَنِي مَا عَرَّفْتَ أَوْلِيَاءَكَ فِي مَنْزِلِي
هَذَا وَ أَنْ تَقِيَّتِي جَوَامِعَ الشَّرِّ».

۳۴- مستحب است تا بتواند آن شب را به عبادت و اطاعت الهی

سپری کند.

در روایت است که درهای آسمان در این شب بسته

نمی‌شود، و صدای مؤمنین بالا می‌رود، و خدا می‌فرماید: من
خدای شمایم و شما بندگان من هستید حق مرا ادا کردید، بر من

لازم است که اجابت نمایم دعاها را، پس بعضی را تمام
گناهان و بعضی را قسمتی از آن را می‌آمرزد.

۳۵- مستحب است برای وقوف در مشعرالحرام غسل کند، و با

وضو باشد و حمد و ثنای الهی بجای آورد و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ فُكِّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَ أَوْسِعْ
عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ، وَ أَدْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْأَجْنِّ وَ
الْإِنْسِ، اللَّهُمَّ أَنْتَ خَيْرَ مَطْلُوبٍ إِلَيْهِ وَ خَيْرَ مَدْعُوٍّ وَ خَيْرَ مَسْئُولٍ،
وَ لِكُلِّ وَافِدٍ جَائِزَةٌ فَاجْعَلْ جَائِزَتِي فِي مَوْطِنِي هَذَا أَنْ تُثَقِّلَنِي
عَثْرَتِي وَ تَقْبَلَ مَعْدِرَتِي وَ أَنْ تَتَجَاوَزَ عَنِّي خَطِيئَتِي، ثُمَّ اجْعَلْ
الْتِقَايَ مِنَ الدُّنْيَا زَادِي، وَ ثَقْلِي مَفْلِحًا مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا لِي
بِأَفْضَلِ مَا يَرْجِعُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ وَ زُورِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ».

و برای خود و پدر و مادر و برادران و اهل و فرزندان و مال

خوش بسیار دعا کند.

۳۶- مستحب است وقتی که از مشعر به سوی منی رفته و به

وادی محسر رسید، به مقدار صد قدم هروله کند (پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)

سواره بودند و چون به این محل رسیدند، شتر خود را به حرکت درآوردند و این دعا را خواندند: **اللَّهُمَّ سَلِّمْ لِي عَهْدِي وَ أَقْبَلْ تَوْبَتِي وَ أَجِبْ دَعْوَتِي وَ أَخْلُفْنِي فِيمَنْ تَرَكْتُ بَعْدِي.**

آداب منی

۳۷- هنگام رمی جمرات وقتی که سنگریزه را در دست دارد

این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ هَذِهِ حَصِيَّاتِي فَأَحْصِيْنِي لِي وَ أَرْفَعْنِي فِي عَمَلِي.»

و هر سنگریزه را که بیندازد این دعا را بخواند:

«اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ أَدْحِزْ عَنِّي الشَّيْطَانَ، اللَّهُمَّ تَصَدِّقاً بِكِتَابِكَ وَ عَلَيَّ سُنَّةَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي حَجًّا مَبْرُوراً وَ عَمَلًا مَقْبُولاً وَ سَعْيًا مَشْكُوراً وَ ذَنْبًا مَغْفُوراً.»

هنگامی که بجای خود در منی برگشت، بگوید:

«اللَّهُمَّ بِكَ وَثِقْتُ وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ فَنِعْمَ الرَّبُّ وَ نِعْمَ الْمَوْلَى وَ نِعْمَ النَّصِيرُ.»

۳۸- مستحب است در وقت قربانی کردن این دعا را بخواند:

«وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِذِي فَطَرِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ حَنِيفاً مُسْلِماً وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ، إِنَّ صَلَاتِي وَ نُسُكِي وَ مَخْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ بِذَلِكَ أُمِرْتُ وَ أَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ، اللَّهُمَّ مِنْكَ وَ لَكَ، بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي.»

در بعضی روایات آمده که سپس بگوید:

«اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي كَمَا تَقَبَّلْتَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ وَ مُوسَى كَلِيمِكَ وَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ.»

۳۹- مستحب است در وقت سر تراشیدن رو به قبله کند، و این

دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ أَعْطِنِي بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُوراً يَوْمَ الْقِيَامَةِ.»

آداب برگشت به مکه مکرمه

۴۰- مستحب است برای برگشتن به مکه مکرمه و انجام اعمال آن غسل کند، و متوجه مسجد الحرام شود، با ذکر و تمجید الهی و صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلام، چون به در مسجد رسید این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ اعْنِي عَلَى نُسُكِكَ وَ سَلِّمْنِي لَهُ وَ سَلِّمُهُ لِي، أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْعَلِيلِ الدَّلِيلِ الْمُعْتَرِفِ بِذَنْبِهِ أَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي وَ أَنْ تُرْجِعَنِي بِحَاجَتِي، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَ الْبَلَدُ بَلَدُكَ وَ الْبَيْتُ بَيْتُكَ، جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ وَ أُوْمُّ طَاعَتِكَ مُتَّبِعاً لَأَمْرِكَ رَاضِياً بِقَدْرِكَ، أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْمُظْطَرِّ إِلَيْكَ الْمُطِيعِ لَأَمْرِكَ الْمُشْفِقِ مِنْ عَذَابِكَ الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ أَنْ تُبَلِّغَنِي عَفْوَكَ وَ تُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ».

سپس نزد حجرالأسود برود و آن را استلام نماید، و ببوسد.

آداب برگشت به منی

۴۱- مستحب است وقتی از مکه معظمه به منی مراجعت می کند این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ بِكَ وَتَقَّتْ وَ بِكَ آمَنْتُ وَ لَكَ أَسَلْتُ وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ فَنِعْمَ الرَّبُّ وَ نِعْمَ الْمَوْلَى وَ نِعْمَ النَّصِيرُ».

۴۲- تکبیر در منی مستحب است، و احوط این است که تکبیر را در منی و غیر منی ترک نکند، در منی بعد از ۱۵ نماز، و در غیر منی بعد از ۱۰ نماز تکبیر بگوید و اول آنها ظهر روز عید می باشد، و کیفیت آن بنا بر مشهور چنین است:

«اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا وَ لَهُ الْحَمْدُ عَلَى مَا أَبْلَانَا وَ رَزَقَنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ».

در بعضی از روایات آمده است که بعد از تکبیر سوم بگوید:
«وَ لِلَّهِ الْحَمْدُ اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ».

در بعضی از روایات اضافه شده:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَىٰ مَا رَزَقْنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ».

۴۳- مستحب است در این ایام (یازدهم و دوازدهم و سیزدهم) نمازهای واجب و مستحب خود را در مسجد خیف بجا آورد.

در حدیث آمده: هرکه در مسجد خیف صد رکعت نماز بگذارد با عبادت هفتاد سال برابر است، و هرکه صد مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» بگوید، برای او ثواب آزاد کردن بنده می‌نویسند، و هرکه صد مرتبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بگوید برابر است با ثواب زنده کردن انسانی، و هرکه صد مرتبه «الْحَمْدُ لِلَّهِ» بگوید برابر است با خراج عراقین^(۱) که در راه خدا صدقه بدهد.

آداب وداع

۴۴- مستحب است پس از پایان اعمال حج، طواف وداع بجا آورد و داخل خانه کعبه شود، مخصوصاً کسی که سفر اول اوست. در حدیث آمده است: داخل شدن در کعبه، داخل شدن در رحمت خداست و بیرون رفتن از آن بیرون رفتن از گناهان می‌باشد.

۱. خراج عراقین، یعنی: مالیات کوفه و بصره.

۴۵- مستحب است که برای وارد شدن به کعبه معظمه غسل کند، و پای برهنه داخل شود، و پیش از دخول دو حلقه در را بگیرد و بگوید:
«اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ وَقَدْ قُلْتَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا فَأَمِّنِي مِنْ عَذَابِكَ وَأَجْزِنِي مِنْ سَخَطِكَ».

پس داخل شود و بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا فَأَمِّنِي مِنْ عَذَابِكَ عَذَابِ النَّارِ».

پس در میان دو ستون دو رکعت نماز بخواند، و به رکنی رود که در آنجا حجرالأسود است و بدن خود را بر آن بمالد.

۴۶- بسیار طواف کردن مستحب است، و برای حجاج از نماز نافله افضل است، و طواف به نیابت از پدر و مادر و همسر و فرزندان و دیگر آشنایان و سایر مؤمنین بسیار ثواب دارد، و به نیابت حضرت پیغمبر اکرم ﷺ و حضرت فاطمه علیها السلام و دوازده امام باقرین ثواب فراوان دارد.
۴۷- مستحب است در مکه معظمه قرآن مجید را ختم کند.

در حدیث آمده: هرکه در آنجا قرآن را ختم کند، از دنیا نرود تا پیامبر ﷺ و منزل خود را در بهشت ببیند.

۴۸- مستحب است در مکه معظمه به زیارت مکان تولد پیامبر ﷺ مشرف شود، و به منزل حضرت خدیجه علیها السلام برود، و قبر حضرت عبدالمطلب علیها السلام و حضرت ابوطالب علیها السلام و قبر حضرت خدیجه علیها السلام را زیارت کند، و به غار حرا که حضرت رسول ﷺ اوایل بعثت در آنجا عبادت می نمود و مبعوث به رسالت گردید، همچنین غاری که در کوه ثور است و حضرت محمد ﷺ در آنجا مخفی شده بودند برود.

۴۹- مستحب است هنگام خروج از مکه مکرمه صدقه بدهد و از خدا بخواهد که باز به او توفیق حج عنایت نماید، و غسل کند و طواف وداع انجام دهد و حجرالأسود و رکن یمانی را استلام کرده و خود را به کعبه معظمه بچسباند و حمد و ثنای الهی بجای آورد و بر پیامبر و اهل بیتش علیهم السلام صلوات بفرستد، و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَأَمِينِكَ وَحَبِيبِكَ وَنَجِيِّكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ كَمَا بَلَغَ رِسَالَتَكَ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِكَ وَصَدَعَ بِأَمْرِكَ وَأُوذِيَ فِيكَ وَفِي جَنبِكَ حَتَّى أَتَاهُ الْيَقِينُ، اللَّهُمَّ أَقْلِبْنِي مُفْلِحًا مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا لِي بِأَفْضَلِ مَا

يَرْجِعُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ مِنَ الْمَغْفِرَةِ وَالْبَرَكَاتِ وَالرِّضْوَانِ وَالْإِعْفَاءِ مِمَّا يَسْئُرُنِي أَنْ أُطَلَّبَ، أَنْ تُعْطِيَنِي مِثْلَ الَّذِي أَعْطَيْتَهُ أَفْضَلَ مِنْ عَبْدِكَ وَتَزِيدَنِي عَلَيْهِ، اللَّهُمَّ إِنْ أَمَتَّنِي فَاعْفُرْ لِي، وَ إِنْ أَحْيَيْتَنِي فَارْزُقْنِيهِ مِنْ قَابِلٍ، اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلَهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ بَيْتِكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ أُمَّتِكَ، حَمَلْتَنِي عَلَى دَابَّتِكَ وَسَيَّرْتَنِي فِي بِلَادِكَ حَتَّى أَدْخَلْتَنِي حَرَمَكَ وَأَمْنَكَ، وَقَدْ كَانَ فِي حُسْنِ ظَنِّي بِكَ أَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي، فَإِنْ كُنْتَ قَدْ غَفَرْتَ لِي ذُنُوبِي فَارْزُدْ عَنِّي رِضًا وَقَرِّبْنِي إِلَيْكَ زُلْفَى، وَلَا تُبَاعِدْنِي، وَإِنْ كُنْتَ لَمْ تَغْفِرْ لِي فَمِنَ الْآنَ فَاعْفِرْ لِي قَبْلَ أَنْ تَنَأَى عَن بَيْتِكَ دَارِي، وَ هَذَا أَوْ أَنْصِرَافِي إِنْ كُنْتَ أَدْنَتْ لِي غَيْرَ رَاغِبٍ عَنكَ وَلَا عَن بَيْتِكَ وَلَا مُسْتَبَدِّلَ بِكَ وَلَا بِهِ، اللَّهُمَّ أَحْفَظْنِي مِنْ بَيْنَ يَدَيَّ وَمِنْ خَلْفِي وَعَنْ يَمِينِي وَعَنْ شِمَالِي حَتَّى تُبَلِّغَنِي أَهْلِي وَأَكْفِنِي مَوْنَةَ عِبَادِكَ وَعِبَالِي، فَإِنَّكَ وَلِيُّ ذَلِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَمِنْ مَنِّي».

سپس به طرف آب زمزم رفته و از آن بیاشامد و بگوید:

«أَبُون تَائِبُونَ عَابِدُونَ لِرَبِّنَا حَامِدُونَ، إِلَى رَبِّنَا رَاغِبُونَ إِلَى رَبِّنَا رَاغِبُونَ».

سپس دو رکعت نماز نزد مقام ابراهیم عليه السلام بخواند، و در حال خروج هنگامی که به درب مسجد رسید دستش را بر آن گذاشته و بگوید: «الْمُسْكِينُ عَلَىٰ بَابِكَ، فَتَصَدَّقْ عَلَيْهِ بِالْجَنَّةِ»

و در نزد درب مسجد سجده طولانی بجا آورد و خارج شود. ۵۰ هـ از جمله مستحبات مؤکده مراجعت از راه مدینه طیبه است تا به زیارت حضرت فخر کائنات پیامبر اسلام صلى الله عليه وآله وسلم و حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا عليها السلام و ائمه بقیع عليهم السلام مشرف شود. در حدیث وارد شده: ترک زیارت آن حضرت صلى الله عليه وآله وسلم بعد از حج جفای بر آن بزرگوار است.

۱۵۰ مستحب است در راه بازگشت از مکه به مدینه، در مسجد غدیر خم نماز بگذارد و بسیار دعا کند، زیرا در همین جا پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم به دستور خدا امیر مؤمنان علی عليه السلام را به خلافت و امامت تعیین فرمودند و این آیه شریفه نازل شد:

«الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتَعَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ

لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا ﴿

سپس پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله وسلم فرمودند:

«اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لِلَّهِ الْحَمْدُ عَلَىٰ إِكْمَالِ الدِّينِ وَ إِتْمَامِ النُّعْمَةِ وَ رِضَى الرَّبِّ وَ الْوَلَايَةِ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام»

رَسُولَكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثَانِيًا، وَاسْتَأْذِنُ خَلِيفَتَكَ الْإِمَامَ
الْمَفْرُوضَ عَلَيَّ طَاعَتُهُ».

و نام آن امامی که می‌خواهی زیارت نمایی بیرو در زیارت ائمه

بقیع عليه السلام بگو:

«اسْتَأْذِنُ خُلَفَاءَكَ أَيَّمَنِي وَ سَادَتِي الْأَرْبَعَةَ».

سپس بگو:

«وَأَلْمَلَائِكَةَ الْمَوَكَّلِينَ بِهَذِهِ الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ ثَالِثًا، ءَأَدْخُلُ يَا
رَسُولَ اللَّهِ، ءَأَدْخُلُ يَا حُجَّةَ اللَّهِ، ءَأَدْخُلُ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ الْمُقَرَّبِينَ
الْمُقِيمِينَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ، فَأَذُنْ لِي يَا مَوْلَايَ فِي الدُّخُولِ أَفْضَلَ
مَا أذِنْتَ لِأَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ فَإِنْ لَمْ أَكُنْ أَهْلًا لِذَلِكَ فَأَنْتَ أَهْلٌ
لِذَلِكَ».

سپس عتبه مقدس را ببوس و داخل شو، و بخوان:

«بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَ أَرْحَمْنِي وَ تَبَّ عَلَيَّ إِنَّكَ
أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ».

اعمال مدینه منوره

۱- مستحب است برای ورود به شهر مدینه منوره و داخل شدن

در حرم پیامبر صلی الله علیه و آله غسل نماید.

۲- مستحب است برای ورود به حرم پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه

بقیع عليه السلام اذن دخول بخواند، مرحوم کفعمی می‌فرماید:

هنگامی که می‌خواهی به مسجد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مدینه یا به

یکی از مشاهد مشرفه ائمه اطهار عليه السلام وارد شوی این دعا را بخوان:

«اللَّهُمَّ إِنِّي وَفَّقْتُ عَلَى بَابٍ مِنْ أَبْوَابِ بَيْتِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ
عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ قَدْ مَنَعَتِ النَّاسَ أَنْ يَدْخُلُوا إِلَّا بِإِذْنِهِ، فَقُلْتُ: يَا
أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ، اللَّهُمَّ
إِنِّي أَعْتَقِدُ حُرْمَةَ صَاحِبِ هَذَا الْمَشْهَدِ الشَّرِيفِ فِي غَيْبَتِهِ كَمَا
أَعْتَقِدُهَا فِي حَضْرَتِهِ، وَ أَعْلَمُ أَنَّ رَسُولَكَ وَ خُلَفَاءَكَ عَلَيْهِمُ
السَّلَامُ أَحْيَاءٌ عِنْدَكَ يُرْزَقُونَ، يَرُونَ مَقَامِي وَ يَسْمَعُونَ كَلَامِي وَ
يُرْدُونَ سَلَامِي، وَ أَنْكَ حَجَبْتَ عَن سَمْعِي كَلَامَهُمْ، وَ فَتَحْتَ بَابَ
فَهْمِي بِلَيْدِ مُنَاجَاتِهِمْ، وَ إِنِّي اسْتَأْذِنُكَ يَا رَبِّ أَوْلَا، وَ اسْتَأْذِنُ

۳- بر تمام مردم بخصوص حجّاج مستحب مؤکّد است که به زیارت حرم پیامبر اکرم ﷺ و امامان بقیع علیهم السلام و حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بروند. از امیر مؤمنان علی علیه السلام روایت شده است که: حج خود را با زیارت پیامبر خدا ﷺ تمام کنید، زیرا ترک آن جفا می باشد و نیز حج خود را با زیارت قبوری که خدای متعال حق آنها و زیارت آنها را بر شما ملزم کرده است کامل کنید، و نزد آنها رزق خود را از خدا بخواهید. و نیز امام صادق علیهما السلام فرمود: اگر شخصی از شما حج نمود، پس ختم کند حجش را به زیارت ما، زیرا که تمامی حج به زیارت ما می باشد.

زیارت پیامبر اکرم ﷺ

۴- مستحب است پس از غسل زیارت، اذن دخول را که بیان شده بخواند و از درب جبرائیل وارد شود، و نیز مستحب است هنگام ورود پای راست خود را مقدم بدارد و هنگام خروج پای چپ را، سپس صد مرتبه «اللّهُ أَكْبَرُ» بگوید، و دو رکعت نماز تحیت مسجد بجا آورد، و سپس به سوی ضریح شریف برود و آن را با دست بگیرد و ببوسد و بگوید:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَاتِمَ النَّبِيِّينَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ الرِّسَالَةَ وَأَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصًا حَتَّى آتَاكَ الْيَقِينُ، فَصَلِّوْا تُ اللَّهُ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهُ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّاهِرِينَ».

سپس نزد ستون که از سمت راست ضریح است به طرف قبله بایست به طوری که شانه چپ به طرف ضریح و شانه راست به

طرف منبر باشد، که آن بالای سر حضرت رسول ﷺ می باشد و بگو:
 «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ
 مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ وَ أَنَّكَ مُحَمَّدُ
 بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ رَسُولَاتِ رَبِّكَ، وَ نَصَحْتَ
 لِأُمَّتِكَ، وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ عَبَدْتَ اللَّهَ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ
 بِالْحُكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، وَ أَدَيْتَ الَّذِي عَلَيْكَ مِنَ الْحَقِّ، وَ
 أَنَّكَ قَدْ رُوِّفْتَ بِالْمُؤْمِنِينَ وَ غَلِظْتَ عَلَى الْكَافِرِينَ، فَبَلَغَ اللَّهُ بِكَ
 أَفْضَلَ شَرَفٍ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَسْتَنْقِذَنَا بِكَ مِنَ
 الشُّرْكِ وَ الضَّلَالَةِ، اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَ صَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ وَ
 أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ وَ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ وَ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَ
 الْأَرْضِينَ وَ مَنْ سَبَّحَ لَكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ
 عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ نَبِيِّكَ وَ أَمِينِكَ وَ نَجِيِّكَ وَ حَبِيبِكَ
 وَ صَفِيِّكَ وَ خَاصَّتِكَ وَ صَفْوَتِكَ وَ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ أَعْطِهِ
 الدَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ، وَ آتِهِ الْوَسِيلَةَ مِنَ الْجَنَّةِ، وَ أَبْعَثْهُ مَقَاماً
 مَحْمُوداً يَعْطِيهِ بِهِ الْأَوْلُونَ وَ الْآخِرُونَ، اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ : ﴿ وَ لَوْ

أَنْتُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمْ
 الرَّسُولُ لَوْ جَدُوا اللَّهَ تَوَاباً رَحِيماً، وَ إِنِّي آتَيْتُكَ مُسْتَغْفِراً تَائِباً
 مِنْ ذُنُوبِي وَ إِنِّي أَتَوَجَّهُ بِكَ إِلَى اللَّهِ رَبِّي وَ رَبِّكَ لِیَغْفِرَ لِي
 ذُنُوبِي».

و اگر حاجتی برای تو باشد پس قبر شریف را پشت سر قرار بده
 و رو به قبله بایست و دست های خود را بالا نما و حاجت خود را
 بطلب که ان شاء الله بر آورده خواهد شد.

سه مستحب است نماز خواندن در مقام النبی ﷺ (جایی که
 پیامبر ﷺ نماز می خواندند).

عرو نیز مستحب است نماز خواندن نزد ستون ابي لبابه که
 معروف است به ستون توبه.

اللَّهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ حَبِيبِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَلِيلِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ صَفِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ أَمِينِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَيْرِ خَلْقِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ أَفْضَلِ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَمَلَائِكَتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَيْرِ الْبَرِيَّةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَوْجَةَ وَلِيِّ اللَّهِ وَخَيْرِ الْأَخْلَاقِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الصَّديقَةُ الشَّهِيدَةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الرِّضِيَّةُ الْمَرْضِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْفَاضِلَةُ الزَّكِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْحَوْرَاءُ الْأَنْسِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا النَّقِيَّةُ التَّقِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمَحْدَثَةُ الْعَلِيمَةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمَظْلُومَةُ الْمَغْضُوبَةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمُضْطَهَدَةُ الْمُتَهَوَّرَةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ مَضِيَّتْ عَلَى بَيْتَةِ مِنْ رَبِّكَ، وَ أَنَّ مَنْ سَرَكَ فَقَدْ سَرَ

زیارت حضرت زهرا علیها السلام

۷- سپس برای زیارت حضرت صدیقه کبری فاطمه زهرا علیها السلام به

نزد روضه پیغمبر صلی الله علیه و آله برود.

در محل قبر آن بانوی معظمه «صلوات الله علیها» اختلاف است، برخی گفته‌اند بین قبر و منبر، گروهی گفته‌اند در خانه‌اش گروهی دیگر گفته‌اند در بقیع مدفون است، بنابراین اگر کسی در هر سه جا آن بانوی مکرمه را زیارت نماید بهتر است.

برای زیارت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بگو:

«يَا مُنْتَحَنَةً، أُمَّتَحَنَكَ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكَ، فَوَجَدَكَ لِمَا أُمَّتَحَنَكَ صَابِرَةً، وَ زَعَمْنَا أَنَا لَكَ أَوْلِيَاءُ وَ مُصَدِّقُونَ وَ صَابِرُونَ لِكُلِّ مَا أَتَانَا بِهِ أَبُوكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ أَتَى بِهِ وَصِيَّهُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَإِنَّا نَسْأَلُكَ إِن كُنَّا صَدَقْنَاكَ إِلَّا الْحَقِّينَا بِتَصَدِيقِنَا لَهُمَا، لِنُبَشِّرَ أَنْفُسَنَا بِأَنَّا قَدْ طَهَّرْنَا بِوَلَايَتِكَ».

و مستحب است که این زیارت را نیز بخواند:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ نَبِيِّ

رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ مَنْ جَفَاكَ فَقَدْ جَفَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَ مَنْ آذَاكَ فَقَدْ آذَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَ مَنْ وَصَلَكَ فَقَدْ وَصَلَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَ مَنْ قَطَعَكَ فَقَدْ قَطَعَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، لِأَنَّكَ بَضْعَةٌ مِنْهُ وَ رُوحُهُ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْهِ، (كَمَا قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، أَشْهَدُ اللَّهُ وَرُسُلَهُ وَ مَلَائِكَتَهُ أَنِّي رَاضٍ عَمَّنْ رَضِيَتْ عَنْهُ، سَاخِطٌ عَلَى مَنْ سَخِطَ عَلَيْهِ، مُتَبَرِّئٌ مِمَّنْ تَبَرَّأَتْ مِنْهُ، مُوَالٍ لِمَنْ وَالَيْتَ، مُعَادٍ لِمَنْ عَادَيْتَ، مُبْغِضٌ لِمَنْ أَبْغَضْتَ، مُحِبٌّ لِمَنْ أَحْبَبْتَ، وَ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً وَ حَسِيباً وَ جَازِياً وَ مُثِيباً».

زيارت ائمه بقیع علیهم السلام

ع- زیارت ائمه بقیع علیهم السلام یعنی امام مجتبی علیه السلام و امام سجاد علیه السلام و امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام. هنگامی که می خواهی آن امامان بزرگوار را زیارت نمایی آداب زیارت از غسل و طهارت و پوشیدن لباس های پاک و تمیز و عطرزدن را بجا آور. و همان اذن دخول را که قبلاً ذکر کردیم بخوان و سپس بگو:

«يَا مَوَالِيَّ يَا أَبْنَاءَ رَسُولِ اللَّهِ، عَبْدُكُمْ وَ ابْنُ أُمَّتِكُمْ الدَّلِيلُ بَيْنَ أَيْدِيكُمْ، وَ الْمُضْعِفُ فِي عُلوِّ قَدْرِكُمْ وَ الْمُعْتَرِفُ بِحَقِّكُمْ، جَائِكُمْ مُسْتَجِيراً بِكُمْ، قاصِداً إِلَى حَرَمِكُمْ، مُتَقَرِّباً إِلَى مَقَامِكُمْ، مُتَوَسِّلاً إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِكُمْ، ءَأَدْخُلُ يَا مَوَالِيَّ، ءَأَدْخُلُ يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ، ءَأَدْخُلُ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ الْمُخَدِّقِينَ بِهَذَا الْحَرَمِ الْمُقِيمِينَ بِهَذَا الْمَشْهَدِ».

سپس با خشوع و خضوع و رقت قلب داخل بقیع شو و بخوان:
 «اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيراً، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيراً، وَ سُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَ أَصِيلاً، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْفَرْدِ الْأَصَمِّ، الْمَاجِدِ الْأَحَدِ، الْمُتَفَضِّلِ

الْمَتَّانِ، الْمَتَّوِّلِ الْحَنَّانِ، الَّذِي مَنْ بَطُولِهِ وَ سَهْلَ زِيَارَةِ سَادَاتِي بِإِحْسَانِهِ، وَ لَمْ يَجْعَلْنِي عَنْ زِيَارَتِهِمْ مَمْنُوعاً، بَلْ تَطَوَّلَ وَ مَنَحَ». سِيسَ بِهِ قَبْرَ شَرِيفِ أَنَانَ نَزْدِيكَ شَوْ، وَ پِشْتِ بِهِ قَبْلَهُ بَايَسْتِ، وَ بِخَوَانِ: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّمَّةَ الْهُدَى، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ التَّقْوَى، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْحُجَّجُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الثَّوَابُ فِي الْبَرِّيَّةِ بِالْقِسْطِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الصَّفْوَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ آلَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ النَّجْوَى، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ بَلَّغْتُمْ وَ نَصَحْتُمْ وَ صَبَرْتُمْ فِي ذَاتِ اللَّهِ وَ كَذَّبْتُمْ وَ أَسِيءَ إِلَيْكُمْ فَغَفَرْتُمْ، وَ أَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْأَيُّمَّةُ الرَّاشِدُونَ الْمُهْتَدُونَ، وَ أَنَّ طَاعَتَكُمْ مَفْرُوضَةٌ، وَ أَنَّ قَوْلَكُمْ الصِّدْقُ، وَ أَنَّكُمْ دَعَوْتُمْ فَلَمْ تُجَابُوا، وَ أَمَرْتُمْ فَلَمْ تُطَاعُوا، وَ أَنَّكُمْ دَعَايُمُ الدِّينِ وَ أَرْكَانُ الْأَرْضِ، لَمْ تَزَالُوا بِعَيْنِ اللَّهِ يَنْسَخُكُمْ مِنْ أَصْلَابِ كُلِّ مُطَهَّرٍ، وَ يَنْقُلُكُمْ مِنْ أَرْحَامِ الْمُطَهَّرَاتِ، لَمْ تُدْنِسْكُمْ الْجَاهِلِيَّةُ الْجَهْلَاءُ وَ لَمْ تَشْرِكْ فِيكُمْ فِتْنُ الْأَهْوَاءِ، طِبْتُمْ وَ طَابَ مَنَبَتُكُمْ، مَنْ بِكُمْ عَلَيْنَا دِيَانُ الدِّينِ، فَجَعَلَكُمْ فِي بِيُوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذَكَّرَ

فِيهَا أَسْمُهُ، وَ جَعَلَ صَلَاتَنَا عَلَيْكُمْ رَحْمَةً لَنَا وَ كَفَّارَةً لِذُنُوبِنَا، إِذْ اخْتَارَكُمْ اللَّهُ^(١) وَ طَيَّبَ خَلْقَنَا بِمَا مَنَّ عَلَيْنَا مِنْ وَلَايَتِكُمْ، وَ كُنَّا عِنْدَهُ مُسَمِّينَ بِعِلْمِكُمْ، مُعْتَرِفِينَ بِتَصْدِيقِنَا إِيَّاكُمْ، وَ هَذَا مَقَامٌ مِنْ أَشْرَفِ وَ أَخْطَأَ وَ أَسْتَكَانَ وَ أَقْرَبَ بِمَا جَنَى وَ رَجَى بِمَقَامِهِ الْخِلَاصِ، وَ أَنْ يَسْتَنْفِذَهُ بِكُمْ مُسْتَنْفِذَ الْهَلَكِيِّ مِنْ الرَّدَى، فَكُونُوا لِي شَفَعَاءَ، فَقَدْ وَفَدْتُ إِلَيْكُمْ، إِذْ رَغِبَ عَنْكُمْ أَهْلُ الدُّنْيَا وَ اتَّخَذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًّا وَ اسْتَكْبَرُوا عَنْهَا، يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ لَا يَسْهُو وَ دَائِمٌ لَا يَلْهُو وَ مُحِيطٌ بِكُلِّ شَيْءٍ، لَكَ الْمَنُّ بِمَا وَفَّقْتَنِي وَ عَرَّفْتَنِي بِمَا أَقَمْتَنِي عَلَيْهِ، إِذْ صَدَّ عَنْهُ عِبَادُكَ وَ جَهَلُوا مَعْرِفَتَهُ، وَ اسْتَخَفُّوا بِحَقِّهِ، وَ مَالُوا إِلَى سِوَاهِ، فَكَانَتِ الْمِنَّةُ مِنْكَ عَلَيَّ، مَعَ أَقْوَامٍ خَصَصْتَهُمْ بِمَا خَصَصْتَنِي بِهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ إِذْ كُنْتُ عِنْدَكَ فِي مَقَامِي هَذَا مَذْكُوراً مَكْتُوباً، فَلَا تَحْرِمْنِي مَا رَجَوْتُ، وَ لَا تُخَيِّبْنِي فِي مَا دَعَوْتُ، بِحُرْمَةِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ، وَ صَلَّى اللَّهُ

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ».

سپس هر آنچه می‌خواهی دعا کن.

شیخ طوسی رحمته الله در تهذیب فرموده است: سپس هشت رکعت نماز

زیارت بخوان، برای هر امام دو رکعت.

زیارت ابراهیم فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

۷- زیارت حضرت ابراهیم فرزند حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم:

«السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى حَبِيبِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى صَفِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى نَجِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ وَ خَاتَمِ الْمُرْسَلِينَ، وَ خَيْرَةِ اللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ فِي أَرْضِهِ وَ سَمَائِهِ، السَّلَامُ عَلَى جَمِيعِ أَنْبِيَائِهِ وَ رُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَى الشُّهَدَاءِ وَ السُّعَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الرُّوحُ الزَّكِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا النَّفْسُ الشَّرِيفَةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا السَّلَالَةُ الطَّاهِرَةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا السَّمَةُ الزَّكِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ خَيْرِ الْوَرَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ النَّبِيِّ الْمُجْتَبَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْمَبْعُوثِ إِلَى كَافَّةِ الْوَرَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْبَشِيرِ النَّذِيرِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ السَّرَّاجِ الْمُنِيرِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْمُؤَيَّدِ بِالْقُرْآنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْمُرْسَلِ إِلَى الْإِنْسِ وَ الْجَانِّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ صَاحِبِ الرَّايَةِ وَ الْعَلَامَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الشَّفِيعِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

يَابْنَ مَنْ حَبَاهُ اللَّهُ بِالْكَرَامَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَ
 بَرَكَاتُهُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ اخْتَارَ اللَّهُ لَكَ دَارَ إِعْجَابِهِ، قَبْلَ أَنْ يَكْتُبَ
 عَلَيْكَ أَحْكَامَهُ أَوْ يُكَلِّفَكَ حَالَهُ وَحَرَامَهُ، فَتَقَلَّكَ إِلَيْهِ طَيِّباً زَاكِياً
 مَرْضِياً، طَاهِراً مِنْ كُلِّ نَجَسٍ، مُقَدَّساً مِنْ كُلِّ دَنَسٍ، وَبِوَاءِكَ جَنَّةَ
 الْمَأْوَى وَرَفَعَكَ إِلَى الدَّرَجَاتِ الْعُلَى وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ صَلَاةً
 تَقَرُّ بِهَا عَيْنُ رَسُولِهِ، وَتُبَلِّغُهُ أَكْبَرَ مَأْمُولِهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ أَفْضَلَ
 صَلَوَاتِكَ وَازْكَاهَا وَانْمِ بَرَكَاتِكَ وَأَوْفَاهَا، عَلَى رَسُولِكَ وَ
 نَبِيِّكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَعَلَى مَنْ نَسَلَ
 مِنْ أَوْلَادِهِ الطَّيِّبِينَ وَعَلَى مَنْ خَلَفَ مِنْ عِثْرَتِهِ الطَّاهِرِينَ،
 بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ
 صَفِيِّكَ وَإِبْرَاهِيمَ نَجْلِ نَبِيِّكَ، أَنْ تَجْعَلَ سَعْيِي بِهِمْ مَشْكُوراً وَ
 ذَنْبِي بِهِمْ مَغْفُوراً وَحَيَاتِي بِهِمْ سَعِيدَةً وَعَاقِبَتِي بِهِمْ حَمِيدَةً وَ
 حَوَائِجِي بِهِمْ مَقْضِيَةً وَأَفْعَالِي بِهِمْ مَرْضِيَةً وَأُمُورِي بِهِمْ
 مَسْعُودَةً وَشُؤُونِي بِهِمْ مَحْمُودَةً اللَّهُمَّ وَأَحْسِنْ لِي التَّوْفِيقَ وَ
 نَفْسَ عَنِّي كُلَّ هَمٍّ وَضِيقٍ، اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي عِقَابَكَ وَامْنَحْنِي ثَوَابَكَ
 وَاسْكِنِّي جَنَّاتِكَ وَارْزُقْنِي رِضْوَانَكَ وَأَمَانَكَ وَأَشْرِكْ لِي فِي

صَالِحِ دُعَائِي وَالِدِيَّ وَوُلْدِي وَجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ
 الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ، إِنَّكَ وَلِيُّ الْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ، آمِينَ
 رَبَّ الْعَالَمِينَ».

سپس دو رکعت نماز می خوانی و دعا می کنی.

مُؤْمِنَةٌ بِصِدْقِهِ، مُعْتَرِفَةٌ بِنُبُوتِهِ، مُسْتَبْصِرَةٌ بِنِعْمَتِهِ، كَافِلَةٌ بِتَرْبِيَّتِهِ،
 مُشْفِقَةٌ عَلَى نَفْسِهِ، وَاقِفَةٌ عَلَى خِدْمَتِهِ، مُخْتَارَةٌ رِضَاهُ وَ أَشْهَدُ
 أَنَّكَ مَضِيَّتِ عَلَى الْإِيمَانِ وَ التَّمَسُّكِ بِأَشْرَفِ الْأَدْيَانِ، رَاضِيَةٌ
 مَرْضِيَّةٌ، طَاهِرَةٌ زَكِيَّةٌ، تَقِيَّةٌ نَقِيَّةٌ، فَرَضِيَ اللَّهُ عَنْكَ وَ أَرْضَاكَ وَ
 جَعَلَ الْجَنَّةَ مَنْزِلَكَ وَ مَأْوَاكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ
 وَ أَنْفَعْنِي بِزِيَارَتِهَا وَ تَبَثْنِي عَلَى مَحَبَّتِهَا وَ لَا تَحْرِمْنِي شِفَاعَتَهَا وَ
 شِفَاعَةَ الْأَيْمَةِ مِنْ ذُرِّيَّتِهَا وَ أَرْزُقْنِي مُرَافَقَتَهَا وَ أَحْشُرْنِي مَعَهَا وَ
 مَعَ أَوْلَادِهَا الطَّاهِرِينَ، اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي
 إِيَّاهَا وَ أَرْزُقْنِي الْعُودَ إِلَيْهَا أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي وَإِذَا تَوَفَّيْتَنِي
 فَاحْشُرْنِي فِي زُمْرَتِهَا وَ ادْخُلْنِي فِي شِفَاعَتِهَا، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ
 الرَّاحِمِينَ، اللَّهُمَّ بِحَقِّهَا عِنْدَكَ وَ مَنْزِلَتِهَا لَدَيْكَ، اغْفِرْ لِي وَ
 لِرِجَالِي وَ لِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً
 وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ». سپس دو رکعت
 نماز می خوانی و دعا می کنی.

زيارت فاطمه بنت اسد عليها السلام

۸- زیارت فاطمه بنت اسد عليها السلام مادر حضرت امیرالمؤمنین عليه السلام:
 «السَّلَامُ عَلَى نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ
 عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْأَوْلِيَانِ،
 السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْآخِرِينَ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ بَعَثَهُ اللَّهُ
 رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ،
 السَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ أَسَدِ الْهَاشِمِيَّةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا
 الصِّدِّيقَةُ الْمَرْضِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا النَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ، السَّلَامُ
 عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْكَرِيمَةُ الرَّضِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا كَافِلَةَ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ
 النَّبِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَالِدَةَ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
 مَنْ ظَهَرَتْ شَفَقَتُهَا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ
 يَا مَنْ تَرَبَّيْتُهَا لَوْلِيٍّ اللَّهُ الْأَمِينِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى رُوحِكَ وَ
 بَدَنِكَ الطَّاهِرِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى وَ لَدِكِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ
 بَرَكَاتُهُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ أَحْسَنْتِ الْكِفَالََةَ وَ أَدَّبْتِ الْأَمَانَةَ وَ أَجْتَهَدْتِ
 فِي مَرْضَاتِ اللَّهِ وَ بَالَعْتِ فِي حِفْظِ رَسُولِ اللَّهِ، عَارِفَةٌ بِحَقِّهِ،

أَتَيْتُكَ مَكْرُوباً وَ سَكَبْتُ عَبْرَتِي عِنْدَكَ بَاكِياً وَ صِرْتُ إِلَيْكَ مُفْرِداً
وَ أَنْتَ مِمَّنْ أَمَرَنِي اللَّهُ بِصَلَاتِهِ وَ حَنَّنِي عَلَى بَرِّهِ وَ دَلَّنِي عَلَى
فَضْلِهِ وَ هَدَانِي لِحُبِّهِ وَ رَغَّبَنِي فِي الْوَفَادَةِ إِلَيْهِ وَ أَلْهَمَنِي طَلَبَ
الْحَوَائِجِ عِنْدَهُ، أَنْتُمْ أَهْلُ بَيْتٍ لَا يَشْقَى مَنْ تَوَلَّاكُمْ وَ لَا يَخِيبُ
مَنْ أَتَاكُمْ وَ لَا يَخْسِرُ مَنْ يَهْوَاكُمْ وَ لَا يَسْعُدُ مَنْ عَادَاكُمْ».

سپس دو رکعت نماز می‌گذاری و این دعا را می‌خوانی:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، اللَّهُمَّ إِنِّي تَعَرَّضْتُ
لِرَحْمَتِكَ، بِلُزُومِي لِقَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، لِيُجِيرَنِي
مِنْ نِقْمَتِكَ، فِي يَوْمٍ تَكْثُرُ فِيهِ الْأَصْوَاتُ وَ تَشْعَلُ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا
قَدَّمَتْ وَ تُجَادِلُ عَنْ نَفْسِهَا، فَإِنْ تَرَحَّمَنِي الْيَوْمَ فَلَا خَوْفَ عَلَيَّ وَ
لَا حُزْنَ وَ إِنْ تُعَاقِبْ فَمَوْلَى لَهُ الْقُدْرَةُ عَلَى عَبْدِهِ وَ لَا تُخَيِّبْنِي
بَعْدَ الْيَوْمِ وَ لَا تُصْرِفْنِي بِغَيْرِ حَاجَتِي، فَقَدْ لَصِقْتُ بِقَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ وَ
تَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ، ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ وَ رَجَاءَ رَحْمَتِكَ، فَتَقَبَّلْ مِنِّي وَ
عُدْ بِحِلْمِكَ عَلَيَّ جَهْلِي وَ بِرَأْفَتِكَ عَلَيَّ جِنَايَةَ نَفْسِي، فَقَدْ عَظُمَ
جُرْمِي وَ مَا أَخَافُ أَنْ تَظْلِمَنِي وَ لَكِنْ أَخَافُ سُوءَ الْحِسَابِ،

زیارت حضرت حمزه علیه السلام

۹- زیارت حضرت حمزه علیه السلام در اُحد:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمَّ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَ الشُّهَدَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَسَدَ اللَّهِ وَ أَسَدَ
رَسُولِهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ جُدْتَ بِنَفْسِكَ
وَ نَصَحْتَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ كُنْتَ فِيهَا عِنْدَ
اللَّهِ سُبْحَانَهُ رَاغِباً، بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي، أَتَيْتُكَ مُتَقَرِّباً إِلَى رَسُولِ
اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِذَلِكَ، رَاغِباً إِلَيْكَ فِي الشَّفَاعَةِ، أَبْتَغِي
بِزِيَارَتِكَ خَلَاصَ نَفْسِي، مُتَعَوِّذاً بِكَ مِنْ نَارٍ اسْتَحَقَّهَا مِثْلِي، بِمَا
جَنَيْتُ عَلَى نَفْسِي، هَارِباً مِنْ ذُنُوبِي الَّتِي أَحْتَضِرُهَا عَلَى ظَهْرِي،
فَرِعاً إِلَيْكَ رَجَاءَ رَحْمَةِ رَبِّي، أَتَيْتُكَ مِنْ شُقَّةٍ بَعِيدَةٍ طَالِباً فَكَأَنَّكَ
رَقَبْتِي مِنَ النَّارِ وَ قَدْ أَوْقَرْتَ ظَهْرِي ذُنُوبِي وَ أَتَيْتُ مَا أَسْخَطَ
رَبِّي وَ لَمْ أَجِدْ أَحَداً أَفْرَعُ إِلَيْهِ خَيْراً لِي مِنْكُمْ أَهْلَ بَيْتِ الرَّحْمَةِ،
فَكُنْ لِي شَفِيعاً يَوْمَ فَقْرِي وَ حَاجَتِي، فَقَدْ سِرْتُ إِلَيْكَ مَحْزُوناً وَ

فَانظُرْ الْيَوْمَ تَقَلُّبِي عَلَى قَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ، فَبِهِمَا فُكِّنِي مِنَ النَّارِ وَلَا تُخَيِّبْ سَعْيِي وَلَا يَهُونَنَّ عَلَيْكَ ابْتِهَالِي وَلَا تَخْجِبَنَّ عَنْكَ صَوْتِي وَلَا تَقْلِبْنِي بِغَيْرِ حَوَائِجِي، يَا غِيَاثَ كُلِّ مَكْرُوبٍ وَ مَحْزُونٍ وَيَا مُفَرِّجًا عَنِ الْمَلْهُوفِ الْخَيْرَانَ الْعَرِيقَ الْمُشْرِفِ عَلَى الْهَلَكَةِ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَانظُرْ إِلَيَّ نَظْرَةً لَا أَشْقَى بَعْدَهَا أَبَدًا وَارْحَمْ تَضَرُّعِي وَعَبْرَتِي وَانْفِرَادِي، فَقَدْ رَجَوْتُ رِضَاكَ وَتَحَرَّيْتُ الْخَيْرَ الَّذِي لَا يُعْطِيهِ أَحَدٌ سِوَاكَ، فَلَا تَرُدُّ أَمْلِي، اللَّهُمَّ إِنْ تَعَايَبَ فَمَوْلَى لَهُ الْقُدْرَةُ عَلَى عِبْدِهِ وَجَزَائِهِ بِسُوءِ فِعْلِهِ، فَلَا أُخَيِّبَنَّ الْيَوْمَ وَلَا تَضْرِفْنِي بِغَيْرِ حَاجَتِي وَلَا تُخَيِّبَنَّ سُخُوصِي وَوَفَادَتِي فَقَدْ أَنْفَدْتُ نَفْقَتِي وَاتَّعَبْتُ بَدَنِي وَ قَطَعْتُ الْمَفَازَاتِ وَخَلَّفْتُ الْأَهْلَ وَالْمَالَ وَمَا خَوْلْتَنِي وَآتَرْتُ مَا عِنْدَكَ عَلَى نَفْسِي وَلَذْتُ بِغَيْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَتَقَرَّبْتُ بِهِ أَيْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ، فَعُدْ بِحِلْمِكَ عَلَيَّ جَهْلِي وَبِرَأْفَتِكَ عَلَيَّ ذَنْبِي، فَقَدْ عَظُمَ جُرْمِي، بِرَحْمَتِكَ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ».

زيارت شهدای احد

١٠- زیارت شهدای احد رضوان الله تعالى عليهم:

«السَّلَامُ عَلَيَّ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ، السَّلَامُ عَلَيَّكُمْ أَيُّهَا الشُّهَدَاءُ الْمُؤْمِنُونَ، السَّلَامُ عَلَيَّكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ الْإِيمَانِ وَالتَّوْحِيدِ، السَّلَامُ عَلَيَّكُمْ يَا أَنْصَارَ دِينِ اللَّهِ وَ أَنْصَارَ رَسُولِهِ، عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ، سَلَامٌ عَلَيَّكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ، أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ اخْتَارَكُمْ لِدِينِهِ وَاصْطَفَاكُمْ لِرَسُولِهِ وَ أَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ جَاهَدْتُمْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَذَبَبْتُمْ عَنْ دِينِ اللَّهِ وَ عَنْ نَبِيِّهِ وَ جُدْتُمْ بِأَنْفُسِكُمْ دُونَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّكُمْ قُتِلْتُمْ عَلَى مِنْهَاجِ رَسُولِ اللَّهِ، فَجَزَاكُمْ اللَّهُ عَنْ نَبِيِّهِ وَ عَنْ الْإِسْلَامِ وَ أَهْلِهِ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ وَ عَرَفْنَا وُجُوهَكُمْ فِي مَحَلِّ رِضْوَانِهِ وَ مَوْضِعِ إِكْرَامِهِ، مَعَ النَّبِيِّينَ وَ الصَّادِقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسَنَ أَوْلِيَّكَ رَفِيقًا، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ حِزْبُ اللَّهِ وَ أَنَّ مَنْ حَارَبَكُمْ فَقَدْ

حَارَبَ اللَّهُ وَ أَنْتُمْ لِمَنِ الْمُتَّقَرِّبِينَ الْفَائِزِينَ، الَّذِينَ هُمْ أَحْيَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ، فَعَلَى مَنْ قَتَلَكُمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ، أَتَيْتُكُمْ يَا أَهْلَ التَّوْحِيدِ زَائِرًا وَ بِحَقِّكُمْ عَارِفًا وَ بِزِيَارَتِكُمْ إِلَى اللَّهِ مُتَقَرِّبًا وَ بِمَا سَبَقَ مِنْ شَرِيفِ الْأَعْمَالِ وَ مَرْضِيِّ الْأَفْعَالِ عَالِمًا، فَعَلَيْكُمْ سَلَامُ اللَّهِ وَ رَحْمَتُهُ وَ بَرَكَاتُهُ وَ عَلَى مَنْ قَتَلَكُمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَ غَضَبُهُ وَ سَخَطُهُ، اللَّهُمَّ أَنْفَعْنِي بِزِيَارَتِهِمْ وَ تَبَتَّنِي عَلَى قُصْدِهِمْ وَ تَوَفَّنِي عَلَى مَا تَوَفَّيْتَهُمْ عَلَيْهِ وَ أَجْمَعْ بَيْنِي وَ بَيْنَهُمْ فِي مُسْتَقَرِّ دَارِ رَحْمَتِكَ، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ لَنَا فَرَطٌ وَ نَحْنُ بِكُمْ لَا حِقُونَ».

اعمال شب عرفه

توبه در این شب مقبول و دعا مستجاب می باشد، و زیارت امام حسین علیه السلام ثواب بسیار دارد، و مستحب است این دعا را در شب عرفه بخواند:

«اللَّهُمَّ يَا شَاهِدَ كُلِّ نَجْوَى وَ مَوْضِعَ كُلِّ شَكْوَى وَ عَالِمَ كُلِّ خَفِيَّةٍ وَ مُنْتَهَى كُلِّ حَاجَةٍ، يَا مُبْتَدِئًا بِالنَّعَمِ عَلَى الْعِبَادِ، يَا كَرِيمَ الْعَفْوِ، يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ، يَا جَوَادُ، يَا مَنْ لَا يُوَارِي مِنْهُ لَيْلٌ دَاجٍ وَ لَا بَخْرٌ عَجَاجٌ وَ لَا سَمَاءٌ ذَاتُ أَبْرَاجٍ وَ لَا ظَلَمٌ ذَاتُ أَرْتِنَاجٍ يَا مَنْ الظُّلْمَةُ عِنْدَهُ ضِيَاءٌ، أَسْأَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ، الَّذِي تَجَلَّيْتَ بِهِ لِلْجِبَلِ فَجَعَلْتَهُ دَكًّا وَ خَرَّ مُوسَى صَعِقًا وَ بِاسْمِكَ الَّذِي رَفَعْتَ بِهِ السَّمَاوَاتِ بِلا عَمَدٍ وَ سَطَّحْتَ بِهِ الْأَرْضَ عَلَى وَجْهِ مَاءٍ جَمَدٍ وَ بِاسْمِكَ الْمَخْرُوجِ الْمَكْنُونِ، الْمَكْتُوبِ الطَّاهِرِ الَّذِي إِذَا دُعِيَ بِهِ أُجِبْتَ وَ إِذَا سُئِلْتَ بِهِ أُعْطِيَتْ وَ بِاسْمِكَ السُّبُوحِ الْقُدُّوسِ الْبُرْهَانِ الَّذِي هُوَ نُورٌ عَلَى كُلِّ نُورٍ، وَ نُورٌ مِنْ نُورٍ، يُضِيءُ مِنْهُ كُلُّ نُورٍ، إِذَا بَلَغَ الْأَرْضَ انْشَقَّتْ وَ إِذَا بَلَغَ السَّمَاوَاتِ فَتَحَتْ، وَ إِذَا

بَلَّغَ الْعَرْشَ أَهْتَرًا، وَ بِاسْمِكَ الَّذِي تَرْتَعِدُ مِنْهُ فَرَائِصُ مَلَائِكَتِكَ، وَ
 أَسْأَلُكَ بِحَقِّ جَبْرَائِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ إِسْرَافِيلَ وَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ
 الْمُصْطَفَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ عَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَ
 جَمِيعِ الْمَلَائِكَةِ وَ بِالْإِسْمِ الَّذِي مَشَى بِهِ الْخَضِرُ عَلَى قُلُلِ الْمَاءِ،
 كَمَا مَشَى بِهِ عَلَى جَدِّ الْأَرْضِ وَ بِاسْمِكَ الَّذِي فَلَقْتَ بِهِ الْبَحْرَ
 لِمُوسَى وَ أَعْرَفْتَ فِرْعَوْنَ وَ قَوْمَهُ وَ أَنْجَيْتَ بِهِ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ
 وَ مَنْ مَعَهُ وَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ مِنْ جَانِبِ
 الطُّورِ الْأَيْمَنِ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَ أَلْقَيْتَ عَلَيْهِ مَحَبَّةً مِنْكَ، وَ بِاسْمِكَ
 الَّذِي بِهِ أَحْبَبَى عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ الْمَوْتَى وَ تَكَلَّمَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا،
 وَ أَبْرَأَ الْأَكْمَةَ وَ الْأَبْرَصَ بِإِذْنِكَ، وَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ حَمَلَةٌ
 عَرَشِكَ وَ جَبْرَائِيلُ وَ مِيكَائِيلُ وَ إِسْرَافِيلُ وَ حَبِيبُكَ مُحَمَّدٌ صَلَّى
 اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ مَلَائِكَتُكَ الْمُقَرَّبُونَ وَ أَنْبِيَائُكَ الْمُرْسَلُونَ وَ
 عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ، مِنْ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ وَ بِاسْمِكَ
 الَّذِي دَعَاكَ بِهِ ذُو النُّونِ، إِذْ ذَهَبَ مُعَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ،
 فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ

الظَّالِمِينَ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَ نَجَّيْتَهُ مِنَ الْعَمِّ وَ كَذَلِكَ تُنَجِّي
 الْمُؤْمِنِينَ وَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ دَاوُدُ وَ خَرَّ لَكَ
 سَاجِدًا، فَغَفَرْتَ لَهُ ذَنْبَهُ وَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ آسِيَةُ أُمْرَأَةٌ
 فِرْعَوْنَ، إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَ نَجِّنِي مِنَ
 فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ وَ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ، فَاسْتَجَبْتَ لَهَا
 دُعَائَهَا وَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ أَيُّوبُ إِذْ حَلَّ بِهِ الْبَلَاءُ، فَعَافَيْتَهُ
 وَ آتَيْتَهُ أَهْلَهُ وَ مِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِكَ وَ ذَكَرَى لِلْعَابِدِينَ وَ
 بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ يَعْقُوبُ فَردَدْتَ عَلَيْهِ بَصْرَهُ وَ قُرَّةَ عَيْنِهِ
 يُوسُفَ وَ جَمَعْتَ شَمْلَهُ وَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ سُلَيْمَانُ فَوَهَبْتَ
 لَهُ مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ، وَ بِاسْمِكَ
 الَّذِي سَخَّرْتَ بِهِ الْبُرَاقَ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، إِذْ قَالَ
 تَعَالَى: ﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى
 الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى﴾، وَ قَوْلُهُ: ﴿سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَ مَا كُنَّا
 لَهُ مُقْرِنِينَ، وَ إِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ﴾ وَ بِاسْمِكَ الَّذِي تَنْزَلَ بِهِ
 جَبْرَائِيلُ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ

بِهِ آدَمَ فَعَفَرْتَ لَهُ ذَنْبَهُ وَ أَسْكَنْتَهُ جَنَّتَكَ وَ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ وَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ بِحَقِّ إِبْرَاهِيمَ وَ بِحَقِّ فَضْلِكَ يَوْمَ الْقَضَاءِ وَ بِحَقِّ الْمَوَازِينِ إِذَا نُصِبَتْ وَ الصُّحُفِ إِذَا نُشِرَتْ، وَ بِحَقِّ الْقَلَمِ وَ مَا جَرَى وَ اللَّوْحِ وَ مَا أَحْصَى وَ بِحَقِّ الْإِسْمِ الَّذِي كَتَبْتَهُ عَلَى سُرَادِقِ الْعَرْشِ، قَبْلَ خَلْقِكَ الْخَلْقَ وَ الدُّنْيَا وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ بِالْفِي عَامٍ، وَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ حْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَخْرُوجِ فِي خَزَائِنِكَ الَّذِي اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ، لَمْ يَطْهَرْ عَلَيْهِ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ، لَا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ وَ لَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ وَ لَا عَبْدٌ مُصْطَفَى، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي شَفَقْتَ بِهِ الْبِحَارَ وَ قَامَتْ بِهِ الْجِبَالُ وَ اخْتَلَفَ بِهِ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ وَ بِحَقِّ السَّبْعِ الْمَثَانِي وَ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ وَ بِحَقِّ الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ وَ بِحَقِّ طُهُ وَ يَسَ وَ كَهْبَعَصَ وَ حَمَعَسَقَ وَ بِحَقِّ تَوْرَاةِ مُوسَى وَ إِنْجِيلِ عِيسَى وَ زُبُورِ دَاوُدَ وَ فُرْقَانِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ عَلَى جَمِيعِ الرُّسُلِ وَ بَاهِيَا شَرَاهِيَا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ تِلْكَ الْمُنَاجَاةِ الَّتِي كَانَتْ

بَيْنَكَ وَ بَيْنَ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ فَوْقَ جَبَلِ طُورِ سَيْنَاءَ وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي عَلَّمْتَهُ مَلَكَ الْمَوْتِ لِقَبْضِ الْأَرْوَاحِ وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي كَتَبَ عَلَى وَرَقِ الزَّيْتُونِ، فَخَضَعَتِ النَّيْرَانُ لِتِلْكَ الْوَرَقَةِ، فَقُلْتَ يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَ سَلَامًا وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي كَتَبْتَهُ عَلَى سُرَادِقِ الْمَجْدِ وَ الْكِرَامَةِ، يَا مَنْ لَا يُخْفِيهِ سَائِلٌ وَ لَا يَنْقُضُهُ نَائِلٌ، يَا مَنْ بِهِ يُسْتَعَاثُ وَ إِلَيْهِ يُلْجَأُ، أَسْأَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَ مُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَ بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ وَ جَدِّكَ الْأَعْلَى وَ كَلِمَاتِكَ التَّامَّاتِ الْعُلَى، اللَّهُمَّ رَبَّ الرِّيَّاحِ وَ مَا دَرَتْ وَ السَّمَاءِ وَ مَا أَظَلَّتْ وَ الْأَرْضِ وَ مَا أَقَلَّتْ وَ الشَّيَاطِينِ وَ مَا أَظَلَّتْ وَ الْبِحَارِ وَ مَا جَرَتْ وَ بِحَقِّ كُلِّ حَقٍّ هُوَ عَلَيْكَ حَقٌّ وَ بِحَقِّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَ الرُّوحَانِيِّينَ وَ الْكُرُوبِيِّينَ وَ الْمُسَبِّحِينَ لَكَ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ لَا يَفْتُرُونَ وَ بِحَقِّ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ وَ بِحَقِّ كُلِّ وَلِيٍّ يُنَادِيكَ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ وَ تَسْتَجِيبُ لَهُ دُعَاؤُهُ، يَا مُجِيبُ، أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ وَ بِهَذِهِ الدَّعَوَاتِ، أَنْ تَغْفِرَ لَنَا مَا قَدَّمْنَا وَ مَا أَخْرَجْنَا وَ مَا أَسْرَزْنَا وَ مَا أَعْلَنَّا وَ مَا أَبْدَيْنَا وَ مَا

أَخْفَيْنَا وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنَّا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، يَا حَافِظَ كُلِّ غَرِيبٍ، يَا مُونِسَ كُلِّ وَحِيدٍ، يَا قُوَّةَ كُلِّ ضَعِيفٍ، يَا نَاصِرَ كُلِّ مَظْلُومٍ، يَا رَازِقَ كُلِّ مَحْرُومٍ، يَا مُونِسَ كُلِّ مُسْتَوْحِشٍ، يَا صَاحِبَ كُلِّ مُسَافِرٍ، يَا عِمَادَ كُلِّ حَاضِرٍ، يَا غَافِرَ كُلِّ ذَنْبٍ وَخَطِيئَةٍ، يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ، يَا صَرِيخَ الْمُسْتَضْرِحِينَ، يَا كَاشِفَ كَرْبِ الْمَكْرُوبِينَ، يَا فَارِجَ هَمِّ الْمَهْمُومِينَ، يَا بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ، يَا مُسْتَهْمِي غَايَةِ الطَّلَبِينَ، يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، يَا دِيَّانَ يَوْمِ الدِّينِ، يَا أَجْوَدَ الْأَجْوَدِينَ، يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ، يَا أَسْمَعَ السَّمَاعِينَ، يَا أَبْصَرَ النَّاطِقِينَ، يَا أَقْدَرَ الْقَادِرِينَ، اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النِّعَمَ وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَوْرَثُ النَّدَمَ، وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَوْرَثُ السَّقَمَ وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصَمَ وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَرُدُّ الدُّعَاءَ وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ قَطْرَ السَّمَاءِ وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُعَجِّلُ الْفَنَاءَ وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَجْلِبُ

الشَّقَاءَ وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُظْلِمُ الْهَوَاءَ وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَكْشِفُ الْغِطَاءَ وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي لَا يَغْفِرُهَا غَيْرُكَ يَا اللَّهُ وَ أَحْمِلْ عَنِّي كُلَّ تَبِعَةٍ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ وَ اجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي فَرْجاً وَ مَخْرَجاً وَ يُسْراً وَ أَنْزِلْ يَقِينَكَ فِي صَدْرِي وَ رَجَاءَكَ فِي قَلْبِي، حَتَّى لَا أَرْجُو غَيْرَكَ، اللَّهُمَّ احْفَظْنِي وَ عَافِنِي فِي مَقَامِي وَ أَصْحَابِنِي فِي لَيْلِي وَ نَهَارِي وَ مِنْ بَيْنَ يَدَيَّ وَ مِنْ خَلْفِي وَ عَن يَمِينِي وَ عَن شِمَالِي وَ مِنْ فَوْقِي وَ مِنْ تَحْتِي وَ يَسِّرْ لِي السَّبِيلَ وَ أَحْسِنْ لِي التَّنْصِيرَ وَ لَا تَخْذُلْنِي فِي الْعَسِيرِ وَ أَهْدِنِي يَا خَيْرَ دَلِيلٍ، وَ لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي فِي الْأُمُورِ وَ لَقِّنِي كُلَّ سُورٍ وَ أَقْلِبْنِي إِلَى أَهْلِي بِالْفَلَاحِ وَ النَّجَاحِ، مَحْبُوراً فِي الْعَاجِلِ وَ الْآجِلِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَ ارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ طَيِّبَاتِ رِزْقِكَ وَ اسْتَعْمِلْنِي فِي طَاعَتِكَ وَ اجْزِنِي مِنْ عَذَابِكَ وَ نَارِكَ وَ أَقْلِبْنِي إِذَا تَوَفَّيْتَنِي إِلَى جَنَّتِكَ بِرَحْمَتِكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ زَوَالِ نِعْمَتِكَ وَ مِنْ تَحْوِيلِ عَافِيَتِكَ وَ مِنْ حُلُولِ نِعْمَتِكَ وَ مِنْ نُزُولِ عَذَابِكَ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ

جَهْدِ الْبَلَاءِ وَ دَرَكِ الشَّقَاءِ وَ مِنْ سُوءِ الْقَضَاءِ وَ شِمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ وَ مِنْ شَرِّ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَ مِنْ شَرِّ مَا فِي الْكِتَابِ الْمُنَزَّلِ،
 اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْأَشْرَارِ وَ لَا مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ وَ تَحْرِمْنِي
 صُحْبَةَ الْأَخْيَارِ وَ أَحْيِنِي حَيَاةً طَيِّبَةً وَ تَوَفَّنِي وَفَاةً طَيِّبَةً، تُلْحِقْنِي
 بِالْأَبْرَارِ وَ أَرْزُقْنِي مُرَافَقَةَ الْأَنْبِيَاءِ فِي مَفْعِدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ
 مُتَّدِرٍ، اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى حُسْنِ بَلَائِكَ وَ صُنْعِكَ، وَ لَكَ
 الْحَمْدُ عَلَى الْإِسْلَامِ وَ اتِّبَاعِ السُّنَّةِ، يَا رَبِّ كَمَا هَدَيْتَهُمْ لِدِينِكَ وَ
 عَلَّمْتَهُمْ كِتَابَكَ فَاهْدِنَا وَ عَلِّمْنَا وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى حُسْنِ بَلَائِكَ وَ
 صُنْعِكَ عِنْدِي خَاصَّةً كَمَا خَلَقْتَنِي، فَأَحْسَنْتَ خَلْقِي وَ عَلَّمْتَنِي
 فَأَحْسَنْتَ تَعْلِيمِي وَ هَدَيْتَنِي فَأَحْسَنْتَ هِدَايَتِي، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى
 إِعْطَائِكَ عَلَيَّ، قَدِيمًا وَ حَدِيثًا، فَكَمْ مِنْ كَرْبٍ يَا سَيِّدِي قَدْ فَرَّجْتَهُ
 وَ كَمْ مِنْ غَمٍّ يَا سَيِّدِي قَدْ نَفَّسْتَهُ، وَ كَمْ مِنْ هَمٍّ يَا سَيِّدِي قَدْ
 كَشَفْتَهُ وَ كَمْ مِنْ بَلَاءٍ يَا سَيِّدِي قَدْ صَرَفْتَهُ وَ كَمْ مِنْ عَيْبٍ يَا
 سَيِّدِي قَدْ سَتَرْتَهُ، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى كُلِّ حَالٍ فِي كُلِّ مَثْوَى وَ
 زَمَانٍ وَ مُنْقَلَبٍ وَ مَقَامٍ وَ عَلَى هَذِهِ الْحَالِ وَ كُلِّ حَالٍ، اللَّهُمَّ

أَجْعَلْنِي مِنْ أَفْضَلِ عِبَادِكَ نَصِيبًا فِي هَذَا الْيَوْمِ، مِنْ خَيْرِ تَقْسِيمِهِ،
 أَوْ ضُرٍّ تَكْشِفُهُ، أَوْ سُوءٍ تَصْرِفُهُ، أَوْ بَلَاءٍ تَدْفَعُهُ، أَوْ خَيْرٍ تَسُوقُهُ،
 أَوْ رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا، أَوْ عَافِيَةٍ تُلْبِسُهَا، فَإِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَ
 بِيَدِكَ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ أَنْتَ الْوَاحِدُ الْكَرِيمُ
 الْمُعْطِي، الَّذِي لَا يُرَدُّ سَائِلُهُ وَ لَا يُخَيَّبُ أَمَلُهُ وَ لَا يَنْقُصُ نَائِلُهُ وَ
 لَا يَنْفَدُ مَا عِنْدَهُ، بَلْ يَزْدَادُ كَثْرَةً وَ طَيِّبًا وَ عَطَاءً وَ جُودًا
 وَ أَرْزُقْنِي مِنْ خَزَائِنِكَ الَّتِي لَا تَفْنَى وَ مِنْ رَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةِ، إِنَّ
 عَطَاءَكَ لَمْ يَكُنْ مَخْظُورًا وَ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، بِرَحْمَتِكَ يَا
 أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

سَبِيلُهُ، سُبْحَانَ الَّذِي فِي النَّارِ سُلْطَانُهُ، سُبْحَانَ الَّذِي فِي الْجَنَّةِ رَحْمَتُهُ، سُبْحَانَ الَّذِي فِي الْقِيَامَةِ عَدْلُهُ، سُبْحَانَ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاءَ، سُبْحَانَ الَّذِي بَسَطَ الْأَرْضَ، سُبْحَانَ الَّذِي لَا مَلْجَأَ وَمَنْجَا مِنْهُ إِلَّا إِلَيْهِ».

سپس صد مرتبه بگوید: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» و سوره توحيد را صد مرتبه، و آیه الکرسی را صد مرتبه بخواند، و صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلام بفرستد، و بگوید:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» ده مرتبه، «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ» ده مرتبه، «يَا اللَّهُ» ده مرتبه، «يَا رَحْمَنُ» ده مرتبه «يَا رَحِيمُ» ده مرتبه، «يَا بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ» ده مرتبه، «يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ» ده مرتبه، «يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ» ده مرتبه، «يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ» ده مرتبه

اعمال روز عرفه

۱- غسل.

۲- زیارت حضرت امام حسین علیه السلام، همچنین دعای حضرت در روز عرفه، و دعای امام زین العابدین علیه السلام.

۳- بعد از نماز عصر، دو رکعت نماز زیر آسمان بجا آورد، سپس به گناهان خود اعتراف کند، و از خدا آمرزش بخواهد که هم ثواب عرفه را به دست آورد و هم گناهان آمرزیده شود.

مرحوم کفعمی روایت می کند که پس از نماز عصر، دو رکعت نماز گذارد، در رکعت اول بعد از حمد، سوره توحيد و در رکعت دوم سوره «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» بخواند.

سپس چهار رکعت دیگر بجا آورد در هر رکعت یک حمد و ۵۰ مرتبه سوره توحيد را بخواند.

این نماز همان نماز امیرالمؤمنین علیه السلام است، سپس این دعا را که مرحوم ابن طاووس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده بخواند:

«سُبْحَانَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ عَرْشُهُ، سُبْحَانَ الَّذِي فِي الْأَرْضِ حُكْمُهُ، سُبْحَانَ الَّذِي فِي الْقُبُورِ فَضَاؤُهُ، سُبْحَانَ الَّذِي فِي الْبَحْرِ

«آمین» ده مرتبه.

سپس بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ، يَا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ، يَا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى وَبِالْأَفْقِ الْمُبِينِ، يَا مَنْ هُوَ الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى، يَا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ».

و حاجت‌های خود را از خداوند بخواهد که ان شاء الله بر آورده می شود.

سبحان ربك رب العزة عما يصفون و سلام على المرسلين
و الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد
و آله الطيبين الطاهرين.